بنيان المحالي المحالية المحالي

يرتال حامع مهندسي عمران

ا مم متفاوت بیندیشیم

www.ucivil.ir



خدمات

- 🗸 دانلـود رایـگان کتـاب و پروژه های درسـی مقاطـع و گرایش هـای مختلف
 - سوزش تخصصی نرم افزارهای Abaqus ،GeoStudio و ...
 - 🗸 انجام پـروژه هـای دانشـجویی دروس مختلـف با نـرم افزارهای کاربردی



هفته اول		
Voracious /vəˈreɪʃəs/	Desiring huge amount	کد:واژه ی voracity یکی از مشتقاتی این کلمه رو کد بندی میکنم: برای حفظ این کلمه voracity و veracity رو در نظر میگیریم: خوب برای تصویرسازی این کلمات میگیم که دوتا شهر به نام vera و vora وجود داره که اهالی مردم vora خیلی حریص و پرخورند و بر عکسش اهالی شهر vera ادمهای درست و راستگویی هستند!!!!
indiscriminate /ɪndɪˈskrɪmɪnət ◄/	carelessly chosen	کد:این+دیسک کریم اینا یکسره و کور کورانه رایت شده ! کد:این+دیسک کریم اینا یکسره و کور
Eminent /'emɪnənt/	of outstanding reputation	معنی:یکسرہ/کورکورانه کد۱: eminent=prominent=important
		کد۲:Eminem خواننده معروف و مشهوریه!
Steeped /stiːpt/	to be completely soaked in something	معنی:مشهور /معروف کدا:از تیپت معلومه غرق در عشقی!!
		معنى:سرازير /سرشار شدن/سرشار
Replete /rɪˈpliːt/	completely filled with	کد:راه پله ت(راه پله ی شما) سرشارو پر از اشغاله تمیزش کن!
Abound /əˈbaʊnd/	existing in great number	معنی:سرشار /پر/لبریز کد:یه باند! یه باندن تعدادشون خیلی زیاده
Technology	related to science of	معنی:فراوان بودن/زیاد بودن
/tek'nplədʒi/	engineering	معنی:تکنولوژی/فناوری
Prognosticate /praːgˌnaːstɪˈkeɪʃən/	to be able to tell what will happen in the future	يد: PROgKNOWsticate. a PRO KNOWS enough to make a prediction
		معنی:پیش بینی کردن/تشخیص دادن
Automation /ˌɔːtəˈmeɪʃən/	machine that behaves like a person	كد:اتو مات! ماشينى
		معنی:اتوماسیون/خودکار/ماشینی

Matron	a mature woman	كد:بانو ماچرون!
/'meɪtrən/		
	6	معنی:بانو/زن خانه دار
Paradox /'pærədɒks/	Seemingly self- contradictory situation	معنى:متناقض نما/پار ادو كس
Realm	someone's special field	کد:به دوستت میگی علمت در چه رلمیه؟!×! (حوزه=realm)
/relm/		
Annals	historical records	معنی:حوزه/ناحیه کد:تاریخچه و سالنامه تو همیشه انالیز کن!
/ˈænlz/	instanteurrecords	
		معنی:تاریخچه/سالنامه
Compound /ˈkɒmpaʊnd/	to add too	کد:کام+پوند=کم+پوند! تمام پولای
		معنی:ترکیب کردن/مخلوط کردن
Tinge /tɪndʒ/	a small amount of	کد:اگه به تُلفظ دَقت نکنم و به شکل ظاهری دقت کنیم "تُنگ" مقدار زیادی جا میگیری ولی tinge مقدار کم و جزئی جا میشه! بر عکس همند ولی دقت کنید
		تلفظ tinge میشه تینج
	1 11 1150 11	معنی: رنگ کم/کم/کمی/مقدار جزئی
Drudgery /'drʌdʒəri/	dull, difficult work	کد۱:تو کارهای خرحمالی لباسات جرواجره(drudgery)!! کد۲:درودگری کار سختیه!
Badger	to continually nag	معنی:خرحمالی/کار سخت کد:bad+girl دیدین دختر بچه های کوچیک وقتی از کنار دستفروشهای
/'bædʒər/		خيابون رد ميشن چقد اذيت ميكنن مامان باباشونو و خرت و پرت ميخوان؟!×؟!
		معنی:اذیت کردن/دستفروش/خرده فروش
Interminable /ɪnˈtɜːrmənəbəl/	Unending	کد:این+ترمینال سرو ته نداره از بس بزرگه!
		معنی:بی انتها/بی پایان
Implore /m'plo:r/	Beg for assistance	كد:اين پلو رو بده به من التماست ميكنم!
		معنی:در خواست کر دن/التماس کر دن
Perceive	to come to have an	کد:شرکت پپسی درک نمیکنه که کوکا کو لا بهتر ه یا بدتر ه!
/pərˈsiːv/	understand	

	نه دوم	هفت
Laconic /ləˈkɒnɪk/	Concise, pithy	کد:مکانیک ها اکثرا کم حرفند!
		معنی:کم حرف/مختصر گو
Throng /θrɒŋ/	great number of people	کد:جمعیت کسانی که از سرنگ استفاده میکنن خیلی زیاد شده جدیدا!
		معنی;جمعیت/هجوم/از دحام کر دن
Intrepid /ınˈtrepid/	courageous	کد:اونایی که اینطرفید خیلی جرات و شجاعت دارید!
		معنی:با جر ات/دلیر /شجاع
Accost /əˈkɑːst/	To greet first	عدی بر در بیان میشه میخاد مورد خطاب قرار بده! کد:عکاس همیشه میخاد مورد خطاب قرار بده!
		معنی:مورد خطاب قرار دادن
Reticent /'retisənt/	uncommunicative	معی سوره مصب مرار دادن کد:ریتا(خواننده اسرائیلی)! سایلنت=ریتا خیلی سایلنته!
		معنى:كم حرف
Furtive /ˈfɜːrtɪv/	sly	کد: ! Go for TV furtive دزدکی برو سمت تی وی!
		معنی: در دک ابنمانی
Felon /ˈfelən/	criminal	معنی:دزدکی/پذهانی کد:فلان فلان شده جانی و گذاهکاره!
		معن حان /گناهکار
Plethora /ˈpleθərə/	overabundance	معنی:جانی/گناهکار کد:پل +صراط خیلی شلوغه!
		کد۲: پلیس راه سرش خیلی شلوغه!
		معنى:از دياد/شلو غي/افر اط
Hapless /ˈhæpləs/	unlucky	helpless:∠
		معنی:بی چار ه
Irate	angry	کد:ایرادت اینه که زود خشمگین و عصبانی میشی

/ˌaɪˈreɪt ◀/		
		معنى:خشمگين/غضبناک
Pretext /'pri:tekst/	An excuse	کد: هر متنی نوشته بود (text=متن)معلوم بود بهونست
Fabricate /'fæbrıkeıt/	to make up a lie	معنی:بهانه/عذر کد:یه دروغ فابریک و ساختگی از خودت در بیار ببینم!!!
Adroit /əˈdrɔɪt/	clever	معنی: ساختگی/از خود در اوردن کد:درایت داره و زرنگ و ماهره!
		معنی:ماهر ازرنگ/زبردست
Gesticulate dʒeˈstɪkjʊleɪt/	to use lively gestures	كد:تلفظش به ژست ميخوره ر
Vigilant /ˈvɪdʒɪlənt/	alert	معنی: رُست گرفتن کد:اجیل و ویجیل دو تا برادر هوشیار و مراقب!!!!
Avid /ˈævɪd/	enthusiastic	معنی:هوشیار و مراقب کد:نوید خیلی حریصه!
Cajole /kəˈdʒəʊl/	coax, wheedle	معنی:حریص/ازمند کد:ادمای کجو کول رو گول نزن!
		معنى:گول زدن/
Rudimentary /ˌruːdɪˈmentəri ◀/	basic, elementary	کد:هم وزن بودن و هم اهنگ بودنش با مترانفش (elementary)
		معنى:ابتدايي/اوليه/ناقص
Enhance /ınˈhæns/	to make greater	کد:کیفیت صدای این هندز فری باید بالا بره!
Nuance	shade of difference	معنی:بالا بردن/افزودن/زیاد کردن کد:
/ˈnuːɑːns/	shade of difference	Nuance = new + ounce And ounce is a very small unit for weight hence a very small difference
		معنی:اختلاف جزئی

هفته سوم		
Loathe /loʊð/	despise	کد:از افراد لوس متنفرم
		معنی:تنفرداشتن از/متنفر بودن
Reprimand /'reprim ænd/	to scold severely	كد:
		Rep+rimand(Remand) when police take remand of someone,,they Scold them harshly (Strong rebuke)
		معنی:سرزنش کر دن/توبیخ کر دن
Lackluster /ˈlækˌlʌstər/	Lacking brightness	کد:lack+luster خونه آی که لوستر نداشته باشه دلگیره !
		معنی:دلگیر /ہی نور /تاریک
Caustic /ˈkɔːstɪk/	stinging	كد:كاستاريكا كشوريه كه مردمش همه خشمگين اند!
	seize	معنی:خشمگین کد:
/rest/	Seize	 با wrestling همه اشنا هستند و میدونن که معنیش میشه کشتی پس حدس زدن معنی wrest کار اسونیه چون توی کشتی پیچاندن و گرداندن هدف کاره!
		معنی:بیچاندن/گرداندن/بیچش/چرخش
infamous /'infamas/	evil	کد:میدونیم که معنیه Famous میشه مشهور و در اینجا پیشوند in باعث منفی شدن کلمه میشه!
jostle /ˈdʒɒsəl	to push, to elbow	معنی:ؤسوا/بدنامش کد:اونایی که جسه شون بزرگه بقیه رو کنار میزنن همیشه!
		معنی:به کنار زدن
dupe /du:p/	an easily fooled person	کد:وقتی میری استخر ادمی که ساده باشه و گول خور باشه میندازنش توی تیوپ و پرتش میکنن تو اب!
		معنى:ساده دل/گول خور
incipient /ınˈsıpiənt/	Just starting	کد: این سی پی یوت(cpu) از اولین سری سی پی یو تولید شده است!
inadvertent	due to an oversight,	معنی:اولین/نخستین کد:این ادویه تند که ریختم تو غذات عمدی نبود!
/ˌinədˈvɜːrtənt/	negligent	. 5. 5 5 (15

ominous /ˈɒmɪnəs/	Menacing	کد:به دوستت تو باشگاه بدنسازی میگی امینوست نخور بدیمن و شومه هیکلت خراب میشه!
		معنى:بديمن/شوم/ناميمون
tremulous /ˈtremjʊləs/	Trembling	کد:این گربه ترو ملوسه ولی چرا همش میلرزه؟×!؟
		معنی:لرزنده/لرزش دار
Repudiate /rɪˈpjuːdieɪt/	disown, refuse to accept	repudiate means refuse it!:4
cessation	A pause	معنی:رد کردن/امتناع کردن/نپذیرفتن کد:ماشینهای استیشین بدون توقف میرن ولی ماشینایی سسیشین توقف میکنن!
/seˈseɪʃən/	Apadse	
		معنى:ايست توقف
bristle /'brisəl/	to have one's hair stand up	کد:شهر بروکسل اکثر مردمشون موهاشون سیخ سیخه و همش جنگ و دعوا دارن باهم !!!
		معنی:موی سیخ/سیخ شدن/اماده جنگ شدن
euphemism /ˈjuːfɪmɪzəm/	saying something in a less direct way	کد:افه میزاره (دیدین طرف کارش خوب نیست یه کلمه ی خوب واسه کارش استفاده میکنه ؟ به کارش کلاس و افه میزاره!!!)
		معنی:استفاده ی کلمه ی نیکو بر ای موضوع یا کلمه ی نامطلوب
mundane /mʌnˈdeɪn/	Earthly	کد:شکل ظاهری لغت خودش کد رو به ما میده موندنی!!
		معنی:جهانی/دنیوی
incongruous	having inconsistent	کد:این کانگرو جنسش با اون کانگرو فرق داره نا متجانس اند
/m'knnaruss/	elements	
/ınˈkɒŋgruəs/		معنى:نا متجانس
condolence	Expression of	کد:این کلمه رو candle در نظر مگیریم (شمع)
/kənˈdəʊləns/	sympathy	بیشتر مردم دنیا برای همدر دی و تسلیت شمع روشن میکنند!
		معنی:تسلیت/همدر دی/عزا

	چهارم	. حتفه
Alacrity /əˈlækrıti/	Quick willingness	کد:الکتریکی ها خیلی چابک و فرز هستند!
Disdain [dɪsˈdeɪn]	contempt	معنی:چابک/فرز کد:this +دین! این دین هیچ گونه بی احترامی به ما نکرده!
belligerent /bɪˈlɪdʒərənt/	seeking war, hostile	معنی:تحقیر /ہی احتر امی کد:بیلی جنگجو! کد۲: belli (TOM) and gerry always quarrel in TOM and GERRY cartoon.
intimidate /ınˈtımıdeɪt/	To make afraid	معنی: جنگجو /متخاصم کد: این +تامی + ایت (ate) این تامی تر سناکه و همه رو میخوره!
feint /feint/	false attack	معنی:ترساندن/مرعوب کردن کد:feign(sounds with foreign)foreign people always try to deceive our country
pugnacious /pʌgˈneɪʃəs/	Combative	معنی: تظاهر کردن/وانمود کردن کد: این ریشه (pugnacious) رو همیشه باید به یاد داشته باشیم که به معنیه مبارزه هست و کاربرد فراوانی داره
		معنی:جنگجو/ستیزه گر
promulgate /'prɒməlgeıt/	make public, proclaim	Prom (promote)+ul+gate. So promoting something :4 out of the gate
		معنی:اعلام کر دن کد: rash(عجله)!
brash /bræʃ/	Insolent	کد: rash(عجله)!
		معنی:عجول/بی پر و ۱/گستاخ
Scoff	To mock	کد:اسی کوفت!! کمتر مسخره کن دیگران رو!
/ska:f/		معنی:تمسخر /مسخره کردن
Belittle	speak of as unimportant	کد:be+little میخوای کسی رو مسخره کنی میگی کوتوله دیگه!

/bɪˈlɪtl/		
		معنی:مسخره کردن/تحقیر کردن
Tangible /ˈtændʒɪbəl/	able to be touched	كد: زنجبيل قابل لمسه!
Laceration	Rough cut	معنی:قابل لمس/محسوس کد۱:لیزریشن! با لیزر یه قسمتی از بدن رو دریدن!
/ˌlæsəˈreɪʃən/		کد۲:لثه اش رو پاره کردن واسه جراحی!
Castigate	Punish, chastise	معنی:دریدگی/پارگی کد:این کلمه رو با masticate (ماست کته رو جویدن!) به هم ربط میدیم به
/ˈkæstɪgeɪt/		این صورت: بچه ای که ماست رو masticate کرده بود رو castigate کردیم!
Candid	Filthy imphile	معنی:سرزنش کردن/تنبیه کردن کد: !sorry+l did bawdy
Sordid /ˈsɔːrdɪd/	Filthy, ignoble	حد. :Sorry+r did bawdy یادتون بمونه بعد یه چیز منفی تو ذهنتون به اخرش اضافه کنید که زشت و ناشایسته.
		معنى:كثيف از شت/ناشايست
Octogenarian /ˌɒktəʊdʒɪˈneəriən/	Person of eighty	كد:اوكتا (۸۰)
		معنى: ٨٠ساله
Solace /ˈsɒlɪs/	Comfort	کد:جایی که صلحست ار امش نیز هست!!
Assissa	Candidata faribattan	کد:ار امش/تسکین دادن/ار ام کر دن کد:بچه ها معمولا داوطلب و جویا به خور دن قرص اسیرین نیستند!
Aspirant /ˈæspərənt/	Candidate for better job	
dregs	Most worthless part	معنی:جویا/داوطلب معنی:اون افرادی که دراگ (دارو/قرص روان گردان) مصرف میکنن اخرش
/dregz/		به يه ادم پست تبديل ميشن! /
		معنی:باقی مانده/چیز پست و بی ارزش
frenzy /'frenzi/	Frantic outburst	کد:هم وزن و هم معنیه crazy=frenzy
		معنی:دیو انگی/اشفته کر دن
scurrilous /ˈskʌrələs/	Vulgar, using indecent language	كد:اوستا كرول(ظالم=cruel) إست (به لهجه اصفهاني!)
		اوستا كرول إس! اوستا ظالم و فحاش إس!!
		معنى:ظالم/فحاش/ناسز اگو

هفته پنجم		
rampant	flourishing	کد:ramp+ant مورچه های خشمگین تعدادشون بیشترینه توی کره زمین و حکم فرما هستند!
/ˈræmpənt/		معنى:شايع /حكم فرما
inane /ɪˈneɪn/	silly	کد:INANE = AsINiNE
		ﻣﻌﻨﻰ:اﺣﻤ <i>ﻖ/ﭼﺮ</i> ﻧﺪ/ﭘﻮ ﭼ
ethic /ˈeθık/	Moral philosophy	معنی:کتاب اخلاق/و ابسته به علم اخلاق
concur /kənˈkɜːr/	agree	كد:با حذف كنكور موافقت شد!!
		معنی:موافقت کردن/هم رای شدن
clandestine /klænˈdestɪn/	Hidden, secret	کد:مخفی شدن کلا داستّان دار ه نباید ادم مخفی بشه!!
		معنی:مخفی/زیرجلی
flagrant /ˈfleɪgrənt/	Notorious	flag + rentrenting the national flag!(No offense :عد meant) It is shocking & scandalous.
		معنی:اشکار/انگشت نما/برملا
Admonish /ədˈmɒnɪʃ/	to scold, warn	کد:کار ادمین(رئیس=admin) فقط نصیحت کر دنه!!
		معنی:نصیحت کردن کد:
Duress /djʊˈres/	Force ,coercion	u + dress; that is u enforce your wife to put on a particular dress
		معنى:شدت/رفتار خشن
Culprit	one who commits a	culpable=culprit:ک
/ˈkʌlprɪt/	crime	کد۲:کبریتِ کالپریت رو ازش بگیر! معنی:مقصر <i>إم</i> جرم کد:
Inexorable /ınˈeksərəbəl/	cannot be moved by persuasion, inflexible	کد: Sound like inflexible- inflexible ppl are inexorable
		معنی:سخت/بی شفقت/تسلیم نشو

Egregious /ıˈgriːdʒəs/	Outstanding for undesirable quality	a great+gesture! کد:ژست بزرگی
		معنی:بزرگ/فاحش
Duplicity /djuːˈplɪsɪti/	Double-dealing	کد:double+city دوبله سیتی! شهری که همه چیزیش دوگانگی داره!
		معنی:دورویی/دورنگی
Distraught [dɪˈstrɒːt	mentally confused, crazed	کد:this+thought این فکر تورو پریشون و اشفته میکنه
		معنی: پریشان/اشفته کد:اکرم آنی اِس! (گفته ی یه اصفهانی) یعنی رفتارش تنده و زود خشمگین
Acrimonious /ˌækrɪˈməʊniəs ◀/	Caustic, bitter	کد:اکرم انی اِس! (کفته ی یه اصفهانی) یعنی رفتارش تنده و زود خشمکین میشه!
		معنى:تند/ز ننده
Paucity /'pɔːsɪti/	shortage	paucity=scarcityThese two words rhyme:ک
		معنی:مقدار کم/کمی کد:میتونیم به exit ربطش بدیم
Elicit /ı'lısıt/	Extract	حد:مینونیم به exit ربطس بدیم
		معنی:خارج کردن/بیرون کشیدن
Pernicious /pərˈnɪʃəs/	Damaging, harmful	كديه اصفهاني بهت ميگه اون ماره پرنيش اِست ! اِيعني كشنده و زيان اور
-	T	معنی:کشنده/زیان اور /مضر کد:هم تالاری ات رو باید تحمل کنی دیگه!!
Tolerat /ˈtɒləreɪt/	To permit, to put up with	کد.هم تا لاری آت رو باید تحمل کنی تینه!!
	Tointonnet	معنی:تحمل کردن کد: you need to concentrate to decode true messages
Construe /kənˈstruː/	To interpret	you need to concentrate to decode true messages:.4
Language the control of the control	Fyamatian	معنی: تفسیر کردن/استنباط کردن کد:خیلی به لغت immunity شباهت داره!
Impunity /ɪmˈpjuːnɪti/	Exemption	قد کیلی به نخب milliumy سبه می دارد:
		معنی:بخشودگی/معافیت از زیان،مجازات

	ششم	طقف
Affluent /ˈæfluənt/	wealthy	کد:I feel u ant تورو مورچه حس میکنم از بس نروتمندم!
		معنی:فراوان/دولتمند/ثروتمند
Feasible /ˈfiːzɪbəl/	uncertain	کد:همشکل بودن و تقریبا هم تلفظ بودنش با possible
		معنی:ممکن/شدنی
Discern /dɪˈsɜːrn/	recognize	کد:دیز اینش (طرح design)رو دیزرن (تشخیص و درک)کن!
		معنی:تشخیص دادن/درک کردن
Sally /ˈsæli/	Sudden ,rushing forth	كد:قبلا سالى يه بار قبيله ها به هم حمله ميكردند!
consternation /ˌkɒnstərˈneɪʃən/	dread, dismay	معنی:یورش/حمله کد: به قسمت اولش توجه کنید و conster رو monster (هیولا) بخونید که همه رو اشفته میکنه!
		معنی:اشفتگی/بهت/حیرت
Precocious /prɪˈkəʊʃəs/	reaching maturity early	کد:میتونیم اینجوری بخونیم این لغت رو:pre+conscious(conscious)
perfunctory	Careless	معنی:باهوش/زودرس/نابهنگام کد:Perform+hurryPerform in a hurryperfunctory
/pərˈfʌŋktəri/		معنى:سرسر <i>ى إبى</i> مبالات
chagrin /ʃəˈgrɪn/	disappointment	معنی شرس <i>ری بهی مب</i> دت کد:شما همیشه شاکرین حتی وقتی غم و قصه دارین!
		معنی:غم و غصه/از ر ده کردن/اندوه
perverse /pərˈvɜːrs/	Contrary	کد:میتونیم از reverse استفاده کنیم و بگیم هرکی راهشو
		بر عکس(reverse) بره همیشه گمراست و منحرف!
deride /dɪˈraɪd/	To make fun of	معنی:منحرف/گمراه کد:ادمهای پررو و به اصطلاح عامیانه دریده! همیشه در حال مسخره کردن دیگران هستند
disparage	To discredit	معنی:تمسخر کردن/استهزاء کردن کد:this+پارگی این پارگی شلوارت تورو پیش دوستات تحقیرو بی اعتبار
	10 discredit	سابانه پردی ین پردی شورد فرور پین درست سیرو بی ۱۰۰۰ میکنه!
/dıˈspærɪdʒ/		
		معنی:بی اعتبار کردن/پست کردن

laudable /ˈlɔːdəbəl/	commendable	كد:devil+لا(نه=عربی)!! كسى كه شيطانى نباشه و طرفدار حق باشه قابل ستايش و پرستشه!!
		مع و تبديل المنتقب
fiasco	complete failure	معنی:قابل پرستش/ستوده کد:پیاز کوهی خورد و شکستشون داد!!
[fiˈæskoʊ]		
		معنى:ناكامى/شكست
masticate /ˈmæstɪkeɪt/	To chew	کد:این کلمه رو با masticate (ماست کته رو جویدن!) ربط میدیم!
		معنی:جویدن/نرم کر دن/بز اقی کر دن
eschew	Keep away from	کد:
/ısˈtʃuː/		es+CHEW
		باید از جویدن(chew) زیاد ادامس یا خودداری کنیم (eschew)
		معنی:اجتناب کر دن/خو ددار ی کر دن
quell /kwel/	Crush, stop	کد:کو علی؟؟سر کوبش کن
		معنی:فرونشاندن/سرکوب کردن
voluble /'vɒljʊbəl/	Talkative	کد:والیبال ورزشیه که نباید پرحرفی کنی توش و خیلی سلیس و روان بازی کنی!!
		the of the desire
confidant	person you tell your	معنی:سلیس/روان/پرحرف کد:این لغت رو اینجوری راحت یاد میگیریم:کان+فی+دنس! الیور کان توی
/ˈkɒnfɪdænt/	secrets too	دنس(dance = رقص) دمساز و رازداره ادمه!!
		معنی:دمساز ار از دار امحرم اپر ده دار
obsolescence /ˌɒbsəˈlesəns/	process of wearing out	کد: اسم عبدالحسین قدیمی و کهنه شده دیگه!
		معنی:کهنگی/منسو خی
dubious /'dju:biəs/	Uncertain	محنی جهدی الله میدونیم در اینجا ous اضافه شده و کلمه به صفت تبدیل شده
		معنی:مورد مشکوک/نامفهوم

	هفتم	هفته
implacable /ɪmˈplækəbəl/	Relentless, unappeasable	کد:این پل کابلی(سیمی) رو برای سنگ دلها درست کردند که ازش رد شن!!
		معنی:سنگ دل/کینه توز
paroxysm /'pærəksızəm/	Violent outburst	کد:پر اکسی زن!! یعنی کسی که حمله ی ناگهانی میکنه به پر اکسی!
reprehensible	Blameworthy	معنی:حمله ی ناگهانی/نشنج کد: شباهت ِزیاد به responsible (مسئول) داره! کسی که مسئوله اگه یه
/ˌreprɪˈhensɪbəl/		چیزی رو گم کنه سرزنش میشه!
		معنی:سزاوار سرزنش/سرزنش کردنی
Jurisdiction dʒʊərɪsˈdɪk∫ən]	power, range of authority	کد:توی بازی پلی تو او ان/ایکس باکس دو طرف حق قضاوت ندارند فقط باید با جو استیکشون کار کنند!
		معنى:اختيار قانوني/حق قضاوت
skirmish /ˈskɜːrmɪʃ/	Small battle	كد:اسكرميش=كشمكش!! اوضاع كيشميشيه!!
		معنی:جنگ <i>جزئی/زد و</i> خورد
harass /həˈræs/	To torment	کد:اگه درختهاتون رو هرس نکنین شاخه هاش میاد تو و اذیتتون میکنه
1		معنی:اذیت کردن/خسته کردن کد:معنی پیشوند mono رو میدونیم میشه یک/تک
monolithic /ˌmɒnəˈlɪθɪk/	having a massive structure	
1 11	Decedes white	معنی:یک پارچه کد:عربی ۳!! خواندن عربی ۳ واسه همه اختیاریست و قراردادی نیست که
arbitrary /ˈɑːrbətreri/	Based on whim	حد، غربی ۱ : ا خواندن غربی ۱ و اسه همه احتیاریست و فراردادی نیست که حتما بخونیش!!
		معنی:قر ار دادی/اختیار ی
fray /freɪ/	A conflict, fight	کد:با یه ذره تغییر تو تلفظ میتونید fear بخونید که معنیشه!
		معنى:ترس/وحشت/غوغا/نبرد
indigent /'indidʒənt/	poverty-stricken	کد:میتونیم اینجوری بخونیمش:هندی جنت(جنتلمن=india+gent) جنتلمن های هندی به افراد فقیر کمک میکنند!
		معنی فقیر /تهی دست/تنگ دست
stymie	To hinder	کد:میتونیم از این کد استفاده کنیم به این صورت که s رو حذف کرده و اینجوری بخونیمش:
/ˈstaɪmi/		tie meprevent from moving forward
		معنی:مانع شدن/گیر کردن

effigy /'efɪdʒi/	A likeness	کد:برای این لغت هم میتونیم از واژه ی figure استفاده کنیم! a fig(ure) y
		معنی صور ت/تمثال/بیکر ک
flout /flaʊt/	To show contempt	معنی:صورت/تمثال/پیکرک کد:برای دست انداختن طرف فلوت میزد!!
		معنی:مسخره کردن/دست انداختن کد:
cognizant /ˈkɒgnɪzənt/	Aware	کد: if u cognize[recognize] a danger, u become cognizant[aware] of it.
		معنی:اگاه/با خبر
turbulent /ˈtɜːrbjʊlənt/	Eject	کد:میتونیم به trouble و مزاحمتی که یاغی ایجاد میکنه ربطش بدیم
		معنی:سر کش/یاغی/گر دن کش
terminate	To end	کد: ترمی+نحس دانشجویان ترمی نحس رو به پایان رساندند
/ˈtɜːmɪneɪt/		
		معنی:تمام کر دن/به پایان رساندن کد:تلفظش کد رو به ما میده فوری!
forthwith /fɔːrθˈwɪð/	immediately	کد:تلفظش کد رو به ما میده فوری!
		معنی بی در نگ
exacerbate	To irritate	كد:
/ıgˈzæsərbeıt/		ex+acerb+ate; Latin acerb- means bitter, harsh; So !exacerbate means to make bitter
		معنی:تشدید کردن/بدتر کردن/خون کسی را به جوش اوردن
revert /rɪˈvɜːrt/	Go back	کد:شبیه reverse هست
		معنی:برگشت/برگشتن
oust /aʊst/	Eject	معنی بردست پردست کد:میتونیم با حذف یک کلمه به راحتی معنی رو بفهمیم: !!oust=out
		معنی:اخراج کردن/برکنار زدن
		معنی احراج مرس ابر معار رس

	هشتم	هفته
emaciated	Wasted away	كد: EMMA WATSON بازيگر لاغر!!!!
/ıˈmeɪsieɪtɪd/		:Nr. :
surge /saːrdʒ/	To rush suddenly	معنى: لاغر كد:سرجات بشين موج داره مياد سمتمون!!
tranquil /ˈtræŋkwɪl/	Peaceful	معنی:موج دار کردن/موج خروشان کد:تهران +کل کل تهران ارام و اسوده زندگی میکنند!!
sanctuary	Place of protection	معنی:ار ام/اسو ده کد:هم سنگریت جایگاهش مقدسه !
/ˈsæŋktʃuəri,/		معنی:جایگاه مقدس/پناه گاه
ascend /əˈsend/	To arise	كد: شُباهتش با مخالفش به ما كد رو ميده ascend#descend بالا رفتن/پايين رفتن
malnutrition /ˌmælnjʊˈtrɪʃən/	Inadequate diet	معنی:بالا رفتن/صعود کردن کد: mal پیشوندی به معنای منفی به کار میره!
afflict [əˈflɪkt]	to trouble greatly, to distress	معنی:سوء تغذیه کد:ادم فلک ز ده همیشه به گرفتاری مبتلاست و رنج میبینه!
besiege /bɪˈsiːdʒ/	To surround	معنی:رنج دادن/مبتلا ردن کد:نیرو های بسیجی دشمن رو محاصره کردند!
privation /praɪˈveɪʃən/	Lack of necessities	معنی:محاصره کردن کد:کافیه یاد این کلمه بیفتیم DepriveDeprive !!
sinister /'sınıstər/	Evil	معنی:فقدان/محرومیت کد:معنی minister رو میدونیم میشه وزیر پس میتونیم بگیم که وزیرفلان کشور خیلی (سینستر=sinister) شروره و بدذاته!
ubiquitous	Being everywhere at	معنی:بدذات/شرور کد:یوبی کووو شیث؟؟؟ همه جا شیث حاضره نگران نباش!!
/juːˈbɪkwɪtəs/	once	معنی:همه جا حاضر

remote	Distant	کد:با ریموت میتونیم تلویزیون رو از راه دور خاموش روشن کنیم یا درب
/rıˈməʊt/		ماشین رو با ریموت باز و بسته کنیم!
		معنى:دور/بعيد/دوردست
thwart	To hinder	معنی. <i>تور بهیو بهوردهنت</i> کد:اخلاق طرف ترد و تنده!!
/θwɔ:rt/	To minder	
		معنی:کج خلق/بی نتیجه گذار دن
harbinger	Forerunner	کد:میتونیم بگیم :her+finger
/ˈhɑːrbɪndʒər/		she shows me what is about to happen by gesturing with her finger
		معنی:قاصد/منادی/جلودار
malignant /məˈlɪgnənt/	becoming progressively worse	کد:مالیی+گند! اونایی که از لحاظ مالی گند میزنن به زندگیت کینه جو و بد طینت هستند!
		معنی:بد طینت/کینه جو کد: به دست اور دن عکس کوروش بزرگ مشقت باره!!
excruciating	Agonizing	کد: به دست اور دن عکس کوروش بزرگ مشقت باره!!
/ıkˈskruːʃieɪtɪŋ/		معنی:مشقت بار /سختی
respite	Postponement	rest a bit:ک
/ˈrespaɪt/		
		معنی:مهلت /فر جه دادن
reverberating /rɪˈvɜːrbəreɪt/	Reechoing	کد:کافیه به این صورت بخونید! reverse+meeting
		معنی:معکوس/منعکس کر دن/طنین انداز کر دن
fretful /'fretfəl/	Worrisome	كد:فر هاد فول! اسم شاگرد اول مدرسه است كه همش اخمو و نار احته!
		معنی:اخمو/نار احت/جوشی کد:سه کام از دود سیگار بگیری از پای در میای!!!!
succumb /səˈkʌm/	Yield	کد:سه کام از دود سیگار بگیری از پای در میای!!!!
		es defect a ten
		معنی:از پای در امدن/تسلیم شدن

	نهم	هفته
Impresario /ˌɪmprɪˈsɑːrioʊ/	Organizer	کد:این پیر ساری مدیر اماکن تفرحیست!!!
extortion	getting money by	معنى:مدير اماكن تفريحي كد:عكسهاشون! لو رفته حالا ميخوان ازشون اخاذى كنن بابت تحويل عكسها!!
/ıkˈstɔːʃən/	threats	
adverse	Unfavorable	معنی:اخذ با جبار و زور/اخاذی کد:ادو+روس! ادویه روسی!
/ˈædvɜːrs/	Omavorable	ادویه روسی بر عکس تمام ادویه هاست! غذارو شیرین میکنه!
	Compabling of value	معنی:بر عکس /مخالف کد:اون لواز می که بر ات ارزش دارند لوازم آست(آس) هستند دیگه!
asset /ˈæset/	Something of value	حد اون توارشی که پر اک از رش دارید توارم است (اش) هستند دیده ا
	Discountible d	معنی:دار ایی/چیز باارزش و مفید کد:اون مهمونهایی که بی لیته اند(ترشی لیته) خشن شده اند و زیاد سرو صدا
blatant /'bleɪtənt/	Disagreeably loud	د. اون مهمونهییی که بی بینه اند(فرشی بینه) کس سده اند و ریاد سرو صدا راه انداختن!!! بی+لینه ان
entourage /ˈɒntʊrɑːʒ/	Followers	معنی:پر سر و صدا/خشن کد:این تورج باید محیطش رو به همراه دوستاش کلا عوض کنه!!
		معنی:محیط/اطر افیان/همر اهان
virulent /ˈvɪrʊlənt/	Harmful	کد:به حروف اول دقت میکنیم و ویروس رو کد کنیم که سمی و زهراگینه!
		معنی:تلخ /ز هراگین کد:۷ ناماسم یه ویروس و سم جدیده!
venom /'venəm/	Poison	خد: ۷ نام اسم یه ویروس و سم جدیده!
		معنی:سم/زهر مار و عقرب و کد:اسپیو=عطسه! وقتی که عطسه میکنی هرچی ویروسه بیرون میریزی!
spew /spju:/	Vomit	کد:اسپیو=عطسه ! وقتی که عطسه میکنی هر چی ویروسه بیرون میریزی!
loath	Unwilling	قی کرد <i>ن ابخار</i> ج ریختن کد:از ادمای لوس بیزار و متنفرم!
loath /loʊð/	Onwilling	
solicit	Seek earnestly	معنی:بیزار/متنفر کد: so+let(me)+sit
/səˈlɪsɪt/	Seek earnesury	

		معنی:در خواست کر دن/التماس کر دن
astute /əˈstuːt/	Keen, shrews	کد:استاد ها زیرکند و باهوش! کد:استاد ها زیرکند و باهوش!
		معنی:زرنگ / باهوش/زیرک
advocate /ˈædvəkeɪt/	To support	کد: (عدوا؟؟!!) دعوا؟کی(چه زمانی)؟؟ اون توی دعوا طرفدارش زیاده!
		معنی: حامی/طر فدار /و کیل مدافع
ineffectual /ˌɪnɪˈfektʃuəl ◀ /	Not effective	كد: از مشنقات كامه ی effect كه به اضافه شدن in منفی و با اضافه شدن al به صفت تبدیل شده!
		معنی:بیهوده/ بی نتیجه/ بی اثر
scrutinize /ˈskruːtɪnaɪz/	Examine closely	SCRUTINIZE and ANALYZE: 4
		معنى:موشكافي كردن
nefarious /nɪˈferiəs/	Villainous	كد:به قول اصفهانيا ادم شرير نفرتي إس!
		معنی:شریر /بدکار
amicable /ˈæmɪkəbəl/	Friendly	کد: ami پیشوندی با معنی مهربانی میباشد
		معنى:دوست داشتنى/دوستانه
vexatious /vekˈseɪʃəs/	Annoying	کد:ویکس شیث رضایی گم شده خیلی نگران و مضطربه!
		معنى:اشفقه/مضطرب
malady /ˈmælədi/	Disease	کد:بیشتر مریضی ها از مالزی وارد ایران میشه!
		معنی:مریض <i>ی)بیماری</i>

	دهم	هفته
inclement /ın'klemənt/	Stormy, harsh	کد:این کلمنته (بازیکن) خیلی بی اعتدال و شدید فوتبال بازی میکنه!
		معنی:بی اعتدال/شدید
peruse /pəˈruːz/	Read carefully	یبی که اپدیت و بروزند همیشه در حال مطالعه کردن هستند! کد:ادمهایی که اپدیت و بروزند همیشه در
		معنی:مطالعه کر دن/بدقت خواندن
premonition /ˌpreməˈnɪʃən,/	forewarning	کد:پری+مانی+شن! پری مانی رو از بازی کردن روی شن منع کرد و بهش اخطار داد!
		معنى:اخطار /برحذر داشتن
desist /dɪˈsɪst/	Cease	کد:بوزیست! دوزیستان از زندگی دوم خود دست کشیدند!
		معنی:دست کشیدن/خودداری کردن
recoil /rɪˈkɔɪl/	Draw back	کد: راه کل! راه کلی و اصلی بسته شده باید یا اکنش نشون بدیم یا برگردیم!
pertinent	appropriate	معنی:و اکنش داشتن بر/پس زدن/عقب نشستن کد: relate it to pertaining which means relevant to!
/ˈpɜːrtɪnənt/	арргорпасс	g
		معنی:مربوط کد:مست+if اگه یه مست به یه سگ نگهبان بر سه دیگه غو غاست!
mastiff /'mæstif/	Large dog	کد:مست+۱۱ اکه یه مست به یه سک بخهبان بر سه دیکه عو عاست!
		معنی:سک بزرگی که گوشها و لبهاش اویخته است/سگ نگهبان
obsess /ab'aca/	Preoccupy	کد:اب+سُس! اب سُس رو بپاش ر دوستت اذیتش کن!
/əbˈses/		کد۲: مخصوص ترکها: اب+سز یا سو+سز! کسی رو بخوای از ار بدی باید سوسز نگه اش داری!!
doleful /ˈdoʊlfəl -/	Sad	معنی:ازار کردن کد:کسی رو در نظر بگیرید که دلش پره و ناراحته همیشه = !! del + full
wan	Pale	معنی:محزون/غمگین کد:وان حمومتون عمقش زیاده چون کم خونی دارید و از ارتفاع میترسید نمیرید
/wɑːn/	i dic	سمتش! سمتش!
		معنی:رنگ پریده/کم خون

histrionics /ˌhɪstriˈɒnɪks/	Display of emotions	کد:این کلمه رو هم به story (داستان) ربط میدیمبیشتر داستانها نمایشی هستند دیگه؟!×؟!
elusive /ıˈluːsɪv/	Hard to grasp	معنی:نمایشی/ illusive things are always difficult to understand کد:
frustrate	Foil	معنی:گمراه کننده/غیر واقعی او همی کدفراز تورت (تور تو) با شکست مواجه و خنثی شد و نا امیدمون کرد!
/ˈfrʌstreɪt/		
		معنی: خنثی کردن/باطل کردن/نا امید کردن
symptomatic /ˌsɪmptəˈmætɪk ◀/	Indicative	کد:same+matic همون ماتیک بود که علائم بیماری اورد واسش!
		معنی:مطابق نشانه بیماری/حاکی از علائم بیماری
interject /ˌıntərˈdʒekt/	Interrupt	کد: اینطور جیک نزن و تو کار مردم دخالت نکن!
		معنی:در میان اور دن/مداخله کر دن
inert /ɪˈnɜːrt/	without power to move	كد: این سیم ارت خنثی است!
		معنی:خنثی ابی روح ابی جان
salient /ˈseɪliənt/	Outstanding	کد: او نایی که سایلنت اند همش در حال جست و خیزند!
		معنی:در حال جست و خیز /چشمگیر /بیرون زده
imminent /ˈɪmɪnənt/	About to happen	کد: ایمانت رو قوی کن ظهور قریب الوقوع و حتمیه!
		معنى:قريب الوقوع /حتمى
squeamish /ˈskwiːmɪʃ/	Easily shocked	کد: اسکیمویی ها نسبت به غذا بی میل و سخت گیر هستند!!
		معنی:بی میل/سخت گیر/نازک نارنجی
engrossed	Absorbed	معلی بی مین استخت میر اورت در نجی کند: انگور روس (روسیه) کاملا انحصاری شده و به اشغال در اومده!
/ınˈgroʊs/		کد۲:کدوم گروه انحصاری شده به من نشون بده؟؟ ایناهاش این گروه ست!!
		معنى:انحصار شده/كاملا اشغال شده

	بازدهم	هفته ی
poignant /ˈpɔɪnjənt/	Painful to the feelings, moving	کد:poison is poignant زهر، تلخ و زننده است!!
inundate	To flood, to swamp	معنی:تند/تلخ/زننده کد:end اون date اون روزی که خیس اب شدیم رو فراموش کن دیگه تکرار
/'inəndeit/	To flood, to swamp	نکن! نکن!
		معنی: از اب پوشانیدن/زیر سیل پوشاندن/اشباع کردن
fruitless /'fru:tləs/	Useless	کد: این دیگه فکر کنم به کدگذاری نیاز نداشته باشه همه معنی fruit رو میدونن فقط less منفی کننده است در اینجا!
		معنی:بی معنی/بی ثمر
garbled /'gaːrbəld/	Confused, mixed up	كد:به garbage (اشغال/زباله) ربطش ميديم! توى خونه زباله (garbled)زياد باشه ادم اشفته(garbage) ميشه!
		كد ٢: گار فيلد هميشه اشفته بود!!
sanguine /ˈsæŋgwɪn/	bloody	معنی:نگر ان/اشفته کد:وقتی یه چیز سنگین بیفته روت، سرت خونی میشه !
,,	gory hemal	
phlegmatic /flegˈmætɪk/	Calm ,sluggish	معنی:خونی/سرخ/ به رنگ خون/خوش مشرب کد: phlegmatic -> plleg (flag) when we hoist a FLAG we کد: have the AUTOMATIC reaction be calm and unexcited.
		معنى:ارام/ خونسرد/بلغمى مزاج
corroborate	Confirm	کد:کاربرات! ماشینم کاربراتش خراب شد بردم تقویتش کنه و بعد از این که اثبات کرد که تقویت شده من تایید کردم!
		معنى:تقويت كردن/اثبات كردن/تاييد كردن
comprehensive	Thorough	
/ˌkɒmprɪˈhensıv ◀/		معنى:جامع/فر اگير نده/و سيع
zealous	Enthusiastic	کد:دوستم از ادمهای خرافاتی و با غیرت ذله ست! (ذله =عاصی=شاکی!)
/ˈzeləs/		
	To force	معنی: خرافاتی/غیور/باغیرت کد: کو ارث؟؟؟ دوستت یقه ی داداششو میگیره و مجبورش میکنه میگه کو ارث
coerce	To force	بابا؟؟
/ˈkoʊɜːrs/		معنی:ناگزیر کردن/بزور وادار کردن

olanco	To Pass by	کد:ایل پس؟؟؟ دورانش سیری شد و گذشت!
elapse /ıˈlæps/	TO Pass by	ـــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
/ Γιατρογ		
		معنی: گذشتن/سپری شدن
meticulous	Careful	معنی. مستر استری سدن کد:مهدی کله است یعنی خیلی مخه و دقیق بین!!
/mɪˈtɪkjələs/	Carciai	
ן וווו נוגןפופטן		
		معنی:باریک بین/خیلی دقیق
domicile	Home	کد:دو مثقال به جایی که زندگی میکنی اهمیت بده!!
/ˈdɒmɪsaɪl/		
, asimodily		
		معند: محل اقامت/مقد /مقاه
lax	Careless	معنی:محل اقامت/مقر/مقام کد:وقتی ریلکسی شل و ولی دیگه!
/læks/		
, icelis,		
		معنی:شل و ول/سست
sporadic	Occasional	کد: p+s را+نیک! S و p رو هرجا دیدی نیک بزن چون تعدادش کمه وقت
/spəˈrædɪk/	Geedsiena	گير نيست!
/ Spe rædiky		
		معنی:تک و توک /متناوب
rash	Reckless	معنی تک و توک استوب کد:برای اینکه راهش کمتر بشه خیلی عجله میکنه!
/ræʃ/	Reckless	کد۲: مردم برای رفتن به رشت خیلی عجولند مخصوصا فصل بهار و تابستان!!
/ 1 & j/		
		معنى:عجول/تند/بي احتياط
conjecture	Guess	conclusion drawn on base of junk!:ك
/kənˈdʒektʃər/		نتیجه گیری بر اساس چیزهای غیر منطقی فقط حدسه!
, 3 , ,		
		معنی:حدس /گمان
obviate	Do away with	کد:اب+we+ate ما ابو واسه رفع نیاز تشنگی میخوریم دیگه!
/ˈɒbvieɪt/	·	
		معنی:رفع نیاز کردن/رفع کردنی
lurid	Sensational	کد: اهل لارید (اهل لار هستید؟) ؟ پس چرا انقد ترسناک و رنگ پریده شدید؟! ×؟
/ˈlʊrəd/		
		معنی:ترسناک / رنگ پریده کد:وقتی یه اکیپ جمع میشن به هم کوئیپ میزنن و جک میگن!
quip	To joke	کد:وقنی یه احیب جمع میس به هم حونیپ میرس و جب میس!
/kwip/		
		طعنه زدن/کنایه زدن/مزاح کردن و شوخی کردن
		طعله رین/مراح درین و سوحی درین

	رازدهم	هفته دو
Diatribe /ˈdaɪətraɪb/	Bitter criticism	کد: dia پیشوند به معنی ۲ میباشد و tribe به معنی قبیله و خانواده میشه در نظر بگیرین ۲قبیله ای که همش باهم جنگ دارن و به هم زخم زبان میزنن!
inhibition	Restraint	معنی:زخم زبان/سخن تلخ کد:این هبیتشون (habit=عادت) رو باید کنار بزارند یا باز میدارنشون!
/ˌınhɪˈbɪʃən/	Restraint	
_		معنی:بازداری/جلوگیری از بروز احساسات
fortuitous /fɔːˈtjuːɪtəs/	accidental	کد: .Fortune is accedential خوشبختی و شانس اتفاقی و تصادفیه!
	Disjointed	معنی:اتفاقی/تصادفی کد:این کوه رند ربطی به کوه سند نداره!!
incoherent /ˌınkəʊˈhɪərənt ◀/	Disjointed	
ilk	Kind , sort	معنی:بی ربط/غیر متجانس کد:ایل به همون خانواده و قشر و نوع گفته میشه دیگه!
/ılk/	, , , , ,	که ۲:خوردن میلک برای همه ایلک ها ضروریه!
		معنى خانو اده/نو ع/جور /گونه
prestigious /preˈstɪdʒəs/	Well-known	مسی شور می به اور سود کد:الغت خیلی پرکاربرد مثلا میگن طرف خیلی پرستیژش بالاست
. 1 1	Doctor	معنی:با اعتبار /شهرت کد:کار پلاکارد واسه همه مشخصه دیگه کد نمیخواد.
placard /ˈplækɑːd/	Poster	د.در پردارد واسه همه مسخطه دیره دد سیدواد.
intogral	Essential	معنی:اعلان/شعار حمل کردن کد:انتگرال یکی از مباحث اساسی ریاضیاته!
integral / 'ıntıgrəl/	Essential	
remuneration	Reward	معنی:اساسی کد:re+money+payment معنیش دیگه کاملا مشخصه!
/rɪˌmjuːnəˈreɪʃən/	newara	
	In name only, slight	معنی:پر داخت/اجر /پاداش کد:نامی
nominal /ˈnɒmɪnəl/	iii name omy, siight	
OVDUDGO	Erase	معنی: اسمی/نامی/جزئی کد:اکس+پانچ(برگه سوراخ کن) قرص اکس مانند پانچ نابودت میکنه
expunge /ıkˈspʌndʒ/	Erasc	J. & 4 & 6 & 6 & 6 J.
		معنى:تراشيدن/نابود كردن
flamboyant /flæmˈbɔɪənt/	Colorful	flame :2
		معنی:شعله دا <i>ر از</i> رق و برق دا

را به الله الله الله الله الله الله الله	
schism / skızəm,/ utopia / place of perfection p	
schism / skızəm,/ utopia / ju: ˈtəʊpiə timorous / 'tımərəs/ / 'tımərəs/	معني: هر
utopia /juːˈtəʊpiə Place of perfection (خیلی خوشحالی) اضله هستی یو توپیاااااااا (خیلی خوشحالی) نه ی فاضله//کشور یا دولت ایده ال timorous / timərəs/ / timərəs/ ها از تیمارستان میترسند!	
utopia /juːˈtəʊpiə Place of perfection (خیلی خوشحالی) اضله هستی یو توپیاااااااا (خیلی خوشحالی) نه ی فاضله//کشور یا دولت ایده ال timorous / timərəs/ / timərəs/ ها از تیمارستان میترسند!	معنی: د
timorous	کد:یو+ت
timorous	معنى:مد
يو /بزدل	
	کد۲:خیا
truncated	
دن/کوتاه کردن	in a
jaunty Sprightly (کاربازیکن فوتبال) خیلی گستاخ و جلفه!! /ˈdʒɑːnti/	
دنما/جلف/گستاخ	معنی: ذ
fractious (عصبانی)!! (فریدون) anxious+(فریدون) /ˈfrækʃəs/	کد: فر:
فلاق /نن / ، در نح	معني ند
فلاق/ننر/زودرنج الشون!! اونایی که استینشون بالاست همیشه میخوان خودنمایی کنند Showy	کد:استین
/ˌɒstənˈteɪʃəs ◀/	دیگه!
ينما/خودستا/خودفروش	معنی:خر

	ىيزدهم	4 4 100
importune /ˌɪmpərˈtuːn/	Ask urgently	لا:این+پرچونه! این خیلی پرچونست به همه چی اصرار داره!
		عنی:مصرانه خواستن/اصرار کردن/سماجت کردن
incontrovertible /ınˌkɑːntrəˈvɜːr-/	Undeniable	لد: country were true+این! در این حرف بحثی نیست که کشورمون رست و سالم بوده !
		عنی:بی چون و چرا/غیر قابل بحث
surreptitious /ˌsʌrəpˈtɪʃəs/	accomplished by secret	Surreptitious sounds like suspiciousyou suspect : someone if they are hiding secrets
		عنی:نهانی/پنهان/محرمانه
haven /ˈheɪvən/	Place of safety	ند:حیوان بی زبون روتو بندرگاه بسته بودن یک جای امن!
		ىعنى:بندرگاه/جاى امن كد:صاحب+ژاكت! صاحب ژاكت تسليم شد!
subjugate /ˈsʌbdʒʊgeɪt/	Conquer	د:صاحب+راها! صاحب راها نسلیم سد!
	F* I	معنی:مطیع کردن/تسلیم کردن کد:all+team تمام تیمها به مرحله نهایی راه یافتند!
ultimate /ˈʌltɪmət/	Final	ت. all+team نمام نیمها به مرحته نهیی راه پافنند!
		<i>معنی: نهایی/اخر</i>
eventuate /ıˈventʃuelt/	To result finally	معنى:نتيجه دادن/در امدن
emit /ıˈmɪt/	To give off	ه:!e+meet الی رو از میتینگ و جلسه بیرون کردن!
		<i>ع</i> نی:خار ج کردن/بیرون دادن
subterranean /ˌsʌbtəˈreɪniən ◀/	Underground	کد:صائب تُهرانیان! خودش رو پنهان کرده!
viable	Workable	معنی:پنهانی/نهانی کد:واااااااای ابولی (ابولفضل!) زنده میمونه!
/'vaiəbəl/	WOIRABIE	ــ.و ۱۳۳۳ ی بو ی (بوسست) ر ۱۳۰ میلود :
		<i>ىعنى:ز</i> نده ماندنى/ماندنى
permeate /ˈpɜːrmieɪt/	To spread through	کد:معنیه permit میشه اجازه،حشر ات موذی وقتی میخوان جایی نفوذ کنن میان ازت اجازه میگیرن؟!×؟!×؟
		عني: نفوذ كردن/سرايت كردن
propitious /prəˈpɪʃəs/	Favorable	ند:به تمسخر به دوستت میگی پُرِ پشه اس! هوا خیلی خوبه و مساعد!
		عنى:مساعد / مناسب

premise /'premis/	A proposition for argument	كد :فرض كن اولش هم رفتى بهش قول(promise) دادى بعد چى؟
		معنى:فرض/مقدمه
jeopardize /ˈdʒerpədaɪz/	Endanger	کد تلفظ این کلمه مثل (جیب پرداز) است جیب پرداز مانند خود پرداز بانک ملی قرار است از خودپرداز های انسانی استفاده کند یعنی بجای دستگاههای خود پرداز افرادی را استخدام می کند تا جلو بانک بایستند و از جیب خود به مشتریان بانک پول پرداخت کنند. پس وظیفه این کارمندان به خطر انداختن خود است حالا شما تصور کنید در چنین پستی استخدام شده اید. هر لحظه باید خود را به خطر بیاندازید زیرا هیچ وسیله دفاعی یا امنیتی ندارید و هر آن ممکن است کسی (جیب پرداز) شما را برند!
incredulous /ınˈkredʒələs,/	Skeptical	کد:ریشه ی cred به معنای باور میباشد که در کلمات زیادی استفاده شده است.
permeate /'pɜːrmieɪt/	To spread through	معنی:دیرباور کد:معنیه permit میشه اجازه،حشرات موذی وقتی میخوان جایی نفوذ کنن میان ازت اجازه میگیرن؟!×؟!×؟
		معنى: نفوذ كردن/سرايت كردن
propitious /prəˈpɪʃəs/	Favorable	كد:به تمسخر به دوستت ميگى پُرِ پشه اس! هوا خيلى خوبه و مساعد!
		معنی:مساعد / مناسب
surmise	Guess	کد:sir+mice اقا موشه به راحتی میتونه حدس بزنه پنیر کجاست!!!!
/sərˈmaɪz/		كد:سر +ميز برو سر ميز حدس بزن چند نفرند غذا ببريم!
		معنى:حدس /گمان/تخمين
curtail /kɜːrˈteɪl/	Cut short	کد:tail cut+tail میشه دم! دم یه حیوانی رو ببری کوتاهش کردی دیگه!!
		معنی:کوتاه کر دن/مختصر کر دن
repress /rɪˈpres/	To put down	كد:كَافيه جدا جدا بخونيمش re+press ميشه دوباره فشر دن/دوباره كوفتن
		معنی:دوباره فشار دادن/دوباره کوفتن/فرونشاندن
cryptic /ˈkrɪptɪk/	Puzzling	cryptic=keep it secret!:ک
		معنی:سر <i>ی ا</i> نهان/مرموز
inchoate /ınˈkəʊɪt /	In an early stage	کد:این کویت تازه به وجود اومده و شروع به رشد کرده!!
		معنی:شروع کردن/تازه بوجود امده

هفته چهاردهم		
aspire /əˈspaɪr/	To strive for	لا:میتونیم هم وزنش vampire رو کد کنیم که همیشه اشتیاق و هوای خون و داره!!
		عنى:اشتياق داشتن/ارزو داشتن
inveigh /ɪnˈveɪ/	Attack ,verbally	د:میتونیم این لغت رو چون تلفظش به envy نزدیکه ربط بدیم و بگیم که عسود همش با حرفاش ادمو ناراحت میکنه و به طرز بدی حرف میزنه!
		عنى سخت گفتن/با سخن حمله كردن
nettle /'netl/	Irritate	ند:نت ایران ادم رو نتل میکنه!
overt	Evident, open	عنی:خون ادم رو به جوش اور دن د:این کلمه رو با مخالفش به اسونی یاد بگیرین اشکارو نهان (-overt
/oʊˈvɜːrt/	Lvident, open	رین ۱۳۰۰ رو با ۱۳۰۰ رو با ۱۳۰۰ رو بهای (cover رو بهای (cover رو بهای رو با ۱۳۰۰ رو بهای رو با ۱۳۰۰ رو با ۱۳۰۰ (
		عنى:اشكار
relegate /ˈrelɪgeɪt/	Banish ,assign to inferior position	عنی:ارجاع دادن/موکول کردن
supine /suːˈpaɪn/	lying on the back	تد:so پایین داریم و !so high! که so پایین خیلی بی حال و سسته!
		عنی:بی حال/ست
mammoth /ˈmæməθ/	Huge	عنى:ماموت/فيل ماقبل تاريخ
repulse /rɪˈpʌls/	Drive back	نه:re+پارس! رفتی بیرون یه سگه هی پارس میکنه تو دفع میکنی حملشو! یی پارس (repulse) میکنی!
•		
havoc	Ruin	عنی:دفع کر دن/ر اندن لا:هوای کثیف ویر انی و خرابی به بار میاره!
/'hævək/		
		عنی:خرابی/ویران کردن
raze /reɪz/	Destroy	لا:همون ریز کردن یا بریدن!
		عنی:بریدن/ویران کردن/تراشیدن
lethal /ˈliːθəl/	Deadly	lethal=death+all:4
		عنی و ابسته به مرگ/کشنده/مهلک
scurry /ˈskɜːri/	Run quickly	لا:sounds like SCARY خوب وقتی بترسی بسر عت حرکت میکنی و براسیمه ای دیگه!

incisive	Acute, keen	معنی:سراسیمه/حرکت تند و سریع
	Acute, keen	
/ɪnˈsaɪsɪv/		معنى:برنده/تيز/قاطع
		Ç 131 31C
		December 11 of the land of the
precipitate	Hasten	Pre + anticipate. That means you don't : \(\(\sigma\)
/pri'sipəteit/		think/anticipate before you do something. You do it in .RASH or HASTE
		.KASH UI HASTE
		معنى:بسيار عجول/ناگهانى/شتاباندن
stereotype	Conventional custom	کد:تیپ استریوشو میزنه که کلیشه کنه و به تصویر بکشه!
/ˈsteriətaɪp/		
,		
stentorian	1	معنی:کلیشه/کلیشه کر دن کد:استنتو ری=علی سنتو ری که همش با صدای بلند میخوند!
	Loud	کد. استنوری حسی ستوری که ممس با صدای بنند میخوند!
/stenˈtɔːriən/		
		معنی:صدای بلند و رسا
singular	Uncommon,	
/ˈsɪŋgjʊlər/	remarkable	
		معنى:مفر د/فر د/تک
valor	Courage	فرض کنید شما به لغت در valorous به معنی شجاع بر میخورید. در این
/ˈvælər/	Courage	حال میتوانید در ذهن خود چنین مجسم کنید که در کنار دریا ایستادهاید و
/ vælei/		مشغول تماشای والها هستید والها یکی یکی به سطح آب میآیند ولی به محص
		اینکه شما را میبینند میترسند و فرار میکنند، تا اینکه یک وال روس (یک
		وال از کشور روسیه) به سطح آبِ میآید و بجای اینکه از شما فرار کند، به
		سمت شما ميآيد. شما با خود ميگوييد: وال روس، شجاع است
		معنی:دلیری/شجاعت
bias	Prejudice	کد:بی اعص(اب)! بی اعصاب
/ˈbaɪəs/		
		معنى:تعصب/تبعيض كردن
sinecure	Soft job	کد:سنا+کور! حذب سنا کور بشه اگه بخواد مفت خوری کنه و جیره خور
/ˈsaɪnɪkjʊər/		باشه!
•		1. 129 6 6 9 80 0 80 10 11 6 2 2 2 2
		کد:sign: کور! اونایی که پشت میز نشستن و کور کورانه امضا (sign)میکنن خیلی مفت خورن!!
		(Sign)میکس حینی معت حورن!!
		معنی:مفت خوری/ولگردی/جیره خور
	ı	, 33 3/112 3 3/233 16

	انزدهم	ي هفته
complicity /kəmˈplɪsɪti/	Partnership in wrongdoing	complicity ac-complice complice root word, meaning a partner in crime
		come & play in the city i.e. Participate!! :۲یک
		معنی:همدستی در جرم/ شریک در جرم
liquidation /lıkwı'deıʃən/	Destruction	معنى:تصفيه/از بين رفتن/ واريز حساب
accomplice /əˈkʌmplɪs/	An Associate in crime	کد: accompany in lies کسی که در دروغ همکاری کنه مجرمه!
		معنی همدست/شریک جرم
recant /rɪˈkænt/	renounce previous statements	کدا:(RE (again) + CANT (cannot بهت گفتم نمیتونم ولی حرفمو پس میگیرم!
		کد۲:خارجیها خیلی رک اند حرفشون رو سریع پس میگیرن!
		معنی:حرف خود را رسما پس گرفتن
culpable /ˈkʌlpəbəl/	Deserving blame	د: culpable =culprit
	Provide la	معنی:مقصر /مجرم کد:اب+روی +گست (guest) قبلا وقتی مهمون میرفت پشت سرش اب
abrogate /ˈæbrəgeɪt/	Repeal by law	ک. اب+روی +کست (guest) فید وقتی مهمون میرفت پست سرس آب میپاشیدن ولی الان این روش منسوخ شده کلا!!
		معنى:باطل كردن/منسوخ كردن
alleged /əˈledʒd/	Supposed, reported	کد: all+لج! تمام گفته های مردم لج بازیه!
		معنی:به قول معروف/به گفته ی بعضیها
access /ˈækses/	A admittance	معنی:قابل دسترسی/در دسترس بودن
invalidate /ınˈvælıdeɪt/	to deprive of legal force, cancel	کد:valid ادم معتبری نیست(یاداوری از ۵۰۴) پس valid=معتبر و نامعتبر=invalid و ate درینجا فعل سازه
		معنی:نامعتبر کر دن/باطل کر دن/علیل کر دن
preclude /prɪˈkluːd/	Prevent	کد:اسمون پر از کلوده (cloud=ابر) و مانع بارون اومدن شده!!!!
		معنی:مانع شدن/پیش گیری کر دن

بعنی پشت کار داشت و استقامت به خرج دائن العاملية المعلى پشت کار داشت استقامت به خرج دائن العاملية العاملية المعلى المعلى العاملية المعلى المعلى العاملية المعلى العاملية العاملية المعلى العاملية العام			
المعالمة ا	persevere /pɜːrsəˈvɪr/	Persist	کد:پارسی وار! همه ی پارس ها پشت کار و استقامت دارند پس پارسی وار یعنی پشت کار داشتن و استقامت داشتن.
المعنى بشان اختصاصي او اهنما (اهنما			معنی:پشت کار داشتن/استقامت به خرج دادن
extrinsic روابر المت روابر المت المتعالثين ياد بگيريم: extrinsic#intrinsic دروني (وابر المت المتعالثين ياد بگيريم: extrinsic#intrinsic دروني (وابر وابر وابر وابر وابر وابر وابر وابر	landmark /ˈlændmɑːrk/	trait	کد:مارک که همه میدونیم میشه نشان پس حدس زدن معنی اسون میشه
extrinsic روابر المت روابر المت المتعالثين ياد بگيريم: extrinsic#intrinsic دروني (وابر المت المتعالثين ياد بگيريم: extrinsic#intrinsic دروني (وابر وابر وابر وابر وابر وابر وابر وابر			معنى:نشان اختصاصي/ر اهنما
کد:این کلمه هم تلفظ بشه معنی رو خودش تحویل میده! Speak loudly امعنی: کلمه هم تلفظ بشه معنی رو خودش تحویل میده! معنی:کلمه کردن/رجز خوانی کردن fetter to hamper, to chain !!!!» کردن/سانه اینکه fit+her finger:کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنیا fit+her finger: کدنی کدنیا fit+her finger: کدنی کدنیا fit+her finger: کدنی کدنیا fit+her finger: Stock fit	extrinsic /ekˈstrɪnsɪk/		کد: این لغت رو هم باید با متضادش یاد بگیریم: extrinsic#intrinsic درونی
ران الالعالم المعنى ال			
### to hamper, to chain الكتنشو ببند (ثابت كن) نزار بر الله الله الله الله الله الله الله الل	declaim /dɪˈkleɪm/	Speak loudly	كد:این كلمه هم تلفظ بشه معنی رو خودش تحویل میده!
### to hamper, to chain الكتنشو ببند (ثابت كن) نزار بر الله الله الله الله الله الله الله الل			معنی:دکلمه کر دن/ر حز خوانی کر دن
العقولة المعلق المع	fetter /'fetər/	to hamper, to chain	
ر اینها به صورت نمادیک حرکت کردند و چادر نشین شدند! nomadic /nəʊˈmædɪk/ Asperity /æˈsperɪti,/ Bitterness of temper کد:آز و طمع در PRETTY بودن با از و طمع و خشونت! معنی:خشونت در صدا/ترشی در مزه Epithet / epiθet/ Controversial / kontrəˈvɜːrʃəl/			
المعن الماه المعني الماه المعنى الماه الم	paragon /ˈpærəgɑːn/	model of excellence	كد:پار ا+گونه يا نمونه!
المعن الماه المعني الماه المعنى الماه الم			معنی:نمونه ی کامل/معیار
Asperity Bitterness of temper الاز و طمع در PRETTY (ربیا) بودن با از و طمع و خشونت! Asperity الاز و طمع در PRETTY (ربیا) بودن با از و طمع و خشونت! Asperity المعنى:خشونت در صدا/ترشى در مزه Epithet Descriptive name / epiθet/	nomadic /nəʊˈmædɪk/	Wandering	
Asperity Bitterness of temper الاز و طمع در PRETTY (ربیا) بودن با از و طمع و خشونت! Asperity الاز و طمع در PRETTY (ربیا) بودن با از و طمع و خشونت! Asperity المعنى:خشونت در صدا/ترشى در مزه Epithet Descriptive name / epiθet/			معنی:متحرک/چادر نشین
راقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى:	Asperity /æˈsperɪti,/	Bitterness of temper	
راقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى: صفت/اقب المعنى:			Single Annual Control of the Control
Controversial Debatable /ˌkɒntrəˈvɜːrʃəl/	Epithet /'epiθet/	Descriptive name	معلى خسونت در صدا برسی در مره کد اِی بی+صفت!
/ˌkɒntrəˈvɜːrʃəl/			معنى:صفت/لقب
معنی مباحثه ای احدالی	Controversial /ˌkɒntrəˈvɜːrʃəl/	Debatable	کد:جرو بحث سر اینه که کنتور ابتون رو چال کنن!!
<u> </u>			معنی:مباحثه ای اجدلی

	<i>ﻪ</i> شانزدهم	198
Indigenous	native	ت:india+ genius هنديا ذاتا نابغه اند!
/		
/ınˈdɪdʒənəs/		عنی:طبیع <i>ی بو</i> م <i>ی </i> ذاتی
Gregarious	enjoying the company	رای بین کی در این کاروه جو برسیم!! انداز تلفظ لغت میتونیم به گروه جو برسیم!!
	of others	
/grıˈgeəriəs/		
Habitat	Natural environment	عنی:گروه دوست/جمعیت دوست د:یه ابادانی بهت میگه! ها (ولیک) بیت ات(بیت=خونه عربی)
/ˈhæbɪtæt/		جاست؟!×؟!×؟ ها+بيت ات!
Cursory	not thorough, hasty	عنی:محل سکونت/مسکن طبیعی د;خیلی شبیه سر سر ی یه!
/ˈkɜːrsəri/	not thorough, hasty	
,,		
		41 11 125
Interloper	an unauthorized	عنی بی دفت/سر سری/از روی سر عت و عجله د:INTER (between) + LOAFER (idiot)
/ˈɪntərloʊpər/	person	(11)
		<i>عنى:فضول/مزاحم</i>
Prolific	Fertile	د:پُرفلک! فلک و اسمان پر و سرشار از حاصلخیزی و باروریست!
/prəˈlɪfɪk/		
	Dark alia	عنی:حاصلخیز /بارور/نیرومند د:همون بلواری که از همانند خاکریزه و مانع ست
Bulwark /ˈbʊlwərk/	Protection	د.همون بنواری که از همانند کاگریزه و مانع ست
, bolwelky		
Sedentary	largely inactive	عنی:خاکریز/دیواره ی سد/موج شکن د: dentist وقتی میری دندان پزشکی خیلی باید بشینی!
/ˈsedənteri/	largery mactive	د. domiot رسی دیری دـــان پردــ ی ــیی بـیـ بدیی.
, ,		
		ما منظم تا کا خدر داد.
Frugal	Thrifty	عنی:نشسته/غیر متحرک/غیر مهاجر د:فرو+گل ادمی که صرفه جو باشه توی گل فرو نمیره (منظور
/ˈfruːgəl/	·	رفتار نمیشه)!!
		منی:صرفه جو /باصرفه/میانه رو
Antithesis	Exact opposite	د:انّتی همونطوری که میدونید و خیلی جاها کاربردش رو دیدین (مثلا
/ænˈtɪθɪsəs/		تی ویروس)به معنای ضد و خلافه
		· Shire I · Shi · . · . ·
altruistic	Unselfish	عنی:ضد و نقیض/تناقض ::all +true کسی که همه چیزش درسته و خودخواه نیست و به فکر
/ˌæltruˈıstık √ /		ر دمه بهش میگن نوع دوست!

embellish /ımˈbelɪʃ/	Adorn	add bell to Christmas trees and adorn it!: 立
		معنی:ار ایش کر دن/زینت دادن
cache /kæʃ/	secret hiding place	کد:جای پول(cash) توی مخزن یا نهانگاه (cache)است
		معنی:نهانگاه/ذخیره گاه مخزن
coterie /ˈkoʊtəri /	small exclusive group	ی. بی گروه خاص ادبی میشینن پای صحبت باید کتری و قوری هم واسه چای نوشیدن باشه!!
		معنی:گروه هم مسلک (ادبی و اجتماعی)
cupidity	Greed	سعی بروه م مست (بین در بیندهی)
/kjʊˈpɪdɪti/		معنی:حرص و از برای مال ومنال
virtuosity /vɜːtʃuˈɒsɪti/	great technical skill	کد:virtual+city شهری که مجازی باشه ذوق هنرپیشگی زیاد میشه توش!
		معنی:ذوق هنرپیشگی/استعداد هنر های زیبا
temerity /tɪˈmerəti/	foolish boldness	کد:تعمیراتی سر کوچه ی ما خیلی بی باک و جسوره!
		معنی:بی باکی/جسار ت/بی پر و ایی
amorous /ˈæmərəs/	Full of love	کد:amor به معنای مهربانه و از یه لحاظ دیگه هم بخوای بگی میتوی بگی عمو روس(روسیه) عاشق ایرانه!
		معنى: عاشق/شيفته
progeny /ˈprɒdʒɪni/	Descendants	provide gene !!!:ك
		معنى:فرزند/دودمان
saturate	fill up completely	J 7,37.g
/ˈsætʃəreıt/		معنی:سیر کردن/اشباع کردن

هفته هفدهم		
perpetrate /ˈpɜːrpɪtreɪt/	Commit	per+pet+r+ateperson eating pet animal is doing :≤ wrong
		معنی:مرتکب شدن/مقصر بودن کد:consume +(your)mate complete
consummate /kənˈsʌmɪt/	perfect, complete	
subterfuge /'sʌbtəfjuːdʒ/	a trick, deception	معنی:تمام و کمال/ به انجام رساندن کد:صفدر +فیروز! صفدر بهانه جو از معرفی دوستش فیروز طفره رفت!
		معنى:بهانه/طفره /طفره زنى
concoct /kənˈkɒkt/	Devise	کد بیه غذای جدید واسه ما کُن کوک (cock=پختن)
C 11 ·	i.a.a.dina falaa	معنی:درست کردن/جعل کردن/اختراع کردن کد:fall اولش رو میبینیم این کار رو میکنیم تا بتونیم معنی رو حدس بزنیم
fallacious /fəˈleɪʃəs/	misleading, false	خد. اها اوش رو میبینیم این خار رو میخنیم تا بنونیم معنی رو خدش برنیم fall=false
manifold	Many	معنی:غلط/سقسطه امیز کد:به راحتی میتوینم معنیشو با این کد به خاطر بسپاریم:
/ˈmænɪfoʊld/	a.ı,	many + folds (two fold, three fold)
		معنی:فراوان/چند تا /چند برابر
assiduous /əˈsɪdʒuəs/	busy, attentive	کد:توی کار و زحمت کشی همچون اسیدی است غیرتی!
		معنی:دارای پشت کار از حمت کش
impeccable /ımˈpekəbəl/	Faultless	كد:این پاکه بلال جان!!!
		معنی:بی عیب و نقص
fraught /frp:t/	Filled	كد: دُجِلُهُ وَ فَرَاتُ پِرَ ازْ آبِهِ !
resourceful	able to meet any	معنی:پر /مملو کد:وقتی یه نفر فول از منابع باشه معلومه که زیرک و کار دانه!
/rıˈzɔːsfəl,/	situation	Resource+full =someone who is full of resource
murky /ˈmɜːki/	dark, obscure	معنی:کاردان/زیرک کد:میتونیم اینجوری بگیم:!murky=darky
component	element, part	معنی:تیره کد:کامیوننت و اجزا
component	eieilieilt, part	کا کامپوست و اجرا

/kəmˈpəʊnənt/		
		معنى:مولفه /جزء/تركيب كننده
hoax	a trick	كد:كافيه اينجوري بگيم:
/hoʊks/		hoax=practical jokes !!
		·
		معنی:شوخی فریب امیز اگول ز دن/دست انداختن
labyrinth /ˈlæbərɪnθ/	winding passages	کد: labourer شغل کارگری خیلی سخت و پرپیچ و خمه!
		معنى:مار پیچ/پر پیچ وخم/لابیرنت
evaluate /ı'væljueıt/	find the value of, review	كد: ايو لا! خيلي خوب ار زيابي كرديش!
		معنی:ارزیابی کردن/سنجیدن
exult	rejoice greatly	معنی ارریبی در دن استجیس کد:کافیه این کلمه رو اینجوری بخونیم :exam+result خوب وقتی نتایج
/ıgˈzʌlt/	rejoice greatiy	امتحانات مياد همه خوشحال ميشن ديگه!
		معنی:شادی کردن/خوشی کردن
attest /əˈtest/	confirm as accurate, vouch for	کد:تُوی امتحانات دانشگاه همیشه باید یه برگه ای رو امضا کنیم و گواهی بدیم دیگه!! At+test
		معنی:تصدیق امضا کر دن/شهادت دادن/گواهی دادن
gullible /ˈgʌləbəl,/	easily fooled	كد:تَلْفَظ لَغْت خُودش كد رو به ما ميده ! گول خُور
		معنی:ساده لوح/گول خور
deploy /dıˈplɔɪ/	spread out in battle formation	کد:افرادی که دبیلم دارن تعدادشون گسترش یافته و زیا شده!!
		معنى:گسترش/گسترش يافتن
enigma /ıˈnɪgmə/	a riddle, puzzle	کد: اخر نفهمیدیم راز و چیستان این خواننده ی خارجی انیگما (enigma) چیه!
		معنى: چيستان/معما

هفته هجدهم		
abortive /əˈbɔːtɪv/	fruitless, failing	Relate it to abort. Things usually gets aborted : \(\times \) when it seems that it would be unsuccessful or fruitless
modify /ˈmɒdɪfaɪ/	to change	معنی:بی نتیجه <i>ابی</i> ثمر کد:میتونیم از هم معنیش qualify استفاده کنیم!
accommodate /əˈkɒmədeɪt/	to make fit, adjust to	معنی:اصلاح کردن/تغییر دادن کد:نو کمدت همه چی جا میشه و میتونی همه رو با هم تطبیق بدی!!
spontaneous /spɒnˈteɪniəs/	on the spur of the moment	معنی:جا دادن/تطبیق دادن کد:اسپانیا تنهاست! و بی اختیار! و همه کاراش خود به خود انجام میشه!
innate /ˌıˈneɪt ◀/	natural, inborn	معنی:خود به خود/بی اختیار کد:innate=inborn
veneer /vɪˈnɪr/	thin covering	معنی:ذاتی/درونی/فطری کد:پینیر هایی که میاد اول روکش میزنن بهشون بعد جلا میدنش!!
myriad /ˈmɪriəd/	countless number	معنی:روکش/جلا/روکش زدن به کد:اگه بخوایم میلیارد رو به سکه ۵۰ تومنی تبدیل کنیم هزاران سکه میشه!!
urbane	polished, civilized	معنی:بی شمار/ ده ها هزار کد:توی اربعین خیلی باید مودب باشی ومودبانه رفتار کنی!
/ɜːrˈbeɪn/		معنی:مودب/مودبانه
crave /kreɪv/	to desire	کد: ادمها ارزو دارن(brave) که brave (شجاع) باشن! معنی: ارزو داشتن/اشتیاق داشتن
irrelevant /ıˈrelɪvənt/	not related to the subject	معیی اروق داشتن/استیق داشتن کد:relation =relevant به معنای رابطه ارتباط میباشد که با پسوند ir منفی شده است.
deem	believe, to judge	معنی:نامر بوط/بی ربط
uceiii	believe, to judge	

/di:m/		معنى:فرض كردن/پنداشتن
inherent /ın'hıərənt,/	inborn, natural	معنى:ذاتى/اصلى/طبيعى
buff /bʌf/	a fan, follower, enthusiast	buff has 2 meanings. 1. BuffRemember buffaloSo animal skin coat is its meaning. 2. Buffalso is a follower
		معنی:براق کردن/چرم گاومیش/پرداخت کردن
romp /ra:mp/	move in a lively manner	کد:رامبی همش جیغ و داد میکرد!
		معنی:با جبغ و داد بازی کردن
latent /ˈleɪtənt/	lying hidden	کد:کافیه اینجوری بخونیمش: latent=talent خوب افراد باهوش و زرنگ همیشه استعداد نهان دارند دیگه!!!
		معنى:نهان/ينهان
tortuous /ˈtɔːtʃuəs/	indirect	معنی:نهان/پنهان کد:به طرف غیر مستقیم بگو ترشروست!
		معنى بيدايي عبرتين
itinerant	going from place to	معنی:پیچاپیچ اغیر مستقیم کد:ای تی T ا نرن چون باید دوره کد:ای تی نرن! به دوستات بگو رشته ی ای تی T ا نرن چون باید دوره
/aıˈtɪnərənt/	place	گردی کنند به طور سیار!
		معنی:سیار /دوره گر د
peregrination /ˌperɪgrəˈneɪʃən/	travel (n)	remove 1st 3 letter egrination sounds like :≤ migration, which means the same
		معنی:سرگردان بودن/سفر کردن
conjugal /ˈkɒndʒʊgəl/	relating to marriage, connubial	کد:رابطه ی زناشویی و ازدواج برای همه مانند کنج گل لطیف و زیباست!
		معنی:نکاحی/از دواجی
Barometer /bəˈrɑːmətər/	instrument for measuring change	کد:بارومتر
		معنی:بارومتر /فشار سنج

	ه نوزدهم	هفت
megalomania /ˌmegələʊˈmeɪniə/	abnormal desire for power	کد:mega میشه زیاد , mania هم میشه دیوانگی پس حدس زدن معنی اسون شد!
profligate /'prɒfligət/	Wasteful	معنی:مرض بزرگ پنداری داشتن/جنون انجام کار های بزرگ کد:اونایی که پروفایلشون رو به صورت GATE باز میزارن بی بندو بارند!
strife /straıf/	unrest, discord	معنی: هرزه ابی بند و بار اولخرج کد:میتونیم از strike واسه ارتباط دادن استفاده کنیم به این صورت که نوی strife (دعوا) همیشه ادم strike (ضربه) میخوره!!
legion /ˈliːdʒən/	large number	معنى:ستيز ه/نز اع/دعو ا
		معنی:لژیون/سپاه رومی/هنگ/گروه
coup /kuː/	revolution, overthrow	کد:توی کوپه ی قطار نشسته بودیمه که قطار تصادف کرد و همه چی رو به هم زد.
amnesty /ˈæmnəsti/	a general pardon	معنی:کودتا/بر هم زدن کد:وقتی توی جای امن هستی دلیلش این بوده که دیگران ازت راضی اند و از سر اشتباهاتت گذشت کردند!
expatriate /eks'pætrieɪt/	an exile	معنی:گذشت/بخشش کردن کد:EX-PATRIOT کافیه بدونیم که patriot میشه هم میهن و ex هم میشه قبلی!! هم میهنی را در نظر میگیریم که از کشور رانده شده و مهاجر به حساب میاد!
exonerate /ɪgˈzɒnəreɪt/	to free from guilt	معنی:تبعیدی/مهاجر/از کشور خود راندن کد: ex+honourate کسی که قبلا مایه ی افتخار بود به اشتباه به زندان فتاد ولی تبرئه شد.
fiat /ˈfaɪæt/	an official order, a decree	معنی:تبرئه شدن/روسفید کردن کد:هنوزم که هنوزه فیات ماشینیه که روی بقیه حکم داره و با امر اون بقیه ومدن روی کار!!
mendacious /menˈdeɪʃəs/	false, lying	معنی:حکم/امر/اجازه کد:دوستت بهت میگه شیث رضایی از فوتبال خدافظی کرده تو هم بهش میگی دروغگو ، مونده شیث!!
parsimonious _/pɑːsɪˈməʊniəs ◄/	Miserly	معنی:دروغگو/کانب کد:اوستا بنا داره کار میکنه بهش میگی کمتر خسیس بازی در بیار برسیمان بزن!!!!!

		معنى:خسيس/صرفه جو
pecuniary /pɪˈkjuːniəri	financial	کد:پس کوه نری چون از لحاظ مالی کم میاری! پ کوه نری=کم میاری از لحاظ مالی
		معنی بو لی/نقدی/مالی
dismantle /dısˈmæntl/	take apart, disassemble	معنی:پولی/نقدی/مالی کد:دوستت که رانندس بهت میگه This man tell این مسافرمیگه پیاده میشم!
		معنی:پیاده کر دن/بی مصرف کر دن
sumptuous /ˈsʌmpt∫uəs/	Lavish	كد: سام چو اسى (سام همچون/همانند اسماعيل) عروسيشو پرخرج ومجلل گرفت!
		معنی:پر خرج/گران/مجلل
underwrite /ˌʌndəˈraɪt/	agree to finance	کد:کاملا مشخصه معنیش under+write
		معنى: امضا كر دن/نوشتن/تعهد كر دن
restrictive /rɪˈstrɪktɪv/	harsh, confining	کد: restrict رو میدونیم میشه محدود کردن که با ive پسوند ، به صفت تبدیل میشه
		معنی:داروی پیش گیر /محدود سازنده
balk /bɔːlk/	to refuse to move	کد:باک بنزین رو در نظر بگیرید که همیشه امتناع میکنیم از پر کردنش و میگیم بعدا!!!
		معنی:امتناع کر دن/مانع شدن/ر د کر دن
blunt /blʌnt/	plain spoken	کد: اون دوستانی که بلوند تشریف دارند همیشه رُک و رو راست بودن با ادم!
		معنی:بی پرده/ رُک / کند/بی نوک/کند کردن
nostalgia /npˈstældʒə/	yearning for the past	كد:نوستالژُی هم که در فارسی زیاد استفاده میشه
		معنی:دلتنگی بر ای میهن/احساس غربت/حسرت گذشته
rife /raıf/	Widespread	کد:life (زندگی) پر (rife) از خوبیهاست !
		4.17.1.
		معنى:پر /مملو /ر ايج

هفته بیستم		
Reviled /rɪˈvaɪl/	scolded	کد:یه سریها هم هستند وقتی کارشون به روال عا <i>دی</i> پیش نمیره به همه فحش میدن!!
derogatory	expressing a low	معنی: فحش دادن/ناسزا گفتن کد:دراگی (کسی که دارو و دراگ مصرف میکنه)طوریه که همه میدونن
derogatory /dɪˈrɑːgətɔːri/	opinion	مضره!
		معنی:مضر/خفت اور/زیان اور
indict /in'dait/	accuse	كد: اين ديكتاتور بايد تعقيب بشه!!
nebulous	vague, not clear	معنی:متهم کردن/تعقیب قانونی کردن کد:ببی+یو +لوس! نبی تو وقتی خودتو لوس میکنی حتی ابرها هم تیره و
/ˈnebjʊləs/	vague, not cical	تار میشن!!
		معنى:به شكل ابر/تار
pesky /ˈpeski/	annoying	كد:توى اسكى رفيقتو پسكى (اذيت) نكن خطرناكه
, p. 55,		کد۲: تو مزاحم شده بودی پس کی(pesky) بود؟!×؟۱
redolent /ˈredəl-ənt/	fragrant	عنی:اذیت/ازار رسان/مزاحم کد:کافیه کلمه ی odor رو استفاده کنیم در اینجا که معنیش میشه رایحه و عطر re+odor+lent
repose	state of rest	معنی:معطر /بودار /حاکی کد: با این یک لغت سه کلمه به راحتی یاد میگیریم!
/rıˈpoʊz/		repose = resting pose expose = externally pose depose = remove from a post, declare under oath
		معنی:ار امش/سکون/اسودگی/در از کشیدن کد:یه جانور عجیب که حرف میزنه میاد بهت میگه I'm not
omnivorous /pm'nivərəs/	eating any kind of food	قدیه جانور عجیب که خرف میرنه میاد بهت مینه مینه Omnivorous=various یعنی من با بقیه جانوران فرق ندارم و همه چی میخورم!!
		معنی: همه چیز خور /وابسته به جانوران همه چیز خور
disparate /ˈdɪspərət/	different	 ۱۱: this parrot is different than the rest! به دوستت میگی این طوطی خیلی با بقیه فرق داره! مثلا این حرف میزنه و اشپزی میکنه!! (غیر منطقی فرض کنین که تو ذهنتون بمونه)
		معنی:ناجور /نامساوی/نابر ابر
Abstemious /əbˈstiːmiəs/	moderate in eating or drinking	focus on 'abs' part of this word. AbsTo build a : six-pack abs, eat n drink carefully
outont	still existing	ىعنى:مرتاض/پر ھيزگار /ممسک ئد: Opposite of extinct is extant يكيش به معناى موجود
extant /ık'stænt/	suii existilig	عـ. Opposite of extinct is extait یمیس به معنای موجود هستی و دیگری به معنای از بین رفته و منقرض شده!
. totaletic oil	Diff. W.	عنی:موجود/هستی کنیم سر سر تر (Loot 200 200) ما ۳۰ تا در خت ترین درد.
vicissitudes	Difficulties	کد:وی سی سی تود (we see 300 toot) ما ۳۰ تا درخت توت دیدیم که تحول بپدا کردن و دگرگون شدن!!

/vɪˈsɪsətjuːdz/		
		معنی:تحول/دگرگونی
edifice	Building	کد:تقریبا مثل head office تلفظ میشه که یه ساختمون بزرگ برای
/'edıfəs/		شعبه اصلی اداره در نظر میگیرن!!
		معنی:عمارت/ساختمان بزرک کد:سال تری و مرطوبی پیش روست!!
sultry /'sʌltri/	Torrid	حدیسال نری و مرضوبی پیس روست!!
		معنى:شرجى/مرطوب
trenchant /ˈtrentʃənt/	keen, sharp, biting	When you chant it is to be very strong, clear and :≤ effective
		معنی:برنده/نیز/بران
puissant	Powerful	کد:pussy (گربه) در مقابل ant(مورچه) خیلی تواناتر و نیرومند تره!!
		معنى:نير ومند/توانا
unabated	without subsiding	کد:برای حفظ این واژه کافیست به این شکل عمل کنیم: ab+ate وقتی
/ˌʌnəˈbeɪtɪd ◀/		اب خورده بشه ازش کم میشه و کاسته میشه دیگه؟!؟!×؟ پس abate میشه کاسته شدن و un معنی رو منفی میکنه.
		معنى:كاسته نشده/فروننشسته
maudlin /'mɔːdlɪn/	Sentimental	کد:دوستم اسمش واسه مدلینگ (modeling) در اومد چون خیلی ضعیف بود احساساتی شد
		معنی:خیلی ضعیف و احساساتی
levity /ˈlevɪti/	humor, lightness of disposition	کد: leave it سبک سری و رفتارهای سبک و لوس بازی رو ترک کن!!
		you casually leave things without any seriousness
		معنی:سبک سری/رفتار سبک/لوسی
lugubrious /luːˈguːbriəs/	very sad	He was very mournful when he had to BURY his :4 maimed LEG!!
		معنی:اندو هگین/غم انگیز

	ست و یکم	هفته بب
scion /ˈsaɪən/	Descendant	کد:میتونید یه جورایی با این لغت حفظش کند!!!! پسر،فرزند=son
		معنى:قلمه/نهال/تركه/فر زند
indoctrinate /ınˈdɒktrɪneɪt/	to teach certain principles	کد: این دکترِ نت (net=شبکه)خیلی اموزش میده به مردم!
		معنی:اموختن/تلقین کر دن
opulence /ˈɒpjʊlənt/	Wealth	کد: our fluent in English is our opulence سلیس و روان بودن ما در انگلیسی توانگری ماست
		معنی:توانگر ی/دولت مندی /وفور کد:سعی کنید این کلمه رو به جمله ی اب زیر کاه ست ربط بدین! کسی که
obsequious /əbˈsiːkwiəs/	seeking favor	اب زیر کاه باشه خیلی چاپلوسه!
		معنی:چاپلوس/فرمانبردار
fulsome /'fʊlsəm/	Excessive	full of something :4
		معنى فراوان/مفصل
lush /lʌʃ/	Luxurious	کد: لاشه ی حیوانات سنگین وزن پر از اب است! معنی:یر اب/ شاداب
destitution /'destitjuːt/	extreme poverty	ی پر کرد. کرد: کاد: دستی که تو شن و ماسه و سیمانه همیشه دست یک فقیر و بیچیز بوده!
		معنی:فقر ابی چیزی
ponder /'paːndər/	consider carefully	کد:پاندا+ error=err دلیل اینکه پانداها زیاد اشتباده نمیکنن اندیشه و فکر کردنشونه!!
		معنی:اندیشه کردن/تفکر کردن
supplication /ˌsʌplɪˈkeɪʃən/	earnest prayer	کد:صاحب این لوکیشین (location=محل) هرکی هست باید از اینجا بره! (فکر کنید یه ادم فقیر صاحب خونه ست و التماس و گریه زاری میکنه که بیرونش نکنن)
		معنى:التماس/تضرع
decadence /ˈdekədəns/	Decay	cadence:rhythmic rise and fall (of words and :4 sound) so de + cadence is only a fall to a lower level without any rising
		کد:دکه+دنس (dance)! دکه ای که توش دنس و رقص باشه اخرش فساد و نابودیشه!
nenance	atonement for sin	معنی:ز و ال/فساد/انحطاط/نابو دی کد:ر اه تو به ی خداوند همیشه یهن است!!
penance /'penans/	atonement for sill	ته از ۱۰ توپ ی مدارت تحقیقه چین است.
		معنى:تو به/عذاب/مجاز ات

ascetic /əˈsetɪk/	one who practices self-denial	کد:استیک اسید ریختن روش تا ریاضت کش بشه و دنیا رو ترک کنه!!
desultory	disconnected, random	معنی: ریاضت کش/تارک دنیا کد: دیزل طوری طراحی شده که همه قطعاتش همش بی قاعده کنار هم قرار گرفتند!
/'desəltəri,/		
disciple /dɪˈsaɪpəl/	Follower	معنی:بی قاعده ابی نظم ادر هم و برهم کد:دستی پول=پول دستی بده به شاگردت لازم داره خوب!!
metamorphosis /ˌmetəˈmɔːfəsɪs/	Change	معنی:شاگرد/مرید کد:قسمت اخر رو نگاه کنید (morph=بر عکسش کنی و تغییر بدی بهش میشه فرم!!) معنیش هم میشه تغییر دادن
bona fide /ˈbəʊnə faɪd/	Genuine	معنی:دگر دیسی/تغییر کد:به نفعت (بونافاید) هست که صادقانه رفتار کنی
salvation /sælˈveɪʃən/	deliverance from ruin	معنی:صادقانه/حقیقی کد:صلوات راه رستگاری و نجات است!
materialism /məˈtɪəriəlɪzəm/	concern with possessions	معنی:رستگاری/نجات کد:دوستان این لغت خیلی استفاده میشه متریالیسم (مادی گرا) و رئالیسم میشه واقع گرا= realism
nurture /ˈnɜːrtʃər/	Nourish	معنی:مادی گرا کد:پدر و مادر ناچار (nurture) هستند که بچه هاشونو پرورش بدن دیگه!
nirvana /nɪəˈvɑːnə,/	heavenly place	معنی:پرورش دادن/به ثمر رساندن کد:کلمه ای که بارها شنیدیم نیروانا بهشت بودائیان است.
		معنی:سعادت ابدی/بهشت بویا

هفته بیست و دوم		
juxtapose /ˈdʒʌkstəpoʊz/	to place side by side	کد:just+repose فقط جاشونو عوض کن و کنار هم بزار!!
		معنی: کنار هم گذاشتن/پیش هم گذاشتن
plight /plait/	Predicament	کد:پولات=پولهات رو جمع کن که به مخمصه و گرفتاری بر نخوری!
		معنی:مخمصه/گرفتاری
covert /ˈkoʊvərt/	Secret	کد: این کلمه رو هم با مخالفش یاد میگیریم:overt#covert اشکار # نهان
		معنی: پنهان کد:از عهده ی این کاپ بر میایم و برنده میشیم!
cope /koʊp/	to be a match for	حد.ار عهده ی این خاپ بر میایم و برنده میسیم!
incompatibility	lack of harmony	معنی:از عهده ی برامدن
/ˌinkəmˈpætibəl ◀/	lack of Harmony	معنی:ناساز گار <i>ی/م</i> غایر ت
incapacitated /ˌınkəˈpæsɪteɪt/	Disabled	کد:چرا مثل عاجزها پاس میدی اخه؟! ×!؟ این که پاس تو باشه ادمو درمونده میکنه!
fabricate	to lie	معنی:در مانده/عاجز کد:یه در و غ فابریک از خودش در اور د و به دوستش گفت!
/ˈfæbrɪkeɪt/	tone	2 _ 3 . 3 _ 3 _ 3 _ 3 _ 3 _ 3
		معنی:ساختگی/از خود دراوردن
connubial /kəˈnjuːbiəl/	related to marriage	nubial is close to nuptial hence something related : 丝 to marriage.
demur /dɪˈmɜːr/	to object	معنی:زناشویی/زن و شوهری کد:اگه شک کنی و درنگ کنی هنگام رای دادن دمار از روزگارت در میارن!
		معنی:درنگ کردن/تردید رای/کمرویی کردن
appellation /ˌæpəˈleɪʃən/	a name	معنی در عب در در این المعرویی در در می المعرویی در در المی المعرویی در در المی المعرویی در در المی المعرویی در در المی المی المی المی المی المی المی المی
		معنى:نام/لقب/عنوان
escalation	Intensification	كد:بندريها دوست دارند اسكله شون رو همش زياد كنن و اضافه كنن!!

/ˈeskəleɪt/		
		معنى:افز ايش/گستر ش
indifference /ınˈdıfərəns/	lack of concern	کد:کلمه ی difference رو همه میدونیم میشه تفاوت و پیشوند in هم بار ها گفتم منفی کنندست
		معنی:بی تفاو تی/بی اعتنایی
potential /pəˈtenʃəl/	Possible	کد:پتانسیل
		معنى يتانسيل ابالقو ه/ممكن
cumulative /ˈkjuːmjʊlətɪv/	Accumulated	کد:آیر آنیها دارند لُوکوموتیو هاشون رو بر ای راه اهن افزایش میدن و اضافه میکنن!!
		معنی:روبه افزایش/فزاینده
recondite /ˈrekəndaɪt,/	obscure, hidden	read recondite as "re conduct". The professor re : 生 coducted (repeated) the topic as the students could not understand properly.
		معنى:پوشىيدە/نهان/مرموز/مخفيانه
palliate /ˈpælieɪt/	relieve without curing	کد:وقتی یکی رو خدانکرده از دست میدی میان پهلوی تو میشینن تا ارومت کننه!!
		معنى:تسكين دادن/ارام كردن
delude /dɪˈluːd/	to fool	كد:دلُّود رو فريبُ دادى ولْمى دلت رو هيچ موقع نميتونى فريب بدى!!
		معنی:گول ز دن/فریب دادن
prelude /'prelju:d/	Introduction	کد:پیرلوت مقدمه و اغازی بود برای دوست داشتن!
		کد۲:پری+لوده! لوده بازی های پری از مقدمه ی بدبختی اوست!! معنی:مقدمه/بیش در امد
chimerical /kaɪˈmerɪkəl,/	imaginary, fantastic	منی است. she is miracle: توی خوابت یه ادم خیالی میبینی این جمله رو میگی!!
		معنى:خيال <i>ي او</i> اهي/غير و اقعي
acknowledge /əkˈnɒlɪdʒ/	Admit	accept+knowledge :五
		معنی:تایید کر دن/قبول کر دن

هفته بیست و سوم		
heterogeneous /ˌhetəˈrɒdʒənəs ◀/	Dissimilar	کد:کلمه ی جنس رو در اخر میتونیم ببینیم و دقیقا هم به معنای جنس هستش و پیشوند قبلیش hetero پیشوندی به معنای نا /غیر میباشد پس معنی به راحتی فهمیده میشه
gamut /'gæmət/	Range	معنی:غیر همجنس/ناهمگن/ناجور کد:پاتو از گلیمت (gamut) و حیطه ت بیرون نزار!!!!!
perspicacious /ˌpɜːspɪˈkeɪʃəs ᠯ/	Shrewd	معنی:حیطه/دامنه/گستره کد:در نقشه کشی اونایی که داناتر و زرنگترند پرسپکتیو (نمای سه بعدی جسم) رو زودتر رسم میکنند!
analogous /əˈnæləgəs/	comparable, similar	معنی:زیرک/با فراست کد:انالوگ و دیجیتال شبیه هم نیستند!
maladjusted /ˌmæləˈdʒʌstɪd ◀/	Disturbed	معنی:مشابه/یکسان/شبیه کد: mal mal+adjust+it معنای منفی داره پیش خودت فکر میکنی که یه چیزی رو بد تنظیم کردی (adjust) همش فکرت اونجاست و نگرانشی!!
phenomenon /fɪˈnɑːmənɑːn/	unusual occurrence	معنی: پریشان/نگران کد:فنا منا!!! این حادثه ها و پدیده ها باعث فنا و نابودی طبیعت میشه!
mortality /mɔːˈtælɪti/	Death	معنی:پدیده/حادثه کد:mortal=مردنی و immortal=نمردنی یا جاویدان!!
decade /deˈkeɪd/	ten years	معنی:مرگ ومیر /فنا پذیری کد:شهر داری دکه رو ۱۰ ساله اجاره میده
susceptible /səˈseptɪbəl/	easily affected	معنی:دهه/دوره ی ده ساله کد:اگه دقت کرده باشین ساس ها روی تیبل (table=میز) حساس هستند و همش گیر میدن به از بین بردن لوازم چوبی! چون لوازم چوبی مستعد نابودی هستند!
neurotic /njʊˈrɒtɪk /	having a nervous disorder	معنی:مستعد/اماده/حساس کد:نور +تیک! یا تیک نور ! اونایی که تیک نور دارن وقتی نور مستقیما به چشمشون میندازی عصبی میشن!
pedagogue /'pedəgog/	Teacher	معنی:ادم عصبانی/عصبی کد:پدر گاج! اولین معلمی بود که اموزشگاه زد!!
enunciate	to utter, proclaim	معنی:اموزگار/معلم کد:میتونیم با یه ذره تغییر به announce it که میشه اگهی اعلام معنیشو حدس بزنیم!

/ıˈnʌnsieɪt/		
		معنی:اعلام کر دن/گفتن
inordinate /ɪˈnɔːdənət/	Excessive	کد:این اردوی نت!(نتورک=network) بی اندازه خوش گذشت بهمون!
	lucita la la	معنی:بی اندازه/مفرط کد:ایرج+زبل!! ایرج زبل خیلی زود قاطی میکنه و عصبی میشه! کلا
irascible /ıˈræsɪbəl/	Irritable	د. ایرج جربی ایرج ربی خیبی رود قطی میکنه و عصبی میسه اکر ادمی تندخوست!
		معنى:تندخو/اتشى مزاج
introspective /ˌintrəˈspektiv ◀/	looking into one's own feelings	intro(within)+perspective:ڬ
		معنی:درون نگر /خویشتن نگر
perpetuate /pəˈpetʃueɪt/	to cause to continue	کد:پروپاچتو بده بالاً یه تغییر همیشگی تو زندگیت بده دیگه!!
		معنی:همیشگی کر دن/دائمی کر دن
mandate /ˈmændeɪt/	authoritative command	كد:مهمون مياد خونتون بهش ميكى اگه مونديد اختيار همه چى با شماست! شما حاكم اصلا!!!
		معنی:اختیار /حکم/فرمان
compensatory /ˌkɒmpənˈseɪtəri ◀/	serving to pay back	کد:کامیون پسته رو طوری اوردن که تمام بدیهاشون رو جبران کردند!
		معنی:جبران/تلافی کد:این دیگه بر میگرده به سوادمون و از بچگی میدونستیم نوترون
neutralize /ˈnjuːtrəlaɪz/	Counteract	کد:این دیگه بر میگرده به سوادمون و از بچگی میدونستیم نوترون neutron خنثی است بر عکس پروتون و الکترون که همون نوترون به فعل تبدیل شده در اینجا با اصافه شدن ize
		معنی:خنثی کردن/بی اثر کردن معنی:خنثی کردن/بی اثر کردن
catastrophic /kəˈtæstrəfi/	Disastrous	كد:كه+تصادف و ترافيك مصيب بار و فاجعه اميزه؟!!؟!؟!؟!
		معنى:مصيبت بار/فاجعه اميز
		معتی مصیبت بار رسجعه امیر

	ىت و چهارم	هفته بیا
anthropologist	person who studies	
/ˌænθrəˈpɒlədʒi/	mankind's customs	
		معنى:انسان شناس/مردم شناس
		J. 5 75 7
bizarre	Weird	کد:تصور کِنید چندتا بز میبینی که رفتند بالای درخت خیلی عجیبند به
/bıˈzɑːr/		دوستت میگی بزارو بزارو!!
		کد:از ادمهای عجیب غریب بیزارم!
		معنى:عجيب غريب
inanimate	without life	کد:animate به معنای متحرک کردن/متحرک میباشد همونطوری که از
/ınˈænımət/		animation انیمیشن متحرک سازی میدونیم که لغت پرکاربردیه در اینجا فقط پسوند منفی ساز in معنی رو عوض میکنه
		اینجا قعط پسوند منعی سار ۱۱۱ معنی رو عوض میکنه
		معنی:مرده/بی جان/بی روح
fetish	a magical object	كد:اون چى بود كه بت پرستهاى قديم فداش ميشدن؟؟؟ بت/صنم!
/ˈfetɪʃ/		
-		معنى:طلسم/بت/صنم
artifact	a hand-made object	art +factoryman made factory of art:ک
/ˈɑːrtɪfækt/		
		معنی:شیء دست ساز/شیء مصنوعی
taboo /təˈbuː/	Forbidden	کد: تابوت مرده زیاد نباید روی زمین بمونه حرامه!!
		dar in
imprudent	Unwise	معنی:حرام کد:این پررو+دنس (dance)! این ادم پررو و بیفکر جلو همه میرقصه
/ımˈpruːdənt/		(dance)
		معنی:بی احتیاط/بی فکر /نسنجیده کد: (پررویی بی چون) و چرا ممنوع!
prohibition	forbidding of certain	کد: (پررویی بی چون) و چرا ممنوع!
/ˌprəʊhɪˈbɪʃən/	actions	
		معنی:ممنعیت/تحریم کد:کار امپراطور همش دستور دادنه دیگه!
imperative	Necessary	كد:كار امپراطور همش دستور دادنه ديگه!
/ımˈperətɪv/		
	0	معنی: امری/دستوری/حتمی کد: هیچ موقع تنت و اسمت رو الوده ولکه دار نکن!!
taint	Contaminate	كذ: هيچ موقع بنت و اسمت رو الوده و بحه دار بص!!
/teint/		
		معنی:لکه دار کردن/الوده کردن
universal	Widespread	
/ˌjuːnɪˈvɜːsəl/		

		معنی:فر اگیر /جهانی
contemptuous /kənˈtempt∫uəs/	looking down on someone or something	کد:بـا اهانت کامل گفت سیگار کنت من چوبیست!
		معنى:اهانت اميز/تحقير اميز
absurd /əbˈsɜːrd,/	Ridiculous	ی. کد:اب سرد! کسی رو دیدین با اب سرد چایی درست کنه؟؟ غیر منطقیه دیگه!
		معنى: غير منطقى/بى معنى
bigot /ˈbɪgət/	one who is not tolerant of others' ideas	ی.نیگر رو درنظر بگیرید که کلی انیتتون کرده و متعصب باشه میگی اگه ریاکاری کردم بگیر (bigot) کد:ادمی که متعصب و ریاکار باشه یه احمق بزرگه big+idiot
		معنى:متعصىب/رياكار
abhor /əbˈhɔːr/	to utterly hate	كد:متنفرم دوباره برگردم به ابهر!!!
vulnerable	able to hurt	معنی:تنفر/متنفر بودن از کد:پیش وال نرو بیل بزن اسیب پذیره×!! وال(wall دیوار)+نرو+بیل
/ˈvʌlnərəbəl/		A. A. M. A A. ta
entreaty /ɪnˈtriːti/	plea, appeal	معنی:اسیب پذیر/زخم پذیر کد:این تریپی که تو برخورد میکنی همش باید التماس مردم کنی!!
		معنى:تمنا/التماس/خواهش
tradition /trəˈdɪʃən/	long-standing practice	کد:رسم و سنته که تره توی دیش (dish=ظرف) خورده شه!
	1	معنى: رسم/سنت
originate /əˈrɪdʒɪneɪt/	begin, arise	کد:باز هم کلمه ای که نیاز به کد نداره و اورجینال کلمه ایه که بارها به گوشمون خورده فقط در اینجا پسوند ate باعث میشه کلمه به فعل تبدیل شه.
		معنى:سرچشمه گرفتن/نشات گرفتن
inviolable /ınˈvaɪələbəl/	completely protected	کد:این و الیبال ایر آن و آفعا قابل احترامه و محترمند افرادی که زحمت کشیدن براش!!
		معنى:مقدس/محترم

هفته بیست و پنجم		
awesome /ˈɔːsəm/	inspiring terror, weird	کد:این اوسام (اوستای من) خیلی وحشتناکه ولی مایه ی هیبت و احترامه!
eruption /ιˈrʌpʃən/	bursting out	معنی:مایه ی هیبت و احترام/ترس اور/وحشت اور کد:اروپ+شن!! شن از اروپا داره فوران میکنه و باعث انفجار شده!
puny	weak, unimportant	معنى:فوران/انفجار كد:بيانو خيلى ساز ضعيفيه!
/ˈpjuːni/		
debris /dəˈbriː/	ruins, fragments	معنی:ضعیف/نحیف/ناچیز کد:این بقایا و اثار باقی مانده از خرابکاریهای ابلیسه!!!
dispersed /dɪˈspɜːrs/	broken up, scattered, spread	معنی: بقایا/اثار باقی مانده کد:this paris این شهر پاریس شهری پراکنده و متفرق است!
obliterate /əˈblɪtəreɪt/	wipe out, erase	معنی:پراکنده/متفرق/بخش کد:اب+ literate اونایی که خیلی باسواد میشن (literate) اب رو محو میکنن!
deplorable /dɪˈplɔːrəbəl/	sad, pitiable	معنی:محو کردن/از بین بردن کد:باعث شرم و تاسفه که مدرک دیپلم توی کشورمون قادر (able) به استخدام نیست .
initiate /ɪˈnɪʃieɪt/	set going, start	معنی:رقت انگیز/تاسف اور کد:انیشتین کارش رو با سیم برق شروع کرد!!
conflagration /ˌkɒnfləˈgreɪʃən/	great fire	معنی:شروع کردن/اغار کردن کد:کنگفو+گلایه! از مسابقه ی کنگفو گلایه کردند چون اتیش بزرگی در میدان مسابقه برپا شده بود!
rue /ruː/	Regret	معنی:حریق بزرگ/اتش عظیم کد:از دوستنت رو برگردونی پشیمون میشی !
congenial /kənˈdʒiːniəl/	agreeable, sympathetic	معنی:پشیمان شدن/غم و قصه/پشیمانی کد:کنجدی+All تمام نونهای کنجدی خوشایند و مطابق میله افراده!!!
, kon agililloij	, , ,	معنى:خوشايند/مطابق ميل

sage (seid3/ wise man, philosopher المناسخة الم	hoard /hɔːrd/	accumulate, save, store up	کد:کار هارد کامپیوترتون چیه؟؟؟ ذخیره کردن hoard:hard
sage / seid3/ seid3/ wise man, philosopher / التنافي			معنی:ذخیره کردن
aegis /ˈiːdʒis/ sponsorship, shield sounds like ages of empire The game where the نخ soldiers wear that shield for protection sponsorship, shield detriment /ˈdetriment/ /ˈdetriment/ longevity longevity long duration of life Drink imbibe //mˈbaib/ Virile // manly, masterful // virall/ Senile / 'si:nail/ Senile / si:nail/ Doddering result of old age sounds like ages of empire The game where the is soldiers wear that shield for protection shield	•	wise man, philosopher	کد:همون sagacious که کد کرده بودیم:سگ شیث زرنگ و داناست
aegis /'i:dʒis/ sponsorship, shield sounds like ages of empire The game where the نخ soldiers wear that shield for protection sponsorship, shield detriment /'detriment/ /'detriment/ longevity longevity long duration of life Drink imbibe //m'baib/ Virile // wirail/ Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). Senile /'si:nail/ Senile /'si:nail/ Doddering the 3-4 mere the is soldiers wear that shield for protection soldiers soldiers wear that shield for protection soldiers wear that shield for protection soldiers soldiers			معنی:حکیم/دانا/خر دمند
detriment / 'detriment / 'detr	•		sounds like ages of empire The game where the :4
المجاور در السيب المجاور در المجاور الم			معنی:حمایت/سپر/پشتیبانی کر دن
المعنى: عدر طو لاتي الحوريدي!! جاوريدي طو لاتي همون عدر طو لاتيه! الما المعنى: عدر طو لاتي الطول عمر الله الله الله الله الله الله الله الل		hurt, damage, injury	کد:the+3+men این ۳تا مرد یه جا باشن به همه جا اسیب میزنن!!!
imbibe Drink Drink الوله) اب مخصوص نوشينته!!! كذ: اين pipe عرر الوله) اب مخصوص نوشينته!!! كانتااو Manly, masterful Wirile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). خديس بالا Senile (sinall) Senile infirm, weak as a result of old age Doddering trembling, shaking trembling, shaking trestile and sense the same and sense the s			معنى:زيان/ضرر/اسيب
imbibe /m'baib/ Virile Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). نوشيدن/جنب کردن was analy, masterful / virile / virile Senile / 'si:nail/ Doddering Drink Prink Prink Prink Wirile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). نعد المعنى: مردانه/داراى رجولیت anaiy, masterful Wirile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). نعد المعنى: مردانه/داراى رجولیت result of old age trembling, shaking Tembling, shaking Tembling, shaking	• ,	long duration of life	کد:long+جاویدی!! جاویدی طولانی همون عمر طولانیه!
imbibe /m'baib/ Virile Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). نوشيدن/جنب کردن was analy, masterful (strong) is the opposite of fragile (sensitive). نحد المعنى:مردانه/دارای رجولیت Senile /'si:nail/ Doddering trembling, shaking trembling, shaking Drink !!! ! Provided in the proposite of fragile (sensitive) Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive). نحد المعنى:مردانه/دارای رجولیت provided in the proposite of fragile (sensitive). نحد المعنى:مدا المعنى:م			معنى: عمر طو لاني/طول عمر
Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive).: کد:مردانه/دارای رجولیت Senile (infirm, weak as a result of old age result of old age Doddering trembling, shaking trembling, shaking		Drink	كد:این pipe (لوله) اب مخصوص نوشیدنه!!!
ر الاستالخور ده/پير الله الاست دودري (دودره کردن به معنای Doddering			_
Senile infirm, weak as a result of old age /*si:nall/ Doddering trembling, shaking trembling, shaking المعنى: الله معناى المعنى المع		manly, masterful	Virile (strong) is the opposite of fragile (sensitive).: ≤
/'si:nail/ result of old age معنی:سالخور ده/پیر کد:خجالت نمیکشی پیر خرفت با این سنت دو در ی (دو دره کر دن به معنای trembling, shaking trembling, shaking			معنی:مردانه/دار ای رجولیت
کد: خجالت نمیکشی پیر خرفت با این سنت دو دری (دو دره کردن به معنای trembling, shaking			كد:سن بالإ
کد: خجالت نمیکشی پیر خرفت با این سنت دو دری (دو دره کردن به معنای trembling, shaking			معنی سالخه ر ده/بید
	_	G. G.	کد خجالت نمیکشی پیر خرفت با این سنت دودری (دودره کردن به معنای
معنی:پیر /کودن			www.in

هفته بیست و ششم		
lethargic /lıˈθɑːrdʒık/	lazy, indifferent	کد:بهش گفتم این letter رو بخونه و جیکش در نیاد نمیدونم چرا افتاد و بی حال شد!! Letter+gics
	ganoral common	معنی:سست/بی حال کد:توی شهر پریولند همه چی زود شایع میشه!!
prevalent /'prevələnt/	general, common, prevailing	ــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ
		معنى:ر ايج/شايع/منداول
paramount /ˈpærəmaʊnt/	foremost, supreme	paraMOUNT(MOUNT EVEREST)IS THE biggest :立 mountain on the earth,so something SUPREME ,and BEYOND OUR REACH(LIKE MOUNT EVEREST) is paramount
		معنى:برتر /مهم/فوق العاده
remiss /rɪˈmɪs/	negligent, careless	کد: ریمیس به کسی میگن که هرچی میس میندازی زنگ بزنه انگار نه انگار محل نمیده انقد بی قیده!!!
		معنی:بی قید/بی مبالات/سهل انگار
hostile /ˈhɑːstaɪl/	angry, antagonistic	کد: دخترا فقط به یه دلیل با هم دشمن میشن اگه گفتین چیه؟!×؟!×!؟ درسته پاستیل!!!
		معنى:خصومت اميز /متخاصم/دشمن
rebuke /rɪˈbjuːk/	reprimand, reproach, criticize	کد:کتونی مارک ریبوک گرفتی قیمت ۷۰۰ هزارتومان بیای خونه بابات سرزنش و ملامتت میکنه دیگه!!!
		معنی:سر زنش کر دن/ملامت کر دن
aversion /əˈvɜːrʒən/	opposition, strong dislike	معنی سررسی طرف این که اولین ورژن هرچی میاد به بازار ناسازگاره با همه برنامه ها مثلا فتو شاپ/ویندوز و
		معنی:ناسازگار/نفرت/بیزاری
evince /ɪˈvɪns/	show plainly, exhibit	کد:زندانی های اوین رو کسی نمیتونه نشون بده!
		معنی:نشان دادن/بروز دادن
vogue /voʊg/	Fashion	کد:!!!!!Isn't a ROGUE always STYLIST!!!! کد۲:روک بودن مد شده دیگه! ووگ=روک!
		معنى:رسم معمول/متداول
superficial /ˌsuːpərˈfɪʃəl/	on the surface, slight	کد:super+face+al به قسمت دوم face توجه میکنیم و معنی رو به راحتی حدس میزنیم!
		معنی:سطحی/بی مایه/ظاهر ی

jettison /'dʒetɪsən,/	throw overboard, discard	كد:خلاف كارها به سان جت (به مانند جت) محموله رو تو دريا ريختند!
inevitable	unavoidable, certain,	معنی:به دریا ریزی کالای کشتی کد:اول کلمه به اینوایتinvite (دعوت کردن) شباهت داره! میگی مجبور
/ıˈnevɪtəbəl/	sure	شديم طرف رو دعوت كنيم!
		معنى ناگزير /حتمى/اجتناب ناپذير
lucrative /ˈluːkrətɪv/	Profitable	کد:look روی تی وی! اگه میخوای منفعت ببری به تی وی یا تلویزیون نگاه کن!
		معنی:پر سود/منفعت
tussle /'tʌsəl/	a rough struggle	کد:تا سل (بیماری سِل)میاد ملت گلاویز هم میشن و کشمکش میکنند!
		معنی:کشمکش/گلاویز شدن
intrinsic /ın'trınsık/	inborn, natural, essential	کد:این توران ذاتا sick) sick=مریض) بود! این+توران+sick
		معنی:طبیعی/ذاتی کد:ای کیوت منو کشته انقد که تیز و زرنگ!
acute /əˈkjuːt/	severe, keen, sharp	 کد:ای خیوت منو خشته انقد که نیز و رریخا!
		معنی:زرنگ/یاهوش/تیز/ضربه
gist /dʒɪst/	main point, essence	کد:کافیه بخونید جاست just! فقط (just) لب کلام رو بهم بگو!
		معنی:جان کلام/لب کلام/ نکته ی مهم کد:
transient /'trænʃənt/	fleeting, passing, short-lived	ند: in transit:i.e. have to stay for some time,temporary stay
		معنی:ناپایدار/زودگذر
terse /tɜːrs/	compact, brief, concise	کد:تراس کو چیک و مختصر نعمتیه واسه خودش!
cogent	forceful, convincing,	معنی:موجز /مختصر کد:خیلی معقوله که موقعه امتحانها کنجت بخوری!
/ˈkəʊdʒənt/	persuasive	
		کد۲:کو جن؟؟؟ یه دلیل منطقی و معقول بیار خواهشا!! معنی:متقاعد کننده/معقول

	ست و هفتم	هفته ب
pinnacle /ˈpɪnəkəl/	peak, crown, summit	کد:پینوکیو خونش نوک قله بود!!!
	a satara a una nacana ant	معنی:اوج/نوک قله کد:کلمه ی پرکاربرد ارایش خودش واسه این کلمه کده!!
array /əˈreɪ/	system, arrangement	حد عمه ی پر حاربرد از ایس حودس و اسه این عمه حده!!
		معنی: ار ایش/صف/گروه
Obscure /əbˈskjʊər/	unclear, unknown, lowly	کد:عباس کو ؟؟؟؟ دیگه اسمی ازش نمیاد گمنام شده اسمش کور شده!!
		معنى:مبهم/گمنام
Ardent /'a:rdənt/	eager, passionate	کد: ارد +نت (نت=نتورک=network) نانو اها خیلی مشتاقند که ارد رو نتی (network) بخرند!
		معنى:مشتاق/باحرارت
Culminate /ˈkʌlmɪneɪt/	reach the highest point	کد:یه دوست داری وقتی به اوج میرسه و جو میگیرتش میگه call me nation!
		معنی:به اوج رسیدن/به حد اعلی رسیدن
constrict /kənˈstrɪkt/	bind, limit, squeeze	کد:con+restrict رستریکتش کن!! یعنی محدودش کن
		معنی:جمع کر دن/محدود کر دن/منقبض کر دن
prodigy /ˈprɒdɪdʒi/	phenomenon, marvel	کد:ترکیه پر دیجی شده دیگه!! همه چی غیر عادیه و دیجی ها فکر میکنن اعجوبه اند!!
		معنی:بسیار زیرک/چیز غیر عادی/اعجوبه
bereft /bɪˈreft/	deprived of	کد:بی رزق و روزی/ابی بهره bereft = beer + left and therefore DEPRIVED of beer
		معنی:محروم/بی بهره کد:وقتی یه چیزی فیلتر باشه گیر میکنی توش دیگه و لکنت زبان
falter /'fp:ltər/	hesitate, waver, stumble	كد:وقتى يه چيزى فيلتر باشه گير ميكنى توش ديگه و لكنت زبان ميگيرى!
		معنی:گیر کردن/لکنت زبان پیدا کردن
exultation /ɪgˈzʌlt/	triumphant joy	كد:اسهالشون برطرف شد خوشحال شدند!
vitriolic	biting, burning	معنی:شعف/شادمانی کد:ویترین الکی!اون مغازه هایی که ویترین الکی میزارن خیلی زننده
/ˌvɪtriˈɒlɪk/	biding, burning	میشه!
		معنى:تند/سو ز نده/ز ننده

invective /ınˈvektɪv/	insulting, abusive speech	ENVY + ACTIVE or Active jealousy can cause you : \(\(\times \) to ABUSE the other person.
Decease the latest and the latest an	atain asil dire the	معنی: پرخاش/فحش کدبسمیرچ! =بمیر که لکه دار کردی شخصیتتو!
Besmirch /biˈsmɜːtʃ	stain, soil, dim the reputation	د بسیر چ؛ بهیر که دار کردی شخصیتو!
	holler large	معنی:لکه دار کردن/الودن کد:کلمه ی volume به معنای حجم بار ها به گوشمون خورده فقط در
voluminous /vəˈluːmɪnəs/	bulky, large	کد. کلمه ی Volume به معدی حجم بارها به خوسمون خورده فقط در اینجا به صفت تبدیل شده با Ous
		معنی:حجیم /بزرگ
retrospect /ˈretrəspekt/	looking backward	معنی:نظری به گذشته /بازنگری
egotist /ˈiːɡətɪst/	a conceited, vain person	
		معنی:خو دپر ست/مغر و ر
humility /hjuːˈmɪlɪti/	modesty, meekness, humbleness	کد:هرکسی فروتنی و تواضع داره دلیل نمیشه که حمال تو باشه!!
		معنى:فروتنى/تواضع
pungent /ˈpʌndʒənt/	sharply stimulating	کد:هر موقع انتقادی زننده میکنی دست و پنجت رو بالا میاری دیگه!
		معنی:انتقاد <i>ی </i> تند/زننده
inveterate /in'vetərit/	firmly established, habitual	کد:اینور+تورت! بچه های اینجا خیلی کهنه کارن بیای اینور تورت میکنن!!
		معنی:دیرینه/کهنه کار
adamant /ˈædəmənt/	inflexible, unyielding	کد:a+damn+ant این مورچه ی لعنتی چقد سمج و لجبازه!!
		معنی:یک دنده/لجباز/تزلزل ناپذیر

	ست و هشتم	هفته بی
vulnerable /ˈvʌlnərəbəl/	susceptible, open to attack	کد:wall+near+ball دیواری که نزدیک یه توپ باشه معلومه اسیب پذیره فکر کن کریم باقری هم پشت توپ باشه !! دیگه کاریش نمیشه کرد که!!!
bedlam /ˈbedləm/	uproar, confusion	معنى:اسيب پذير كد:تو اتوبوس نشسته بودم يه نفر بد لم داده بود رو من! چند دقيقه بعد اومدن گفتن اين طرف روانيه بردنش تيمارستان!!!
cacophony /kəˈkɒfəni/	harsh sound, discord, dissonance	معنی:تیمارستان/دیوانه کد:برای حفظ و روان شدن این لغت به دو لغت زیر توجه کنید: phone+us + کاکا=وقتی کاکا بهت زنگ میزنه صداش خیلی نا هنجاره و خیلی هم بدصداست!! Dia+phane+us ادایی=داییت وقتی زنگ میزنه بهت صداش رو خیلی روشن و شفاف میشنوی! cacophonous=بدصدا/ناهنجار diaphanous=روشن/شفاف
exploit /ık'splɔɪt/	utilize, profit by	معنی:صدای ناهنجار /بدصدایی کد:فکر میکنی پولتو به قرص اکس میدی ازش استفاده میکنی؟ اکس+پولت!
propinquity /prəˈpɪŋkwɪti/	nearness in time and place	معنی:بهره برداری کردن/استفاده کردن کد: Propinquity has PIN in it. If you pin two things together they are close together
disgruntled /dis'grʌntld/	displeased, unhappy	معنی:نزدیکی/احتمال کد:dis پیشوند منفی ساز و قسمت دوم رو هم گارانتی بخونید: وقتی یه چیزی گارانتی نداشته باشه ناراضی و ناخشنود هستین دیگه!
infallible /ınˈfælɪbəl/	exempt from error, right	معنی:ناخشنود/نار اضی کد:in+false+able کسی که سمت دروغ نمیره خیلی دقیق و لغزش ناپذیره!
panacea /ˌpænəˈsɪə/	cure-all	معنی:درست/دقیق/لغزش ناپذیر کد:پین سیاه نوش دارو و شفای در دشه!
eradicate /ıˈrædɪkeɪt/	wipe out	معنی:نوش دارو/علاج عام کد:کیت وین سلت بازیگر معروف هالیوود رو که میشناسین؟؟؟ ایراد کیت باید کاملا از بین برده شه تا بتونه اول بشه!
impede /ɪmˈpiːd/	hinder, interfere, block	معنی: از بین بردن اریشه کن کردن کد: این پدال و سطی مانع رفتن میشه و ترمز میگیره!
sedate /sɪˈdeɪt/	sober, still, quiet, undisturbed	معنی:مانع شدن/باز داشتن کد:صدات خیلی ارومه بهم ارامش میده!!

		معنى:ارام/ارامش/ملايم
equanimity /ˌiːkwəˈnɪmɪti/	composure, evenness of mind	کد:اکو نعمتی !! اکو نعمتی محیطی ارامی برای شما به ارمغان می اورد!!!! (تبلیغات)
		معنى:ارامى/متانت
compatible /kəmˈpætəbəl,/	well-matched, harmonious	معنی:سازگار/موافق
serenity /sıˈriːn/	peaceful repose	کد:یاد کارتون سرندی پیتی بخیر چه ارامشی داشتیم اون زمان!!!
	admire, respect, honor	معنی:ارامش و بی سر وصدایی کد:به river مظهر روشنی و اب باید احترام بگذاری!
revere /rıˈvɪər/	aunine, respect, nonor	ت. ۱۱۷۵۱ متهر روسی و ۳۰ بید مترام بحاری:
		معنی:محترم شمر دن/احترام گذار دن
irrational /ıˈræʃənəl/	absurd, unreasonable	كد:اگه جای جنسی که میگیرید جای اورجینال بنویسه irrational یه چیز غیر منطقیه دیگه!
		معنى:غير منطقى و نامعقول
avarice /ˈævərɪs/	passion for riches, greed	کد:بد بخت از بس حرص و طمع داره هیچی از خودش نداره اوارست!!
		معنى:حرص و طمع
insatiable /ınˈseɪʃəbəl/	cannot be satisfied	كد:این ساشا بیل هم بخوره سیر نمیشه!!
		معنی سیر نشدنی/سیر نشده
nadir /ˈneɪdɪər/	lowest point	کد:معنیش هم همین تلفظ رو با کمی تغییر داره!
		معنى نظير السمت /پايين ترين سمت/افت
moribund /ˈmɒrɪbʌnd /	at the point of death, dying	کد: موری باند (باند و دارو دسته ی مرتضی!!) مرتضی رو به مرگه واسه باندش داره متلاشی میشه!
		معنی:رو به افول/ رو به مرگ
		معلى رو به مرت

	یست و نهم	هفته ب
lithe /laɪð/	Graceful	کد:افراد لاغر و خوش قیافه دروغ گفتنشون بیشتره !lies
		معنى: لاغر اندام/خوش قيافه
obese /əʊˈbiːs/	very fat	معنی: عرص میک کد: این الحت رو اینجوری بخونیدo+base گرد مانند!! گردالو!! چاق و فربه
		معنى:چاق/فر بـه
adherent	supporter, backer	
/ədˈhɪərənt/		معنى: هو اخو اه اطر فدار احامى
bliss /blis/	pleasure, happiness	کد:بلیس و ابلیس دوتا داداش مخالف هم که یکیش شیطانه و دیگری خوشی و سعادت میاره واسه همه!!!
	nikiful and diskunsting	معنی:خوشی سعادت کد:
pathetic	pitiful, sad, distressing	22.
/pəˈθetɪk/		Opposite of 'aesthetic'
		معنى: احساساتي ارقت انگيز اسوز ناک
exhort /ɪgˈzɔːrt /	urge strongly, advise	exert -> to do something; exhort -> to urge :45 someone to do something
		معنی:نصیحت کردن/ترغیب کردن کد:تاب تاب ایاسی!!!!!!
Apathy /ˈæpəθi/	unconcern, lack of interest	عد تاب اباسی: !!!!!! کسانی که این بازی رو بچه بودن نکردن الان خیلی بی حس و بی علاقه
		j.z.j
funcia	brawl, noisy fight	معنی:بی حسی ابی عاطفگی/بی علاقگی کد:رفتی مغازه، یه اصفهانی بهت میگه این جنس فیک اس fake=تقلبی!
fracas /ˈfreɪkəs/	Drawi, Holsy fight	ناراحت میشی و جارو جنجال راه میندازی!
		معنی:زدو خورد/جاروجنجال
inebriated /ıˈniːbrieɪtɪd/	intoxicated, drunk	inebriety sounds like celebrity , who always drinks:ച≤
		معنی:مست/سر خوش/شنگول/شاد
adversary /ˈædvərseri/	enemy, foe, opponent	کد:معنی adverse رو میدونیم میشه مخالف دشمنت بر عکس و مقابلت و امیسته دیگه!
		معنى:حريف/مخالف/دشمن/رقيب
indolent /ˈɪndələnt/	Lazy	کد:dole یعنی غمگین واندوه indolole هم میشه کسی که توی غمه همیشه سست و بی حاله!
		کد۲:این دو لنت! خیلی تنبل و بی حالن اصلا ترمز نمیگیرند! معنی:سست/تنبل/بی حال

queto	zest, enjoyment,	GUSToGustGuestYou are filled with much :≤
gusto /ˈgʌstəʊ/	enthusiasm	enthusiasm while you eagerly wait for your guest to arrive.
		معنى:شورو حال/لذت/طعم
garrulous /ˈgærələs/	wordy, talkative	كد:اگه يه ذره دقت كنيم ميتونيم girls بخونيمش! و ميدونيم كه چقد اين دختر بچه ها حرف ميزنن!!
		معنی∷پر حرف/ <i>و</i> راج
banal /bəˈnæl/	meaningless from overuse, trivial	کد:ban+all بن(اخراج) کردن توسط ادمین یا رئیس یه کار پیش پا افتاده ست!!
		معنی:پیش پا افتاده/مبتذل/معمولی
platitude /ˈplætɪtjuːd/	trite saying	flat + attitude: something flat does not attract us : \(\sigma \) as it is very common. So you will obviously give trite remarks
		معنی:بی مزگی/پیش پا افتادگی
pique	fit of resentment	کد: جویدن ادامس بی کی باعث رنجش بعضیهاست!
/piːk/		کد۲:جرارد پی کی بازیکن بارسلونا خیلی زخم زبان میزنه و باعث رنجش میشه!!
		معنی:رنجش/انزجار/زخم زبان زدن
dilettante /ˌdɪlɪˈtænti/	one with little knowledge and great interest	كد:!delete in it هُرچَى كَه هَسَت نبايد حذف كنى چقدر ناشى هستى!
		معنی:ناشی/غیر حرفه ای/طرفدار تفننی صنایع زیبا
atypical /eɪˈtɪpɪkəl/	Nonconforming	کد: A در ابتدای کلمه باعث منفی شدنش شده کلمه ی typical رو کد میکنیم: (تیپ کلی و معمولی)
		معنى:غير معمولي
nondescript /ˌnɑːndəˈskrɪpt/	difficult to describe, undistinguished	کد:نان و دستگیره !!! دوتا چیز غیر مربوط به هم هستند که غیر قابل طبقه بندی هستند!
		معنى: غير قابل طبقه بندى/وصف ناپذير
wane /wein/	decline, decrease	کد: وینی=عقب مونده ی ذهنی!!! کسی که عقب مونده ذهنیست کم و کاست داره دیگه!
		معنی:کم و کاستی/کم شدن
	I	5 7.6 57.6

هفته سی ام		
extinct /ıkˈstɪŋkt/	no longer existing	کد:extant #extinct یکیش به معنای هستی و وجود میباشد(extinct) و دیگری به معنای نابودی و زوال (extinct)
		معنی:از بین رفته /نابودی/منقرض شده
idyllic /ıˈdılık/	peaceful, simple	Sounds like being idle. When we are idle without : \(\times \) work we are jolly.
		معنی:ساده و صمیم <i>ی/بی</i> پیر ایه
galvanize /ˈgælvənaɪz/	arouse or excite to activity	معنی:گالوانیز ه کردن
encumbrance /ınˈkʌmbər/	load, handicap, burden	cumber means a burden hence encumbrance :عد means that impedes
		معنى:بار/قيد/مانع
gaudy /ˈgɒːdi/	showy, flashy	کد:گاندی شخصتی بود که از زرق و برق دنیوی متنفر بود!!
		معنی:زرق و برق دار /نمایش دار
condescend /ˌkɒndɪˈsend/	lower oneself, stoop	کد: ascend و descend دو کلمه ی متضاد یکی به معنای پایین امدن و یکی به معنای بالین امدن میباشد که با شباهت تلفظ به راحتی میشه حفظشون کرد!
candor /ˈkændər/	honesty, frankness	معنی:خود را پایین اوردن/پست کردن کد:اونایی که کنتور اب و برق رو مینویسن خیلی باید خلوص نیت داشته باشن و نقلب نکنن!
		معنی:خلوص /صفا/رک گویی
mortify /ˈmɔːtɪfaɪ/	humiliate, embarrass	کد:مردی و ایس! زشته جلو مردم به یکی اینجوری بگی و خجالت بهش بدی!
		معنی:خجالت دادن /سر افکنده کر دن
jocose /dʒəu'kəus/	merry, humorous	کد:میگن طرف جوکوست یعنی جوک میگه! یا میتونیم بگیم جوک گوست!!!
		معنی:شوخ امیز/شوخ طبع
malign /məˈlaɪn/	slander, abuse	کد: بعضی ها از مرلین منسون (خواننده) بدشون میادو همش بدگویی میکنن ازش!
	unlimited in a second	معنی:به بدی یاد کر دن/بدگویی کر دن کد:amen+potent امین ای توانا (قادر مطلق)
omnipotent /pm'nipətənt/	unlimited in power or authority, almighty	کد:amen+potent امیں ای بوات (قادر مطبق)
		hie agretti ag. •
		معنى:قادر مطلق/قادر متعال

zenith /ˈzenɪθ/	top, prime, summit	کد:میگی طرف عقب مونده ی ذهنیست رفته نوک کوه و ایساده نمیاد پایین!!
		معنى:او ج/نوك قله
fledgling /ˈfledʒlɪŋ/	little known, newly developed	ی. وی از کا بعضیها میرن شاگردی میکنن یه کار خطایی انجام میدن اوستاشون میگه فلجین؟!؟!؟!؟!؟!
		معنی:تازه کار/نوچه
peremptory /pəˈremptəri/	binding, compulsory, absolute	کد:پدرم طوری برخورد میکنه که حرفی توش نباشه برخوردهاش قاطع است!
		معنی:قطعی/قاطع/بی چون و چرا
precedent /'presidənt/	custom, model	کد:پرزدینت اوباما مقدمه و سابقه ی زیادی داره!
		معنى:مقدم/سابقه
wheedle /ˈwiːdl/	persuade, coax, cajole	کد:بیدل (شاعر) رو ویدل(گول) نزن زشته! کد۲:کسی که بی دل و بی کس هستش گول زدنش درست نیست
		معنى:گول/زدن/با زبان فريفتن
rustic /ˈrʌstɪk/	unpolished, countrified	کد:تلفظش رو به روستایی ربط بدین! (rural=rustic
		معنی:روستایی/دهاتی
jubilant /ˈdʒuːbɪlənt/	in high spirits, joyful	كد: جُوب + لانتورى! اگه با يه لانتورى و الاف برى جوبهاى زيبارو تماشا كنى شاد ميشى!
		معنی:شادمان/پیروز/شاد/سرمست
decorum /dɪˈkɔːrəm/	correct behavior, politeness	کد:مغازه داری یکی بهت تو هین میکنه بهش میگی دکورم(دکور مغازم) مشکلی نداره ادب رو رعایت کن!
		معنى:ادب/نز اكت
charlatan /ˈʃɑːrlətən/	fraud, pretender	كد:شار لاتان
		معنى:ادم حقه باز/شار لاتان

هفته سی و یکم		
heresy /ˈherɪsi/	lack of faith, dissent, unbelief	کد:حریصی؟؟؟ میدونی دلیلش چیه>؟؟؟ از بس کفر میگی.
prudent /'pruːdənt/	cautious, wise	معنی:کفر /ارتداد کد:خیلی توی غذا خوردنت مواظبت کن چون بعدها رودت پر میشه از ویروس! پر +رودت!
ostensible /p'stensibəl/	seeming, pretend, outward	معنی:محتاطانه/محتاط/عاقلانه کد:استین+سیبیا! اون مردایی که سیبیلهاشون رو تا استینشون میارن و بزرگ نشونش میدن فقط میخوان خودنمایی کنند و خودشونو اشکار!!
fervid /ˈfɜːrvɪd/	enthusiastic, passionate, intense	معنی:ظاهری/نمایشی/صوری/اشکار کد:فرزید؟؟؟ (فرز هستید) شما فرز هستید به دلیل اینکه مشتاق بوده و علاقه به فرز بودن دارید.
spurious /ˈspjʊəriəs/	counterfeit, false, specious	معنی:مشتاق/علاقه کد:اسی +پاریس! با کار های جعلی و قلابی اسی (اسماعیل) رفت پاریس! اسی+پاریس!!
propagate /'propageit/	multiply, spread, produce	معنی:جعلی/قلابی کد:پرپاکت (پر از پاکت) سعی کن شهر رو پر از پاکت کنی و این روش رو رواج بدی!
anomaly /əˈnɒməli/	abnormality, irregularity	معنی:رواج دادن/نزویج دادن کد: a+normally حرف a منفی کننده ست!
innocuous /ıˈnɒkjuəs /	mild, innocent, harmless	معنی:خلاف قاعده/بی نظمی کد:رفیقت اصفهانیه بهت میگه بابا این ای کیو اس بی ضرر اس!
surfeit /'sa:rfit /	superabundance, excess	معنی:بی ضرر /بی از ار کد:خیال نکن من پول زیادی صرفت میکنم!!
milieu /ˈmiːljɜː/	setting, environment	معنی:مقدار زیاد/و فور /فراو انی کد:میلیونر ها محیط اطراف خونشون هم راحت میتونن بخرن!
strident /'straidənt/	rough, harsh, shrill	معنی:محیط/اجتماع کد:صدای دانش اموز دیدین چقد خشنه؟!؟!؟! strident=student
		معنى:گوش خراش/خشن

concomitant	attending,	کد:الیور کان+کمیته ی همراه خود را تشویق کرد.
/kənˈkɒmɪtənt/	accompanying	
		معنى:همراه
lassitude	fatigue, weariness	كد:چقد لاسى تو! بلند شو كار كن كمتر تنبلى كن
/ˈlæsətjuːd/		
		معنی:سستی/بی میلی
deleterious	harmful, bad	کد:delete +رئیس!! رئیسی که زیان اور و اسیب رسان باشه باید حذف بشه!
/ˌdelɪˈtɪəriəs ◀/		بسه!
- ££:		معنی:زیان اور/اسیب رسان کد:همون efficacy تاثیر رو یادمون باشه میشه efficacy
efficacy /'efikəsi/	power to produce an effect	د.ممول enect تایو رو یادمول باشه میسه
/ CHROSI/		
d'annut	protest, differ,	معنی:تاثیر /سودمندی کد:assent
dissent /dı'sent/	disagree	agree هميشه
/ui sent/	uisagi ce	dissent میشه disagree
		معنى: اختلاف عقيده داشتن/جدا شدن/نفاق داشتن
ferment	agitation, turmoil,	كد فرمانت يا دستورت! كسى كه از فرمانت سرپيچى كرد اشوب به پاكن!
/fəˈment/	uproar	
		معنی:اشوب/شورش/نا ارامی
attenuated	decreased, weakened,	کد:at+ten+u+ate اگه روزی فقط یه بار و اونم ساعت ۱۰ غذا
/əˈtenjueɪt/	thinned	بخوري معلومه كه لاغرميشي!!
		معنى:نازك/رقيق/نازك شدن/لاغر كردن
arbiter	Judge	کد:داور ها بهترین گزینه برای حل مشکلات هستند! Are better=arbiter
/ˈɑːrbətər/		Detter-arbiter
		معنى:حكم/قاضى/داور
incumbent	morally required	کد:income ات! درامدت مهمترین و ضروریترین چیز زندگیته!
/ınˈkʌmbənt/		
		معنى:لازم

هفته سی و دوم		
profound /prəˈfaʊnd/	intense, deep	whatever professional or researchers found(read :4 find) has to be deep. pro+found(find)
		معنی:عمیق/ژرف/زیاد
alleviate /əˈliːvieɪt/	lighten, make easier	کد:الویه آت رو بخور تا یه ذره سبک و اروم بشی!!
		معنی:سبک کر دن/ار ام کر دن/ کم کر دن
prodigious /prəˈdɪdʒəs/	enormous, extraordinary	کد:یه اصفهانی بهت میگه خیلی حیرت اوره اینجا پر از دیجی اس!! (پر +دیجی+اس)
		معنی:حیرت اور/شگرف کد:خوردن قرص اکس باعث تسریع شدن پدر در اومدنه!!! اکس+پدر
expedite /'ekspidait/	carry out promptly	دراومدن دراومدن
		کد ۲: عکس بدید تا به سرعت و شتاب بزارمش توی نت!
		معنی:شتاباندن/پیش بر دن/تسریع کر دن
celerity /sɪˈlebrəti/	rapidity, speed	کد:کافیه یه A به اول کلمه اضافه کنی و اینجور بخونیش که میشه:
		accelerate=شتاباندن/سرعت دادن
usurp /juːˈzɜːrp/	annex, grab, seize	معنی:سر عت/تندی/چابکی کد:یوسف همه چی رو غصب کرده!
paltry /ˈpɔːltri/	of little importance	معنی: غصب کردن/تصاحب کردن کد:پول+زوری خیلی بی ارزش و ناچیزه!
		معنی:بی ارزش/ناچیز
condone /kənˈdəʊn/	pardon, excuse	ک: condone = consideration + done ~ you do not consider STH anymore
		کد۲:از کندن برگ درختان چشم پوشی کنید!
		معنی:نادیده گرفتن/چشم پوشی کردن
trivial /ˈtrɪviəl/	petty, worthless	کد:شوخی با پولهای نراول اصلا چیزه بامزه ای نیست!! کد۲:هنگام مسافرت travel از شوخی بی مورد پر هیز کنید!
		معنی:بیهوده/بی مزه
bizarre /bɪˈzɑːr/	fantastic, odd	کد:از ادمهای عجیب غریب بیزارم! کد:تصور کنید چندتا بز میبینی که رفتند بالای درخت خیلی عجیبند به دوستت میگی بزارو بزارو!!
menial	degrading, humble	معنی: عجیب و غریب/شگفت انگیز کد:ادمهایی که به بخاطر مال و منال دنیا بی خیال همه چی میشن ادمهای پستی هستند!
/'mimial/		پستی هست: کد۲:mini +پل (پهلوان/یل)! مینی یل به چیز ای بی اهمیت و پست توجه
/ˈmiːniəl/		نميکنه!

	معنى:محترم/قابل احترام/ارجمند
not belonging, foreign	معنی: نامر بوط/بی ربط
undefined, vague, not specific	کد:I'm big in usa! یعنی چی؟ حرفهای مبهم و نامشخص میزنی؟؟؟؟
	معنی:مبهم/نامشخص
concise, brief	کد:قبلا سکه ی سنت (cent) خیلی مختصر و فشرده بود!
	معنی:مختصر امو جز افشر ده
out of date	کد:آرک ۱ اولین و باستانی ترین ارک جهان هست!
	معنی:کهنه باستانی
strive to equal, rival	كد:صد دفعه كفتم يه املت ساده درست كن انقد چشم و هم چشمى نكن!
	معنی:همچشمی کر دن/ر قابت کر دن
humorous, comical, witty	كد:فيس شيث! Face+شيث قيافه ى شيث شوخ و هيجانى ست!
	معنی: هیجان/شو خ/لوس
furious, mad, fanatical	کد:یه سری خرگوشها(rabbit)هم خیلی دیگه بد اخلاقند که بهشون میگن rabid !
	. E . S. L
wholesome, healthful	معنی:بد اخلاق/متعصب/خشمگین کد:سالی بی روس خیلی مفید و سالمیست واسه ایران! سال+بی+روس (روسیه)
	معنى:سالم/قابل احتر ام/مفيد
	undefined, vague, not specific concise, brief out of date strive to equal, rival humorous, comical, witty furious, mad, fanatical

هفته سی وسوم		
complacent	self-satisfied	کد:کم پلیسند که از خود راضی نباشند
/kəmˈpleɪsənt/		کد۲:کمپرسی ها خیلی به خودشون مغرورند!
		معنی:مغرور/تن اسا/خود خشنود
somber /'sa:mbər/	sad, gloomy	کد:some +بر و بر ! بعضیا میشینن برو بر نگات میکنن چون افسرده اند!
		معنی:غم انگیز/افسرده
debilitate /dɪˈbɪlɪteɪt/	Weaken	کد:ability رو در نظر میگیریم که میشه توانایی debility متضادشه میشه ناتوانی و در اینجا پسوند ate همانگونه که قبلا هم گفتم فعل سازه
impotuaus	Impulsive	معنی: ناتوان کردن/ضعیف کردن کد: یتوی اصفهانیه رو بر میدارن با لحن تند و ناراحت میگه این پتو
impetuous /ımˈpetʃuəs/	impulsive	مد. پنوی اصفهایه رو بر میداری با نخل نند و در اخت میاه این پنو اس! مال من اس!
		معنی:بی پروا/تند و شدید
occult /ˈaːkʌlt/	supernatural, mysterious, secret	کد: اون کلت (اسلحه ی کلت)! با اون کلت ادم کشتی بزار سری و پوشیده بمونه به کسی نگو!
		معنی پوشیده/نهانی/سری
discreet /dɪˈskriːt/	prudent, careful, cautious	کد: دستگیره ات!! توی باز کردن دستگیره ات (دستگیره ی ماشین) همیشه با احتیاط باش!
		معنى:با احتياط/فروتن/محتاط
foment /fəʊˈment/	stir up, instigate	کد:خیلی تحریک شدم برم فومنتون (شهر فومن شما)!
		معنی:تحریک کردن/بر انگیختن
glean /gliːn/	collect, gather	کد:وقتی زمین کشاورزی رو glean میکنن (خوشه چینی) clean میشه (تمیز /پاک)
		معنی:جمع کردن/خوشه چینی کردن
quarry /ˈkwɒri/	something hunted or pursued	کد:کوری ؟ ؟ ؟ ؟ او نجار و ببین شکار شکار رو!
		معنی:شکار /شکار کردن/منبع
slovenly /ˈslʌvənli/	disorderly, carelessly	کد:کشور اسلوونی اصلا معروف شده به کشوری که همه مردمش نامرتب اند!
		معنى:نامرتب/ژوليده
abjure /əbˈdʒʊər/	abstain from, renounce	ی. کر . کرو . کد:مگه قسم نخوره بودی؟؟؟؟ سوگند شکستی و ابجورو خوردی یا نه ترک کردی؟؟؟
		کد۲:اب+جور مگه جور درمیاد که اب رو ترک کنی؟!×؟!؟× معنی:سوگند شکستن/برای همیشه ترک گفتن

rebuke, reprimand	کد:بابات بهت میگه بچه همه شیرشو ریخت روفرش! سرزنشش کن و سرکوفت بزن بهش!
	معنی:سر کو فت/سر زنش کر دن
rogratful confaccing	معنی سر خوقت اسر رئس خردن
guilt	معنی:توبه کار /پشیمان
momentary, passing,	کد:حتی گروه ایونسس (گروه خواننده ی معروف خارجی) هم در
fleeting	این دنیا نمیماند و پایدار نیست!
	معنی: زودگذر /گذر ا/ناپایدار
identical, equivalent	کد:یه بچه که نوک زبونی حرف میزنی بهت میگه تنتا(چندتا)+month مساویه یه ساله؟! ×؟!؟×؟!
	معنى: همپایه/بر ابر /معادل
bent, inclination, disposition	کد:proper+city این روزا همه دنبال یه شهر درست و سالم اند و میل و رغبت دارن که تو همچین شهری زندگی کنند.
	معنى:گر ایش/میل/ر غبت
watchful, shrewd	کد:هر مُوقع نگرانی (worry) حواست به همه جا هست و هوشیاری (wary)
	معنى:با احتياط/هوشيار/با ملاحظه
soothe, calm	کد:all lay and calm down! all+lay دراز بکشید و اروم باشید همتون!
	معنی:ار ام کر دن/از شدت چیز ی کاستن
discourage, hinder	کد:دکتر رفتن بچه هارو میترسونه!!! Deter=doctor!
	معنى باز داشتن/تر ساندن
Expert	کد:اگه دقت کرده باشین کمیسر ها خیلی خبره و ماهرند!
	معنی:خبره
	regretful, confessing guilt momentary, passing, fleeting identical, equivalent bent, inclination, disposition watchful, shrewd soothe, calm discourage, hinder

هفته سی و چهارم		
site	Location	
/sait/		معنى:موقعيت/جـا/مكان
		تعملی مولیس به به به در
cumbersome	burdensome, unwieldy	کد:کمپ سام خیلی جای بدیه و کارش هم خیلی سنگینه!
/ˈkʌmbərsəm/		
,		
		معنی:سنگین/مایه <i>ی</i> زحمت
vigil	wakeful watching	کد:اگه میخوای شب زنده داری کنی اجیل بخور! اجیل و ویجیل!!!
/ˈvɪdʒɪl/		
		معنی:شب زنده داری/احیا
interrogate	Question	کد:اینتر +got تیم اینتر رو خواستن که ازش بازجویی و تحقیق کنن!
/ınˈterəgeɪt/		
		معنی:تحقیق کردن/بازجویی کردن کد:دیبا+لج! دیبا لج کرد و کتابشو منتشر کرد!
divulge	reveal, disclose	حد دیب ۱۰ بیا نج کرد و کتابسو منسر کرد!
/daıˈvʌldʒ/		
		. Clair. Car.
fluctuate	alternate, shift	معنی:منتشر کردن/افشا کردن کد:فلاسک+چاییت رو تکون نده بالا پایین میشه میریزه!!!
/ˈflʌktʃueɪt/	dicernate, sinit	
		معنی:بالا پایین رفتن/نوسان داشتن
unmitigated	as bad as can be,	ک: اثرحرفهای اون میتینگ ات (meeting) هنوز کم نشده ! کد:اثرحرفهای اون میتینگ ات (meeting)
/ʌnˈmɪtɪgeɪtəd/	unrelieved	
		معنى:كاسته نشده/تخفيف نيافته
commodious	spacious, large	معنی حاسته نسته احقیقت نیافته کد:اصفهانیه بهت میگه این کمدی اِس خیلی جادار و سودمند!
/kəˈməʊdiəs/		
		معنی:جادار <i>اب</i> ه کار خود/سودمند
antiquated	out-of-date, obsolete	کد:این دیگه یه کلمه ی پر کاربرد در فارسیه چیزی که قدیمیه رو بهش میگن انتیک!
/ˈæntɪkweɪtəd/		میکل اللیک!
d'ale a calla d	diament destricts	معنی:کهنه/منسوخ/قدیمی/متروک کد:(dis+sheve(shave) اگه یه شخصـی که مرتب نیست بهش میگن
disheveled /diˈʃevəld/	disorderly clothing or hair	ک:(als+sneve(snave) اکه یه سخصی که مرتب نیست بهش میکن ژولیده و نامرتب
, ur jevalu,	Hull	
		معنى: پريشان/نامر تب/اشفته
tenacious	stubborn, tough	کد:تن+شیث رضایی! تن و بدن شیث خیلی محکم و سفته!
/tɪˈneɪʃəs/		
		معنى:محكم/چسبنده/سفت/استوار
façade	superficial	کد:فساد! نمای سر در خانه ای که به فساد تبدیل شده بود به طور کلی سوده ژدا
/fəˈsɑːd,/	appearance, front	برچیده شد!

		معنی نمای سر در/ نمای خارجی
asinine /ˈæsɪnaɪn/	stupid, silly	کد:کسی که ۹ بار (nine) عاصی بشه و کاری نکنه واقعا ابله و نادانه!
	focial auguspacion of	معنی:نادان/ابله کد:دوستت که اصفهانیه بهت میگه قیافت گریم اس یا اینکه ادا و شکلک
grimace /griˈmeɪs,/	facial expression of disgust	در میاری؟!؟!؟!!!
		معنی:ادا و اصول/شکلک
calumny /ˈkæləmni/	slander, false accusation	کد:کلام نیست (کلاهم نیست) رسوا شدم بدبخت و گرفتار شدم!
		معنی:ر سو ایی/بدنامی
pittance /ˈpɪtəns/	small amount	کد:bit +انس! یه مقدّار جزئی میشه دیگه! bit =ذره/تکه
		معنی:مبلغ جزئ <i>ی/چ</i> ندر غاز
au courant /ˈɒːkʌrənt/	up-to-date	کد:اون رو از occurrence (اتفاق) پیش امده اگاه کن!
		معنی:در جریان روز ِ امطلع/باخبر
fastidious /fæˈstɪdiəs/	choosy, particular	کد: اصفهانیه بهت میگه طرّف فست فودی اِس؟!؟!؟!؟ پست خیلی سخت گیر اِس !
		معنی:سخت گیر /باریک بین/ مشکل پسند/
noisome /ˈnɔɪsəm/	unwholesome, foul	كد:نظام! نظام ديكتاتوري واقعا مضره واسه جامعه و خيلي هم نامطلوبه!
		معنى:نامطلوب/مضر
unkempt /ˌʌnˈkempt ◀/	neglected, untidy	کد:اون کمپت خیلی نامر تبه! (اون کمپی که توش ساکن شدی خیلی نامر تبه)
		معنى: ژوليده/نامرتب

هفته سی و پنجم		
parable /ˈpærəbəl/	a moralistic story	کد:سعی کن هر مثالی که میاری بهش پروبال بدی تا ماندگار بشه تو ذهن!!
whimsical /ˈwɪmzɪkəl/	witty, humorous	معنی:مثال/تمثیل/قیاس/نمونه کد:وام+زگیل! وامی که مثل زگیل بهت بچسبه وسواست میکنه و بهت میگن دهن بین !
lampoon /læmˈpuːn/	Ridicule	معنی:وسواسی/دهن بین/غریب کد:با کنایه به دوستت میگی طرف هر چی تو خونه بود اومد لمبوند و رفت!!!!
countenance /ˈkaʊntɪnəns/	approve, tolerate	معنی:کنایه/هجو /هجو کردن کد:count on us رو ما حساب کن تشویقت میکنیم!
sanctimonious /ˌsæŋktɪˈməʊniəs ◀/	hypocritically religious	معنی:قیافه <i>ار خ ا</i> نشویق کر دن کد: سنگ تی مانند مقدس است!
equanimity /ˌiːkwəˈnɪmɪti/	self-control	معنی:مقدس نما کد:اکو نعمتی محیط ارامی بهمراه متانت برای شما به ارمغان می اورد! (تبلیغات!!)
effrontery /ıˈfrʌntəri/	Boldness	معنی:متانت/ار امی کد: for every discussion he comes to the FRONT and arguesIn a rude manner.
Nonentity /np'nentiti/	one of no importance	معنی:جسارت/گستاخی/خیرگی کد:این کلمه هم نیاز به کد نداره کافیه که تک تک بخونیمش non(e)+entity همونطوری که معنی entity رو میدونیم میشه وجود و حدس زدن کامل کلمه اسان میشود.
Flabbergasted /ˈflæbəgɑːstɪd/	Astounded	معنی:چیز غیر موجود/چیز و همی و خیالی کد:به طرف میگی جنس شلوارت چیه میگه فایبرگلاس!!!! مات و مبهوت میمونی!!
debacle /deɪˈbɑːkəl,/	collapse, ruin	معنی:مبه <i>وت/متحیر</i> کد:دبه+کل! کل دبه ی اب رو ریخت و افتضاح به بار اورد!!!!!
vivacious /vɪˈveɪʃəs/	gay, lively	معنی:افتضاح/سرنگونی کد:با خوشحالی میگی : ویوا +شیث!!! سرزنده باد شیث!!! Viva=زنده باد

		معنى:خوشحال/با نشاط/سر زنده
gaunt	haggard, thin	معی فرستان به تصافر میرود. کد:گونه ات بره تو معلومه که لاغر میشی!
/gp:nt/	naggara, timi	
/gb.iit/		
		معنى: لاغر /نحيف/ز ننده
mien	bearing, appearance	عدی. <i>د حر بسید بر</i> د. کد:مین رو جلوش منفجر کردن تا قیافش رو ببینن چه شکلی میشه!
/miːn/	searm.g, appearance	
/ IIII.II/		
		معنى:سيما/و ضع/قيافه
hirsute	Hairy	منافیه اول کلمه رو hair بخونیم که میشه مو! حدس زدن معنی راحت
/hɜːrˈsuːt/	,	تر میشه.
/115.1 3u.t/		
		معنی:مودار/پرمو/پشمالو
refute	prove wrong, disprove	کد:همون refuse که به معنای رد کردن و نپذیرفتن هست میشه!!
/rıˈfjuːt/		
711 1Jane,		
		معنی:رد کردن/تکذیب کردن
pensive	reflective, thoughtful	کد:چیزی که expensive (گرون)باشه ادمو افسر ده میکنه و تو فکر
/ˈpensɪv/		مييره!
		معنى:افسر ده/انديشناك/محزون
whet	stir up, stimulate	کد:wet یعنی خیس whet یعنی بر انگیختن!
/wet/		
,,		طرف رو wetخیس کردیمwhet عصبی شد
		معنی:تیز کردن/بر انگیختن
stupor	insensible condition,	کد:همون stupid میشه که تقریبا تلفظشون نزدیکه به هم.
/ˈstuːpər/	daze	•
, sta.poi,		and the second
	flingh duant hagir	معنی: خرفتی/گیجی/کند ذهنی کد:اونایی که وینستون میکشن (سیگار) اخرش به لرزیدن می افتند!
wince	flinch, draw back	ك. اوتايي كه ويعسون ميدس (سيحر) الحرس به ترزيين مي التنه ا
/wins/		
1. 1. /		معنی:لگد پر انی/لر زیدن/رمیدن کست داری از کان کردنده برای داری داری در این داری داری داری داری در این داری داری داری داری داری داری داری داری
cliché	a commonplace	کد:بعضی ها برای کلیشه کردن یه موضوع از حرفهای مبتذل استفاده میکنن!
/kliːˈʃeɪ/	phrase	مين سن! - المادين المادي
		معنی:کلمه ی مبتذل

هفته سی و ششم		
genre / ˈʒɑːnrə/	a certain form or style in painting or literature	کد:این کلمه خیلی پرکاربرده در فارسی مثلا برای انواع فیلم ها میتونیم بگیم ژانر یا همچنین انواع موسیقی
candid /ˈkændɪd/	open, honest, frank	معنی:نوع/دسته/قسم/جور کد:کاندیدایی که انتخاب میشن باید بی تزویرو راستگو و صاف و ساده باشن.
unsavory /ʌnˈseɪvəri/	morally bad, disagreeable, offensive	معنی:بی تزویر اصاف و ساده ار استگو کد:غذایی که تو اون ماشین سواری خور دیم (اون سواری) خیلی بی مزه و بدمزه بود.
degrade /dɪˈgreɪd/	lower, make contemptible	معنی:بی مزه/بد مزه/ناخوشایند کد:پیشوند de به معنای منفی کننده ی کلمه به کار میره و کلمه ی grade میدونیم که درجه است مثلا میگی درجشو اوردی پایین/شخصیتشو خورد کردی!
venial /'vi:niəl/	forgivable, pardonable	معنی: پست کردن /تنزل کردن کد: دانیال و ونیال رو ببخش!
epitome /ıˈpɪtəmi/	person or thing that represents the best	معنی:بخشیدنی/قابل عفو معنی:خلاصه/خلاص رئوس مطلب
dexterity /dek'steriti/	physical or mental skill	کد: فیلم دکستر رو دیده باشین میبینید نقش اولش خیلی زرنگ و باهوشه!
grotesque /grəʊˈtesk/	fantastic, strange, bizarre	معنی:چابکی/چالاکی/تردستی کد:دوستت رفتارش عجیب غریب میشه یهو بهت میگه بیخیال کار شدم گور بابای +task ! گور+task
compassion /kəmˈpæʃən/	kindness, sympathetic feeling	معنی:عجیب غریب/بی تناسب/مضحک کد:کم بپاشن! دارن دوستت رو خیس اب میکنند میای از روی دلسوزی میگی کم بپاشین!
repugnant /rɪˈpʌgnənt/	repulsive, distasteful	معنی:دلسوزی/رحم/شفقت معنی:مخالف/زننده
acme /ˈækmi/	zenith, pinnacle, peak	Like acne=high points on :عد skin(pimple).Acme=Highest point in ones work.
		معنى:او ج/نقطه كمال

copious /'kəʊpiəs/	plentiful, abundant, ample	كد:چندتا كپى با هم ميشه تعداد فراوان كپى !
		معنی:فر او ان/تعداد زیاد
vehemently /'vi:əmənt/	passionately, violently, eagerly	
		معنی:شدید/باحر ارت زیاد
depict /dıˈpıkt/	portray, picture, describe clearly	کد: Depicture!
		نمایش دادن به و سیله ی طرح و نقشه
naive /naıˈiːv/	unsophisticated, unworldly	نمایش دادن به وسیله ی طرح و نقشه کد:ساخت ناو های جنگی توسط افر اد ساده لوح و ساده دل صورت گرفت.
		معنى:ساده لوح/ساده دل كد:بدقولى پُرفايدس واسه بدقولها؟!؟!؟!؟!
perfidious /pəˈfɪdiəs/	false, treacherous	كد:بدقولى پُرفايدس واسه بدقولها؟!؟!؟!
		معنى:سست پيمان/بدقول
covet /ˈkʌvɪrt/	wish, envy, want	کد:به اشناتون میگی گاوت رو ازت گرفتن معلومه تمایل داری که باز م داشته باشی طمع داری بهش!!
		معنی:طمع به چیزی داشتن/میل به تملک چیزی کردن
ingratiate /ınˈgreɪʃieɪt/	charm, win confidence	
7m greijien,		معنی:خود شیرینی کردن/مورد لطف قرار دادن
penury /ˈpenjʊri/	Poverty	کد:غذای فقرا و محتاج ها نون و پنیری بیش نیست.
		معنى:فقر/احتياج/تنگدستى
ignominious /ˌɪgnəˈmɪniəs/	disgraceful, humiliating	کد:اگه+ناموس اش رو دوست داشت رسوایی به بار نمی اور د.
		معنی:رسوا/ننگ اور

	س <i>ى</i> و هفتم	هفته
confront /kənˈfrʌnt/	come face to face with	کد:وقتی کنفرانس داری با خیلی چیزا باید مواجه بشی!
		معنی:مواجه شدن/مقابله کردن/روبرو شدن معنی:مواجه شدن/مقابله کردن/روبرو
antipathy /ænˈtɪpəθi/	unadorned, simple, hard	CAN REMEMBER IT AS OPPOSITE OF sympathy. :عز RHYMING n OPPOSITE WORDS - antipathy n sympathy
		معنی:احساس مخالف/ناسازگاری
servile /ˈsɜːrvəl/	submissive, slavish	کد:خیلی از سروان های خارجی پست و چاپلوس اند!!
volition /vəˈlɪʃən/	supportable, defendable	معنی:پست / چاپلوس کد:کسایی که اراده ندارن رو ولشون کن!
		معنی:خواست/ار اده
sojourn /ˈsoʊdʒɜ:rn/	temporary stay	کد:این کلمه توی تلفظ یه ذره متفاوت کدبندی میشه اقامت کردن موقتی هم در جاهای مختلف خیلی گرونه SO+ گرون
		معنى:موقتا اقامت كردن
austere /ɒːˈstɪr/	hate, distaste, dislike	کد:استر! دوختن استری لباس برای خیاطها خیلی ریاضت کش و سخته!
felicitous /fɪˈlɪsɪtəs/	Нарру	معنى:سخت ارياضت كش كد:سوار شدن به فيل شيث لذت بخشه!!!!! (باز هم شيث!!!)
halcyon	calm, peaceful	معنی:شاد/لذت بخش کد:حال اساسیه! ایام خوب گذشته حال اساسی به ادم میده!
/ˈhælsiən/		
	16.22.2.211.2.2.2.2	معنی:ایام خوب گذشته/مرغ افسانه ای کد:تن+یِل (دانشمند) تن و بدن بل دانشمند معروف میتونست نگه داشته
tenable /ˈtenəbəl/	choice, willpower	کدین چین (دانشمند) کی و بدن بن دانشمند معروف میتونشت که دانشه شه ولی مدافعی نداشت که این کارو بکنه واسش!
		معنى:نگاه داشتنى/قابل مدافعه/قابل تصرف
superfluous /suːˈpɜːrfluəs/	surplus, excessive	:ك when there is large(super) flow of water, it becomes EXCESSIVE / OVERABUNDANCE of water
		معنی:زائد/زیادی
motivate /'məʊtɪveɪt/	provoke, stimulate, inspire	معنی:انگیختن/تحریک کردن
rationalize /ˈræʃənəlaɪz/	use or give a reason other than the real one	کد:روی شنها لیز میخوری فکر میکنی منطقیه کارت؟!؟!؟!؟!؟
		معنی:منطقی کر دن/عقلانی کر دن

nascent provoke, stimulate, inspire provoke, inspire	therapy /'θerəpi/	curing or healing process	کد: تر اپی مثل فیزیوتر اپی/کانال تر اپی/ر ادیوتر اپی همشون یه نوع در مان هستند.
را به المعنى بيدابش المرحل تولد المعنى بيدابش المرحل تولد المعنى بيدابش المرحل تولد المعنى بيدابش المرحل تولد المعنى بيدابش المعنى بيدابش المرحل تولد المعنى المواد للمعنى المواد المعنى المعن			معنى:درمان/علاج/معالجه
iconoclast /alˈkonaklæst/ alˈkonaklæst/ attacker of beliefs, image-breaker erudite / erodait/ / erodait/ phobia / faobiə/ germane / dʒɜːrˈmein/ bi close relationship to, appropriate photia / 'vɜːrtɪgoʊ/ bi close relationship to, appropriate Dizziness conducive conducive attacker of beliefs, image-bleaker wery scholarly R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. (a conducive phobia / R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. (a conducive R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. (a conducive propriate phobia / reproducive persistent fear bi close relationship to, appropriate phobia / vairtigoʊ/ bi close relationship to, appropriate conducive phobia / reproducive persistent fear propriate phobia / reproducive persistent fear propriate phobia / reproducive persistent fear propriate propriate phobia / reproducive propriate propriate phobia / reproducive propriate prop			كد: همه بچه ها در حال پيدايش و هنگام بولد تارند!
iconoclast /alˈkonaklæst/ alˈkonaklæst/ attacker of beliefs, image-breaker erudite / erodait/ / erodait/ phobia / faobiə/ germane / dʒɜːrˈmein/ bi close relationship to, appropriate photia / 'vɜːrtɪgoʊ/ bi close relationship to, appropriate Dizziness conducive conducive attacker of beliefs, image-bleaker wery scholarly R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. (a conducive phobia / R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. (a conducive R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. (a conducive propriate phobia / reproducive persistent fear bi close relationship to, appropriate phobia / vairtigoʊ/ bi close relationship to, appropriate conducive phobia / reproducive persistent fear propriate phobia / reproducive persistent fear propriate phobia / reproducive persistent fear propriate propriate phobia / reproducive propriate propriate phobia / reproducive propriate prop			معنی:بیدایش/در حال تو لد
R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. Phobia phobia Strong dislike, persistent fear Strong dislike, persistent fear Probia Are you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. Probia Probia R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. Strong dislike, persistent fear Probia Probia			كد:ايكون كلاس بت شكنه!
R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. Phobia phobia Strong dislike, persistent fear Strong dislike, persistent fear Probia Are you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. Probia Probia R you a deity? Are you a deity; deities are gods and know it all. Strong dislike, persistent fear Probia Probia			معنی:بت شکن
کد:بفربیا=خوبیا! خوبیهات باعث میشن ترس بیخود و استرس نداشته باشی. / ˈfaʊbiə/ germane / dʒɜːrˈmeɪn/ vertigo / ˈvɜːrtɪgoʊ/ Dizziness Dizziness معنی:سرگیجه/دوران سر معنی:سرگیجه/دوران سر کد:میکر که عربی کی دور کار سودمندیست! Leading, helpful strong dislike, persistent fear in close relationship to, appropriate bin close relationship to, appropriate conducive bin close relationship to, appropriate conducive strong dislike, persistent fear strong dislike, persistent fear strong dislike, persistent fear bin close relationship to, appropriate conducive li close relationship to, appropriate bin close relationship to, appropriate conducive leading, helpful		very scholarly	R you a deity? Are you a deity; deities are gods and
persistent fear / ˈfaʊbiə/ germane / in close relationship / dʒɜːrˈmeɪn/ wertigo / vɜːrtɪgoʊ/ bizziness persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persistent fear persi			
germane in close relationship dy غیلی زود وابسته میشن! (Germany) غیلی زود وابسته میشن! (dy conducive in close relationship to, appropriate in close relationship to close relat	· ·		كد:فوبيا=خوبيا! خوبيهات باعث ميشن ترس بيخود و استرس نداشته باشي.
germane in close relationship dy غیلی زود وابسته میشن! (Germany) غیلی زود وابسته میشن! (dy conducive in close relationship to, appropriate in close relationship to close relat			معنے ، تر س ریخہ دانشہ بش ر
vertigo العلام وقتی که سرگیجه داری نمیدونی کجا بری where+ too +go وقتی که سرگیجه داری نمیدونی کجا بری where+ too +go دیگه!!! معنی:سرگیجه/دوران سر معنی:سرگیجه/دوران سر کد:کندو leading, helpful العلام کار سودمندیست!	_	-	
vertigo العلام وقتی که سرگیجه داری نمیدونی کجا بری where+ too +go وقتی که سرگیجه داری نمیدونی کجا بری where+ too +go دیگه!!! معنی:سرگیجه/دوران سر معنی:سرگیجه/دوران سر کد:کندو leading, helpful العلام کار سودمندیست!			معني، استه
Save+ کد:کندو +save نجات دادن یک کندو کار سودمندیست! leading, helpful		Dizziness	کد: where+ too +go وقتی که سرگیجه داری نمیدونی کجا بری
Save+ کد:کندو +save نجات دادن یک کندو کار سودمندیست! leading, helpful			معنے اسد گنجه/ندور ان سر
		leading, helpful	کد:کندو +save نجات دادن یک کندو کار سودمندیست!
معنى:سودمند/موجب شونده			معنے ریسو دمند/مو جب شو ندہ

هفته سی و هشتم		
glib /glɪb/	smooth of speech	كد:قالبش خيلى روانه! (تفاوت در تلفظ)
homogeneous	uniform, same	معنی:روان/سلیس/چرب زبان کد:این لغت به راحتی کد گذاشته میشه کافیه تلفظش رو با همجنس مطابقت بدیم که معنیش هم هم جنسه!!
/həˈmɒdʒɪnəs/		
malleable /ˈmæliəbəl/	capable of being formed or shaped	معنی:هم جنس/یکجور/مشابه کد:!many+able خیلی(many) از فلزات قابلیت (able) چکش خوری دارند!!
legerdemain /ˌledʒərdəˈmeɪn/	deceptive adroitness, sleight of hand	معنی:چکش خور/نرم و انعطاف پذیر کد:larger than main با تردستی و شعبده بازی میشه ی چیزی رو خیلی بزرگتر از اونچیزی که هست نشون داد!!
trend /trend/	general direction	معنی: تر دستی/شعبده بازی کد: تیر انداز ها تمایل به تیر اندازی دارند!
stagnant /ˈstægnənt/	inactive, dull, motionless	معنی:تمایل/گرایش کد:ایستک+نان بازارش کساد و راکده!!
fatal /'feɪtl/	disastrous, deadly	معنی:بدون حرکت/راکد/ایستا کد: (فتل)فتحعلی شاه پادشاهی بود که دوران مصیبت امیزو کشنده ای رو برای ایران به وجود اورد.
passé /pæˈseɪ/	old-fashioned, outmoded	معنی:کشنده/مهلک/مصیبت امیز کد:این درس که پاسه! چون قدیمیه خوندمش!
procrastinate	put off, delay	معنی:کهنه/قدیمی
/prəˈkræstıneıt/		معنی:پشت گوش انداختن/به تاخیر انداختن
facet /'fæsɪt/	one side or view of person or situation	کد:شباهتش با face
foist /fɔist/	pass as genuine, pass off slyly	معنی:صورت کوچک/شکل کد:فایسا=وایسا جانزن!!

		معنی:جاز دن/قالب کر دن چیز تقلبی
stigmatize /ˈstɪgmətaɪz/	to mark with a disgrace	کد:کسی که نمره ی چشم استیگماتیسم داره نباید مسخره کرد و لکه ی ننگ بهش زد.
capitulate /kəˈpɪtʃʊleɪt/	make terms, surrender	معنی:لکه دار کردن/داغ ننگ زدن بر کد:capi(captain)+too+late توی کشتی بهتون حمله شده به کاپیتان میگی capi+too+late کاپیتان خیلی دیر شده باید تسلیم بشیم!
audacity	daring, boldness	معنی:تسلیم شدن/سر سپردن کد:audio+city شهری که سرو صدا زیاد باشه گستاخی و جسارت هم
/ɔːˈdæsɪti/		زياده.
tantalize /'tæntəl-aız/	tease or torment by offering something good, but fail to deliver	معنی:جسارت/گستاخی/بی پروایی کد: چند تا لایز (lies) تلفظ یه بچه که به جاش میگه تنتلایز و بقیه رو دست میندازه!! معنی:کسی را دست انداختن/ازار دادن
retort /rɪˈtɔːrt/	reply, answer	معنی بستی را نست الداخش از این کند: جواب متقابل رو روی تورت (تور بسکتبالت) بده اگه جرات داری!
		معنی:جو اب متقابل/تلافی/تلافی کر دن معنی:جو اب متقابل/تلافی/تلافی
reticent /'retisənt/	reserved, silent	كد: 50cent زياد حرف ميزنه ولى reticent كم حرف وساكته!!
tacit /'tæsıt/	not stated, understood, implied	معنی:کم گو/ساکت tacit ~ take it; imagine you are giving permission :کد to someone to take something from your roomBut you didn't say it verbally but via your actions.
		معنی:ضمنی/خاموش/به ار امی و سکوت کد:she+کینه ای است و همش دنبال حیله بازی.
chicanery /ʃɪˈkeɪnəri/	underhandedness, trickery	حد:sne+حیله ای است و همس دنبال حیبه باری.
		معنی:حیله بازی/ضدونقیض گویی
docile /ˈdɑːsəl/	easy to manage	کد:سربه راه کردن و تعلیم برادرش دو سال طول کشید!
		معنی سربه راه/ر ام/تعلیم برادر

هفته سی و نهم		
saga /ˈsɑːgə/	heroic story	کد: اختراع دستگاه سگا (کنسول بازی بچه ها) حماسه ای برای مردم اسکاندیناوی بود.
		معنی:حماسه/حماسه ی اسکاندیناوی
belated /biˈleɪtɪd/	delayed, late	کد:کافیه جدا جدا بخونیمش be+late
		معنی:دیر شده/از موقع گذشته
decrepit /dɪˈkrepɪt/	worn out, broken down	کد:در پیت! سالخوردگی و ضعیف شدن خیلی در پیت و مزخرفه!
		معنی:سالخورده و فرتوت/ضعیف و ناتوان
imperturbable /ˌımpərˈtɜːbəbəl/	serene, steady, calm	كد:امپرت رُو تُوى بابل تنظيم كن! وقتى رُفتيم بابل خونسرد باش و امپرت نزنه بالا !!
		امپر +توی+بابل!
va cillata	fluctuate, hesitate	معنی:ار ام/خونسر د/ساکت کد:بر ای خرید اون وسیله مردد بودم!
vacillate /ˈvæsɪleɪt/	nuctuate, nesitate	فد برای کرید اون وسید مردد بودم
		معنی:تردید داشتن/دل دل کردن/مردد بودن
staunch /sta:ntʃ/	firm, trusty, strong	كد:استانكويچ وفادار ترين مربى تيم ملى بوده!!
		معنى:وفادار/بي شائبه
opprobrium /əˈprəʊbriəm/	insult, scorn	کد:ابر های بارانی! ببارید و این ننگ و زشتی را پاک کنید!
		معنی:رسوایی/ننگ/زشتی
Machiavellian /ˌmækiəˈveliən ◀/	not principled, governed by opportunity	معنی: وابسته به عقاید سیاسی ' ماکیاولی
Unconscionable /ʌnˈkɒnʃənəbəl/	unreasonable, without conscience	معنی:خلاف و جدان/بی و جدان
Pandemonium /ˌpændɪˈməʊniəm/	uproar, disorder	کد: پند+مانی پند و نصیحت کردن مانی در دوزخ و کاخ شیطان برگزار میگردد!
		معنی:کاخ شیطان/دوزخ/مرکز دوزخ کد:از پروازشون(fly) ایراد بگیر! (flay)
flay /fleɪ/	scold harshly, strip off the skin	کد:از پروّازشون(fly) آبراد بگیر! (flay)
		معنی: سخت انتقاد کر دن/پو ست کندن از

demeanor /dɪˈmiːnər/	bearing, conduct	کد:کافیه اینجوری بخونیدش !!the manner
delineation /dɪˈlɪnieɪt/	description in words, sketch	معنی:رفتار /سلوک/وضع کد:دلی+nation دلی(دل ارام) قوم خودشو توصیف کرد و به تصویر کشید!
/ur illileit/		معنى:طرح/تصوير/توصيف
vindicate /'vindikeit/	justify, absolve	کد:!win the case وقتی توی ی قضیه برنده میشی صددرصد حمایت و پشتیبانی داشتی!
heinous /'heinəs/	hatefully evil	معنی:حمایت کردن از /پشتیبانی کردن کد:هی + نحس! هی پسر اون کار نحس و زشته انجام نده!
turpitude /'tɜːrpətuːd/	evil, wickedness, vileness	معنی:رئست / شریر کد: !!!topper attitude کد۲:تر+پتو! پتوی ترت و خیست رو نیار خونه به فساد و گند کشیده میشه!
infraction /ın'frækʃən/	Violation	معنی:فساد/پستی کد:این فوری اکشن! این اکشن فوری شما تخلف در قانون محسوب میشه!
callous /ˈkæləs/	Unfeeling	معنی:تخلف/شکستن کد:روبرتو کارلوس خیلی بی عاطفه است و به خاطر بازی زیاد همه دست و پاش پینه زده!
redress /rɪˈdres/	to right a wrong	معنی: پینه زدن ابی حس ابی عاطفه کد: کافیه جدا جدا معنیشو در بیاریم re به معنای دوباره و dress به معنای پوشیدن میباشد.
vituperation /vɪˌtjuːpəˈreɪʃən/	abuse, blame	معنی:دوباره پوشیدن/جبران کردن کد: we+توپیدن! ما حسابی توپیدیم بهش و ناسزا گفتیم بهش!
		معنی:ناسز اگویی/تو هین/سر زنش

هفته چهلم		
rhetoric	use (sometimes	كد:
/ˈretərɪk/	exaggerated) of language	Rhetoric = right oral skills. If you have the right oral skills, you can communicate well.
		معنى: علم معانى بيان
clique /kliːk/	small, exclusive group of people	کد:رو ایکون مای کامپیوتر کلیک کنی یه دسته و گروه میاد!
		معنی:دسته/گر و ه/محفل
extol /ɪkˈstəʊl/	praise highly	کد:عکس+توله ات(عکس توله ی سگ) قابل تحسین و ستودنه!!
		معنى:تحسين كر دن/ستو دن
mentor /'mentɔːr/	tutor, counselor, coach	کد:مربی و معلم خوب در رو مانیتور میکنه تو ذهن!
		معنی:مربی/معلم سرخانه
facile /ˈfæsəl/	easily accomplished or attained	كد:فسيل ها خيلى اسان به دست ميان!
		معنی:اسان/به اسانی قابل اجرا
cant /kænt/	insincere or almost meaningless talk	کد:اونایی که سیگار کنت مصرف میکنن از یه زبون خاص استفاده میکنن که بر عکس همست!
		معن <u>ی:زبان</u> ویژه/گوشه دار <i>او</i> ارونه کردن
umbrage /ˈʌmbrɪdʒ/	offense, resentment	کد:اون-bridge اون پل باعث دلخوری مردم شده چون همه جا سایه شده باید خراب شه!
		معنی:نگر انی/سایه/تار یکی
magnanimous /mægˈnænɪməs/	noble, generous	محنی. حرامی است الموسه المخاو تمندی میاره! کد: مگنه ناموس=مقنعه ناموسه! سخاو تمندی میاره!
		معنى:سخاوتمند
vilify	malign, slander	
ʻvilifai]		معنی:بدگویی کردن از
elucidate /ıˈluːsɪdeɪt/	to make clear	كد:الو+صدات نمياد واضح و روشن حرف بزن و توضيح بده بهم!
		معنی:روشن کردن/توضیح دادن
vapid /'væpid/	dull, uninteresting	معنی روس کردن بوصیح دادن کد:ور پریده ی بی مزه!!!
		معنی بی مزه <i>ایی حس امر</i> ده
unwieldy	difficult to handle, bulky	معنی بی مره بهی حس بهرده کد:اونو ولش ده بابا! اون+ول+ده!! اونو ولش کن سنگین وزن و گندس!

/ʌnˈwiːldi/		
		معنی:سنگین/گنده
proximity /prɒk'sımıti/	Nearness	کد:پُراکسی+متری چنده نز دیکی شما؟!×؟!؟×
		معنى:نزديكي/مجاورت
lassitude /ˈlæsətjuːd,/	weakness, weariness	كد: لاسى+توده! توده ى لاسى و سستى!
		معنی:سستی/ر خوت/بی میلی
vitiate /ˈvɪʃieɪt/	destroy the use or value	کد:!wish he eat you چون همه جارو به فساد کشیدی و تباه کر دی.
		معنى:فاسد كردن/تباه ساختن
augment	increase, enlarge	augment is opposite of segment :ك
/ɔːgˈment/		که augment به معنای افزودن و زیاد کردنه و segment به معنای
		كوچك كردن و قطعه قطعه كردنه
		معنى:افزودن/زياد كردن
fatuous	inane, foolish, silly	fat+us!:ڬ
/ˈfætʃuəs/		توی کشور us (امریکا=USA) امریکایی هایی که چاق(fat) هستند رو احمق میدونن!!
		معني:احمق/بي شعور
contort /kənˈtɔːrt/	twist violently	کد:اگه پول کنتور ت (کنتور اب) رو پرداخت نکنی میان کنتور رو خراب میکنن و از شکلش میندازن!
		معنی:از شکل انداختن/ناهموار کردن
repertoire	works that an artist is	کد:این رَپِرها طوری فهرست نمایششون رو نشون میدن که انگار چه
/'repətwaːr/	ready to perform	خبره! (رپر=خواننده رپ)
		معنی:فهرست نمایش های اماده برای نشان دادن
imperceptible	extremely slight or gradual	
/ˌımpəˈseptɪbəl/	grauuar	معنی: دیده نشدنی/غیر قابل مشاهده
		معنی: دیده سندی/عیر قابل مساهده

	چهل و یکم	هفته
curry /ˈkɜːri/	to seek favor by flattery	کد:کاری! همون ادویه کاری هندی!
pall /pɒːl/	become dull, cease to please	معنی:کاری/زردچوبه هندی/مالیدن کد:اگه پول نداشته باشی از زندگیت بیزار میشی (pall)
succulent	Juicy	معنی:بیزار شدن/بی ذوق شدن کد:سه کیلو یونانی(شیرینی) تازه و اب دار بخر!
/ˈsʌkjʊlənt/		معنی:اب دار /شاداب/پر طراوت
satiety /səˈtaɪəti/	surfeit, excess, fullness	کد:سه تا یتیم! اونا سه تا یتیمی بودند که بی نیاز بودند.
intrinsic /ınˈtrınsık,/	inherent, within itself	معنی:سیری/بی نیازی کد:این کلمه رو باید با متضادش حفظ کنیم چون هم وزن هستند intrinsic # extrinsic درونی# بیرونی
potpourri /ˌpəʊpʊˈriː/	mixture, melody	معنی:درونی/ذاتی/اصلی کد:انواع و اقسام مر هم رو روی پات هنگام پیری بزن! پات+پیری
sanction /ˈsæŋkʃən/	surfeit, excess, fullness	معنی:تنوع/مخلوط و درهم کد:به طور رسمی تایید و تصویب شد که مردم سنگ روی شن نریزند!!
denote /dɪˈnəʊt/	mean, show, indicate	سنگ+شن معنی:تصویب/تایید رسمی کد:مفهوم دینت رو معنی کن و علامت بزار براش!
allude /əˈluːd/	suggest, hint	معنی:علامت گذار دن/معنی کر دن کد:یه اشاره ای هم باید به افراده الوده کرد!
insidious /ınˈsɪdiəs/	treacherous, sly, seductive	معنی:اشاره کردن/گریز زدن به کد:دوست اصفهانیت بهت میگه این سی دی اس! (CD) همون سی دی که توش پر از توطئست!!
propriety /prəˈpraɪəti/	correctness, suitability	معنی:توطئه/دسیسه کد:واژه ی proper رو میدونیم میشه درست و مناسب بنابراین از این کد استفاده میکنیم که برای درست (proper)بودن باید نزاکت (propriety) رو رعایت کرد!
		معنی:نز اکت/مراعات اداب نز اکت

advent	coming of an	advent=ad + went "went" is the past tense of :ك
/ˈædvent/	important event	go."ad vent" is opposite of "go" which is "come".(ie) "arrival".
		معنى:ظهور
impious /ˈɪmpiəs/	irreverent, lacking respect	كد:این پایه آست! پایه همه نوع خلاف! پس ادم بی دین و خدانشناسیه!
proffer	offer for acceptance	معنی:بی دین/خدانشناس/ناپر هیزگار کد:کار پروفسور ها همیشه پیشنهاد دادن دیگه!
/ˈprɑːfər/		معنی:پیشنهاد کر دن/پیشنهاد
spate /speit/	rush, flood	کد:اسبهات توی سیل گرفتار شدن!!
ale thale a leade	alogan not when a	معنی:سیل/سیلاب کد:بهش گفتن اگه امتحان رو قبول شدی واست یه شولت میخریم!!
shibboleth /ˈʃɪbəleθ/	slogan, pet phrase	س.پهس سن ته مست رو نبون ستی وست یا سوت میسریم:
		معنى:امتحان/از مون
bogus /ˈbəʊgəs/	fake, counterfeit	کد:اصفهانی بهت میگه این بوق اِس؟؟؟ تو میگی نه یه چیز جعلیه و ساختگی!(تفاوت در تلفظ)
		معنی:ساختگی/جعلی/قلابی
substantiate /səbˈstænʃieɪt/	ratify, confirm	کد:سباستین+شیعه! سباستین باید ثابت کنه که شیعه شده!
		معنی:اثبات کردن با دلیل و مدرک
nutritive /'njuːtrɪtɪv /	having nourishing properties	3 3 - 1 - 1 - 1 - 1
		معنی:مغذی/غذایی
raucous /ˈrɔːkəs/	shrill, harsh	کد: اهنگ راک خشن گوش میدی یه اصفهانی بهت میگه این راکِس! خیلی خشن اِس!
		معنی:خشن/ناهنجار /گوش خر اش
		معنی عسل المسجر الوس سر اس

هفته چهل و دوم		
quandary /ˈkwɒndəri/	dilemma, doubt	کد:کم داری؟!؟!؟ چرا گیج میزنی؟!؟!
callous /ˈkæləs/	unfeeling, hardened	معنی:گیجی/حیرت/سرگردانی کد:روبرتو کارلوس خیلی بی عاطفه است و به خاطر بازی زیاد همه دست و پاش پینه زده!
expedient /ık'spi:diənt/	fit, advisable	معنی:پینه زدن/بی حس/بی عاطفه کد:ویندوز اکس پی دین و زندگیته از بس مناسبه!! اکسپی+دینت
negligible /ˈneglɪdʒɪbəl/	inconsiderable, trifling	معنی:مناسب/مقتضی کد:بادیدنش یاد ناقابل می افتیم! Negligible=ناقابل
blasé /blɑːˈzeɪ/	indifferent, not responsive to excitement	معنی:قلیل/ناچیز کد:بلا+زی (زیست) زیست و زندگی بدون بلا باید بی نفاوت و بی اعتنا باشه!
comely /ˈkʌmli/	handsome, beautiful	معنی: بیزار از عشرت در اثر افراط درخوشی/بی تفاوت/بی اعتنا کد:بر عکس بروسلی،کاملی خیلی خوبرو و خوش منظره!!
ennui /ɒnˈwiː/	Boredom	معنی:خوبرو/خوش منظر کد:حسادت (envy) بیزاری و خستگی میاره (ennui)
frenetic /frɪˈnetɪk/	frenzied, frantic	معنی:بیز اری/ملالت/خستگی/دلتنگی کد: تقریبا تو یه دسته معنایی قرار میگیرن این گروه: frenzy=crazy=frenetic
artifice /ˈɑːtɪfəs/	strategy, trickery	معنی:دیوانه/شوریده/اتشی کد: کسی که art رو از روی face نشون میده اثری هنری خلق میکنه و استادی خودشو نشون میده!
diversity /daıˈvɜːsɪti/	change, variety	معنی: استادی/هنری/اختراع کد: دیوار +سیتی (city) اگه دقت کر ده باشین دیوار های شهر خیلی تنوع و گوناگونی دارند.
qualm	twinge of conscience	معنی:تنوع و گوناگونی کد:وقتی که اروم نیستی (calm) انگار به یه چیزی اعتماد نداری و مطمئن نیستی دیگه !!

/kwa:lm/		
		معنى:عدم اطمينان/حالت تهوع
expurgate	to remove	کد:ex پیشوندیه که در بعضی مواقع به معنی قبلی استفاده میشه مثلا: Ex
/'ekspəgeitid/	objectionable parts or	friend یعنی دوست قبلی/سابق
	passages	ولی دوستان این رو به همه جا ربط ندید در این کلمه ما میتونیم برای کدسازی استفاده کنیم: ex +پارگی ات!
		در این خلمه ما میتونیم برای خدساری استفاده خلیم. ۳۷ خپارخی آت ! پارگی قبلی دستت بخیه خور د الان دیگه حذف شده و معلوم نیست!!
		پرسی به است بای سورد ۱۵۰۰ می است ساد و تعوم بیست معنی:حذف کر دن/تطهیر کردن
begrudge	to be resentful or	كد:اگه ماشینت بی گاراژ بمونه معلومه غبطه و حسرت میخوری!!
/biˈgrʌdʒ/	reluctant	
75. g.na ₃ ,		
		معنى: غبطه خور دن/مضايقه كردن
artless	naive, innocent	معنی مبعه عوردن معنایه در این adjective و منفی در asiective و منفی در
	naive, innocent	صافحات می اورد (ess)
/ˈaːtləs/		
		معنی:بی هنر /بی تزویر /ساده لوح
gratuity	Tip	"how 'grateful' of you!" you say this after having a :4
/grəˈtjuːɪti/	•	tip
, gro gana,		
		معنی:پاداش/انعام
manifest	obvious, evident	کد:معنی+fast معنیه این کلمه(Fast) خیلی تابلو و واضحه دیگه!!
/ˈmænɪfest/	,	, ,
, mærmese,		
		معنى:اشكار /و اضــــ/ر و شن
delve	to do research, dig	معنی است روانت از روانت از روانت کدروقتی جاله رو دید دلش هٔری ریخت!!
	to do rescaren, dig	, 25 6, 35
/delv/		
	Court I bississi	معنی:گودی/حفره/سوراخ کردن کد:کبری+شیث از دواج کبری و شیث سر حوس بازی و دمدمی
capricious	fanciful, whimsical	حد جبری+سیت ار دواج خبری و سیت سر خوس باری و نمدمی مزاجی بود!!
/kəˈprɪʃəs/		ـــر بـــى بر ـــ::
		معنی:دمدمی مز اج/هوس باز کد:re+quiz+it و اجبه یه بار دیگه ازش کوئیز (ازمون) بگیری!!!
requisite	Requirement	د:re+quiz+it واجبه یه بار دیکه ارش کونیز (ارمون) بگیری!!!
/ˈrekwɪzət/		
		معنی:ضروری/بایسته/شرط لازم
replenish	to restock, fill again	
/rɪˈplenɪʃ/		معنی:دو بار ه یر کر دن/باز بر کر دن
		معنی:دوباره پر حردن/بار پرحردن

هفته چهل و سوم		
roster /ˈrɑːstər/	a list of names	کد:برای دیدن فهرست اصلی روی صفحه ی راستی (راست تر=roster) کلیک کنید!
stunted /'stʌntɪd/	held back or checked in natural growth	معنی:صورت/فهرست کد:اسی(اسماعیل) تنده ولی قدش کوتاه ست!!
atrophy /ˈætrəfi/	waste away	معنى:كوتاه كد: ادمهاى عاطفى چون حرص بيشتر ميخورن بيشتر هم لاغر ميشن!! كد: دوستهاى اطرافم همه لاغرند!
maim /meim/	cripple, disable	معنی: لاغر الاغر کردن کد:اگه تو باغ وحش زیاد سر به سر میمون بزاری صدمه میزنه بهت!
ameliorate /əˈmiːliəreɪt/	relieve, improve	معنی:صدمه اجرح اصدمه زدن کد: امیلی یو ار ایریت! (irate=خشمگین) خودتو اصلاح و بهتر کن!!
cynic /'sınık/	skeptic, pessimist	معنی: بهتر کردن/اصلاح کردن کد:۳۰نیک! ۳۰تا کار نیک انجام بده تا بدبینی و عیب جوبیت حذف بشه!
unctuous /ˈʌŋktʃuəs/	affectedly emotional	معنی:بدبین/عیب جو کد:اون چوبیس که روغنی و چرب است!
benevolent	charitable, kindly	معنی:چرب/روغنی/مداهنه امیز کد:بانی (بانی مسجد)+ voluntary! دقت کردین بانی های مسجد چقدر داوطلبانه توی همه کار ها شریک میشن؟
/, bıˈnevələnt/ subservient	obsequious, servile	دوطبیت توی همه کار ه سریک میش. معنی:کریم/نیک خواه/خیر اندیش کد:دقت کردین تا حالا صاحب سرویسهای دانشگاه (سلف سرویسها) چقد چاپلوس اند؟!/
/səb's3:viənt/ iniquity	wickedness, injustice	چپورس الد::۱٫ معنی:چاپلوس/پست کد:Iniquity sounds like inequality ;lack of justice فکر کنم دیگه همه equal و inequal رو بدونید چی میشه که با استفاده
/ı'nıkwıti/ largess	liberality, gift, gratuity	از آین میتونیم معنی این کلمه رو به راحتی تشخیص بدیم!! معنی:بی انصافی/شرارت کدیه اصفهانی و قتی بهت میگه طرف لارجس! یعنی لارجه /بخشندس/سخاوتمنده!

/la:r'dʒes/		
		معنی:بخشش/انعام/سخاوت/از ادگی
criterion /kraıˈtɪəriən/	test, model, standard	ی کد:باشگاه رفتن معیاری برای مصرف کراتین نیست!
		معنى:ملاک/معيار /مقياس
repent	desire to make	کد:rap+ant مورچه ای که تیپ رپ میزد پشیمان شد از کار خودش و
/rıˈpent/	amends, regret	توبه کرد!
		معنی:اصلاح شدن/پشیمان شدن/توبه کردن
mollify /ˈmɒlɪfaɪ /	appease, pacify	كد: خودتو اصلاح كُن modify و اروم باش mollify
		معنی:ارام کردن/فرو نشاندن
mercenary /ˈmɜːrsəneri/	greedy, motivated by desire for gain	کد:مرسی+نری! مرسی و ممنون ازت! اگه نری من به هیچ پولی احتیاج ندارم پولکی هم نیستم!
		معنی: پول <i>ی/مادی/پ</i> ولک <i>ی</i>
pariah /ˈpæriə/	social outcast	کد:پریا دختره منفوریه!
1.6		معنی:منفور کد:اون دوستانی که الافند همیشه کناره گیرند و دور از جمع اند!!
aloof /əˈluːf/	reserved, apart. Distant	حد. اول دوستانی که الافند همیسه کناره خیرند و دور از جمع اند!!
		معنى:كذاره كير/دور
pragmatic /prægˈmætɪk/	based on experience, practical	pragmatic=practical!:کد
		1 (1 .: 0 = 1
vestige /'vestidʒ/	evidence, trace	معنی: عمل گرا/فضول/عملی کد:برای حفظ این کلمه میتونیم از کلمه ای استفاده کنیم که معنیش رو میدونیم: investigate یعنی وارسی کردن/بررسی کردن خوب اونایی که در حال بررسی و وارسی هستند همیشه دنبال نشان و اثر میگردند مخصوصا وارس ها یا محققان!! معنی:شان/اثر
guise /gaɪz/	mien, appearance, manner	کد:کسی که با گاز کار میکنه باید ماسک بزنه و لباس مبدل بپوشه!!!
		t. (WZ)
		معنى:ماسك/لباس مبدل

هفته چهل و چهارم		
nullify /ˈnʌlɪfaɪ/	cancel, abolish	کد: همه میدونن که نول خنثی است و این رو هم بدونیم که ify در این گونه موارد فعل سازه
deluge /'delju:dʒ/	Flood	معنی: خنثی کردن/بی اثر کردن کد:دلوژ =دلر =دریل!! که کارش ایجاد حفرست!
futility [fju:'tɪlətɪ]	Uselessness	معنی:گودی/حفره/حفر کردن کد:این بار به شکل ظاهریش کد میدیم نه به تلفظ: فاطی+لاتی فاطی لاتی بیهودگی و کار پوچیه! کد۲:این سری با توجه به تلفظ:few +تیلیتی! اونایی که غذای تیلیتی دوست ندارن زندگیشون به پوچی میگذره!! معنی:بیهودگی/بی فایدگی لیوچ
carnage ['kɑ:rnɪdʒ]	Slaughter	if under aged people drive the car, there is a :ك possibility that he may kill people or animals on the road.
technology /tek'nɒlədʒi/	applied science	معنی:قتل عام/کشتار کد:تکنولوژی
libel /ˈlaɪbəl/	degradation by writing or publishing	معنی:تکنولوژی/فن اوری کد:یادتونه بچه بودید با یه کاغذ و چسب لیبل میزدید پشت دوستتون و یه چیزی مینوشنید یا توهین یا فحش و!! عجب!!!
defamatory [dɪˈfæmə,tɔ:rɪ]	damaging character by false reports	معنی:افتر ا/تو هین/متهم کر دن کد:دیف (یا دیوید) موتوری رسواکننده بود!
plaintiff , /'pleintif/	complainant	معنی:افترا امیز /رسوا کننده کد:تف انداختن از plane (هواپیما)همه رو شاکی میکنه! تف+plane
canard /kəˈnɑːrd/	a made-up sensational story	معنی: خواهان/شاکی/مدعی کد:can +hard rumors can be hardly believed خبر دروغ به سختی باور مردم میشه دیگه!
deprecate /'deprikeit/	express disapproval	معنی:خبر دروغ You can think of it as the opposite of appreciate : کد (as in devalue against value). So lack of appreciation; ie, humiliation or belittling.
reputed /rɪˈpjuːtɪd/	believed, thought, supposed	معنی:بد دانستن/قبیح دانستن/نار اضی بودن کد:اگه مشهور باشی راحت میتونی روپات وایسی!
frail	weak, delicate	معنی:سابقه/او از ه داشتن/شهرت داشتن کد:فویل

	ضخامت فویل و جنسش چجوریه؟!× نازک-سست و نحیف
	معنی:ناز ک/سست/نحیف
intense, strong, powerful	کد:برای حفظ این واژه میدونیم که potential میشه همون پتانسیل و مربوط به نیروی درونی و این حرفا! پس باید اینم بدونیم که پادشاه یا شخصی تواناست همیشه اون انرژی و پتانسیل رو داره!
	اون دوستانی هم که معنیه potent رو میدونن به راحتی میتونن این کلمه رو حفظ کنن معنی:شخص توانا/پیادشاه
criticize severely	کد:عکس ریه ات خیلی خرابه همه جاشو تراشیدن توی عکس!
sincere, religious	معنی:تر اشیدن /پوست کندن از کد:اگه خلاف مذهب باشی افر اد مذهبی دعوات میکنن!!
	معنی:مذهبی/دین دار
small, tiny	کد:مینیاتوری و کوچیک!!
abundant, overflowing	معنی:خرد/کوچک کد:پر +فیوز یا فراوان از فیوز!!
	معنی:فراوان/زیاد/وافر
sweet or melodious to the ear	کد:دلی+sit دلی (دل ارام) بشین و اهنگ گوش شیرین بچگیت رو گوش کن!
	معنى:نو عى الت موسيقى/خوش اهنگ/شيرين
offhand, spur of the moment	just remember prompt of in[promptu] that's it:≤
	معنى:بى مطالعه/فى البداهه
ill-disposed, ill- intentioned	malevolent = male +violent Violent males can : cause more harm to society than females
	معنى:بدخواه/بدنهاد
	sincere, religious small, tiny abundant, overflowing sweet or melodious to the ear offhand, spur of the moment ill-disposed, ill-

	چهل و پنجم	هفته
wistful /'wistfəl/	wishful, pensive, longing	کد:west+full تمام مردم شرق سرشار و پر از این ارزو هستند که برن غرب!!
		معنی:ارزومند/در انتظار/خیال اندیش کد:ری مانتو یا مانتوی ری! جزئی از بهترین پوشاکه!
raiment /ˈreɪmənt/	clothing, dress	حد ری ماندو یا ماندوی ری! جریی از بهترین پوسخه!
		معنی:جامه /پوشاک
brigand /ˈbrɪgənd/	bandit, robber	کد:کاملا مشخصه که راهزن ها و یاغی ها بی رگند!!
		معنى: راهزن/ياغى
corpulent /ˈkɔːpjʊlənt/	excessively fat, fleshy, obese	sounds like opulent means rich wealthy. Rich :ച് people generally fat too.
		معنی:فربه/تنومند/گوشتالو کد:ریل
rail /reıl/	rail	کد:ریل
		معنی:ریل راه اهن/نرده کشیدن/توبیخ کردن/خط اهن
raconteur /ˌrækɒnˈtɜːr/	a skilled storyteller	کد: راک+in +تور! راک توی تورهاش که برگزار میکنه داستان و قصه میگه به همه!
		معنی:داستان سر القصه گوی زبر دست
sullen /ˈsʌlən/	grim, ill-humored	کد:سالن های مجالس از پذیرش افراد ترشرو و عبوس سرباز زدند!!
rift	an opening, a split	معنی:عبوس/ترشرو کد:با چاقو دستشو برید دستش چاک خورد و چایی از دستش ریخت (rift)!
/rıft/	G., 6 per	معنی:بریدگی/چاک/چاک دادن
emissary	an agent	معنی بریدی کهای دادن کد:با معنی خودش میتونیم کد بسازیم: امی سری=مامور سری!
/'emisəri/	un agent	
ruminate	reflect upon, ponder	معنی:مامور سری/فرستاده کد:اخه جلوی شومنیه جای نشخوار کردن و فکر کردنه؟!×؟
/ˈruːmɪneɪt/	refrect apon, ponder	. 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3 3
		معنى انديشه كردن/نشخوار كردن

taut /to:t/	on edge, keyed up, tense	کد:دیدین وقتی بچه داره تاتی تاتی میکنه و میخواد بلند شه چقد سعی میکنه کشیده و سفت واسته! یم؟!
7 to.t/	tense	
		معنى:سفت/كشيده
livid	Pale	حدي: livid مخالف vivid !! تا وقتى ادمها زنده اند سرحال و قبراقند
/ˈlivid/		(vivid) ولى تا ميميرن كبود و كوقته ميشن (livid)!
		معنی: کبود/سربی رنگ/کوفته شده
martinet	strict disciplinarian	كد:مارتينت ادم سخت گيرو با انضباطيه!!
[,ma:rtı'net]		
		معنى:سخت گير/با انضباط
yen /jen/	strong desire, strong longing	كد:خیلی از كشور ها تمایل دارن واحد پولشون ین(واحد پول ژاپن) بشه!
L L - II -	a trifle	معنی:واحد پول ژاپن/میل/تمایل/اصرار کد:با (نون) باگت+all یه ساندویچ جزئی و اندکی میشه درست کرد.
bagatelle [,bægə'tel]	а типе	خد.ب (نون) باخت ۱۳۳۳ یه سالتویچ جرنی و اللخی میسه درست خرد.
		معنی:چیز جزئی و اندک
callow /ˈkæləʊ	inexperienced, youthful	کد:شیر ازیهای عزیز معمولا به اخر کلمات و اضافه میکنن مثلا میخوان بگن کال(خام/نارس/بی تجربه)میگن کالو!!!
		معنی:خام/کال/بی تجربه
appalled /əˈpɒːld/	shocked, dismayed	کد:یکی از دوستام (pal) خیلی وحشتناکه و ادمو میترسونه a+pal
		معنی:ترساندن/و حشت زده کردن
penchant /'pentʃənt/	a strong leaning in favor	کد:خیلیها علاقه دارن که patient (صبور) باشن ولی
		نمیتونن! patient=penchant معنی:میل شدید/علاقه/ذوق
decapitate /dɪˈkæpɪteɪt/	Behead	capitate(capital)->say head of country->so :2 decapitate means dehead or behead
		معنی:سر از تن جدا کردن/سر بریدن
termagant /'tɜ:rməgənt/	a shrew, a scolding woman	کد:ترمه+جن دیدی سلیطه بازی در ار!! ترمه خانوم جن دیدی دادو بیداد کن!
		معنى:دادو بيداد كن/سليطه/يتياره

هفته چهل و ششم		
ascertain /ˌæsəˈteɪn/	find out about, discover	کد: اسیر +تن! خیلی راحت میشه ثابت کر د که ادمیز اد اسیره تنه!
		معنی:ثابت کردن/معلوم کردن
dormant /'dɔːmənt/	asleep, resting	كد: دور منو خط بكش و ساكت باش ميخوام بخوابم!!
		کد۲:سکوت برای در مانت خیلی خوبه! معنی:خوابیده/ساکت
burgeoned /ˈbɜːrdʒənd/	grew, flourished	کدبیر جند! کدبیر جند! هدفت اینه که بری به سمت بیر جند برای دیدن یه گیاه عجیبی که داره ونجا رشد میکنه که همه رو متعجب کرده!
	2012	معنی:هدف/جوانه زدن/رشد کردن کد:برای حفظ این واژه میدونیم که potential میشه همون پتانسیل و
potentate /ˈpəʊtənteɪt/	ruler	که برای خفط این واره میدونیم که potential میسه همون پیانسین و مربوط به نیروی درونی و این حرفا! پس باید اینم بدونیم که پادشاه یا شخصی تواناست همیشه اون انرژی و پتانسیل رو داره!
		ون دوستانی هم که معنیه potent رو میدونن به راحتی میتونن این کلمه رو حفظ کن
disseminate /dɪˈsemɪneɪt/	scatter, spread	معنی:شخص توانا/پادشاهمعنی:پادشاه/سلطان/شخص توانا کد:این(this)+امانتی که ازم گرفتی رو همه جا رفتی پخشش کردی؟؟!
		معنى:تخم كاشتن/منتشر كردن
derived /dɪˈraɪv/	received from a source, descended from	کد:همون drived که ازش مشتق بگیری میشه !!derived
		معنى:مشتق/ماخوذ
prerogative /prɪˈrɒɡətɪv/	an exclusive power or right	remember "Interrogative" which means :≤ questioning by Investigation officers. So prerogative should be something opposite. so unquestionable
		معنى:حق ويژه/امتياز مخصوص
nepotism /ˈnepətɪzəm/	favoritism towards relatives	کد:نه پارتیزم! نه+پارتی اونایی که میگن پارتی نه همونا قوم و خویش پرستند!
		معنی:خویش و قوم پرستی
dearth /dɜːrθ/	lack, scarcity	کد: ۹۰ در صد مرگ مردم (death) جدیدا به خاطر گرانی و کمبوده (dearth)
internecine	mutually destructive,	معنی:کمیابی و گرانی/کمبود کد:اینتر نسیم! اینترنشنال نسیم که قاتل خونینه همه میشناسنش!
/ˌintərˈniːsən/	involving conflict in a group	
		معنی:قاتل خونین/کشتار یکدیگر یا متقابل
tyro	novice, beginner	کد:تازه کار یا نوچه ای که میره مکانیکی اولین کارش اینه که تایرو بنچرگیری کنه!!!

[ˈtaɪrəʊ]		
		معنی:مبتدی/نوچه/تازه کار
sophistry /'sɒfɪstri/	false reasoning or argument	کد: همانند یه خیابون صاف (صاف+street) باش و زبون بازی و بر هان تر اشی نکن!
		معنی:سفسطه/زبان بازی/برهان تراشی
factitious /fækˈtɪʃəs/	artificial, sham	کد:فیک(fake=تقلبی)+تیشه! دوستت بهت میگه این تیشه ای که خریدی فیکه یا فیک تیشه اس!!
		معنى:ساختگى/مصنو عى/در و غى
encomium /ɪnˈkəʊmiəm/	high praise	كد:این كامیون ها همشون پشتشون نوشته ستایش و ثناست!
		معنى:ستايش/ثنا
obloquy /ˈɒbləkwi/	dishonor, disgrace, shame	کد: ابله + کو هی!!! کسی که ابله و کو هی باشی همیشه از فحش و ناسز ا استفاده میکنه دیگه!
		معنى بدگويي/ناسز اگويي/افتر ا
hyperbole /haɪˈpɜːbəli/	exaggerated figure of speech	کد:دوستت میگه که من هایپر + (توپ =ball) دارم به اندازه ی کره زمینه! میفهمی که داره اغراق میکنه.
		معنى:مبالغه/اغر اق/گزاف گويي
munificent /mjuːˈnɪfɪsənt/	Generous	ی: . ، ر و ی ر در کرد. کا
		معنى:بخشنده/كريم/سخاوتمند
prevarication /prɪˈværɪkeɪt/	lying, deviation from the truth	کد:پری دری وری نگو!
		معنى:حرف دوپهلويي/درو غگويي
charisma /kəˈrɪzmə/	quality of leadership inspiring enthusiasm	کد:کاریز + ما (چشمه ی اب) کاریز ما خیلی جذبه و گیرایی داره از بس پر ابه!
		معنی:جذبه/گیر ایی/گیرش
genocide /ˈdʒenəsaɪd/	planned destruction of an entire people	کد:cide پسوندی است به معنای کشتن و در خیلی از کلمات کاربرد دارد.
		معنى:نسل كشى/قتل و عام

